



کتابخانه
ایرانی
Iranische Bibliothek
Bibliothek in Hannover
1969

اخبار

کارگران همه کشورها متحد شوید!

دوره دوم سال هشتم ★ ارگان ساسی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ★ قیمت: شماره ۴۳ ۸۰ ریال مهرماه ۱۳۶۶

«صدای کارگر» دومین سال فعالیت خود را آغاز میکند

در صفحه ۲



رفیق احمد همین

ادامه جنگ ارتجاعی با شعارهای عوامفروپانه «ضد امپریالیستی»

را دنبال می کنند؟ آنها خودشان می گویند برای تا مین آزادی کشتی رانی در خلیج فارس و دریای عمان، که در نتیجه کترش جنگ ایران و عراق به دریا به مخاطره افتاده است، باین منطقه آمده اند، اما اکنون همه دنیا می دانند که «تا مین آزادی کشتی رانی» بانه ای بیش نیست بلکه هدف اصلی امپریالیسم آمریکا از حضور در خلیج فارس دفاع از کشورهای ارتجاعی منطقه می باشد. زیرا تهدید آزادی کشتی رانی در خلیج فارس تا زگی بقیه در صفحه ۳

خلیج فارس و دریای عمان، با مسورنی نیز می امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم فرانسه و انگلیس و باره ای از متحدان آنها در ناتو، به نظامی ترین و انفجار آمیزترین نقطه در آبهای سرسبز جهان تبدیل شده است. اکنون بیش از صد کشتی جنگی و مین روبرو در این منطقه جمع آمده اند و بیش از چهل هزار نفر از نیروهای نظامی ناتو، که بخش اعظم آنها با امپریالیسم آمریکا تعلق دارند، در اینجا مستقر شده اند. امپریالیسم با جمع این همه نیرو در منطقه چه هدفی

عقب نشینی به میان توده ها، یا عقب نشینی از میان توده ها؟!

در صفحه ۲۱

بحران اقتصادی و مسئله مبارزه با گرانفروشی

تنور مبارزه با گرانفروشی همچنان داغ است. رسانه های گروهی رژیم بر سر اخبار کشف و دستگیری محکوم و متخلف و مختلس و جا عمل کوپن و غیره هیاهو بر راه انداخته اند. این همه ها حواله بته بر سر هیچ نیست. در سالهای اخیر رسم بر این بوده است که با اوج گیری بحران اقتصادی و بخصوص تشدید بحران نفت، دولت تها که در ایران اساسا بر سرقت متکی هستند، بفرست بفرستند که چرا با بحران و در نتیجه شتاب و نفرت مردم را تشنجی بدوش بکشند. چرا با اصطلاح «جیب بورژواها را محاصره نکنند» و خشم توده ها را که فشار بحران اساسا بدوش آنهاست، موقتا هم شده متوجه آنها نکنند. کارزار تشنجی مبارزه با گرانفروشی در اوایل خرداد ماه، هیاهوی منا به رژیم در سالیهای ۶۰ و ۶۱ همه برجستین پایه ای قرار داشته اند. اما این با بحران از نوع دیگری است و نمایش به یک تعزیه واقعی تبدیل شده است. جنگ ۴۱٪ بودجه جاری دولت را می بسعد و نفت، این تشنج در آمد واقعی دولت، اکنون تنها ۲۲٪ درآمدهای دولت را بقیه در صفحه ۴

دین باید از دستگاه آموزش جدا گردد!

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

آغاز سال تحصیلی جدید، حدود دوازده میله دانش آموزان شجورا به پشت نمکت ها فراخوانده است. رژیم جمهوری اسلامی همچون سالیان بیش قدها رنگه از این سال تحصیلی نیز هر چه بیشتر در جهت بازگرداندن کشور به تاریک اندیشی قرون وسطایی و کسل نوحوانان و جوانان به جیب های بی بازگشت جنگ ارتجاعی بهره برداری کند. رژیم اسلامی می گوید با حذف بخشهای از علوم که با معتقدات مذهبی خوانا نشی ندارند، با ترویج خرافات و اعتقادات ارتجاعی، تحریف و جعل تاریخ و احیاء سنن بوسده قسرون بقیه در صفحه ۲۳

ریشه ها و چشم اندازهای مبارزه انقلابی - دموکراتیک در کره جنوبی

در صفحه ۶

مواد مخدر، مبارزه یا معامله؟!

در صفحه ۱۷

وضع دهشتناک دارو و درمان

در صفحه ۱۳

علت سیل اخیر در کشور، بی حجابی بوده است!

در صفحه ۳

اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان

عملیات مشترک پیشمرگان

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

و چریکهای فدایی خلق ایران

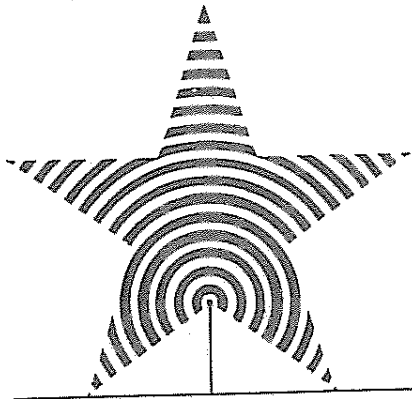
در منطقه پیرانشهر

در صفحه ۲۰

درباره چاپ سیگ

در صفحه ۱۴

صدای کارگر دومین سال فعالیت خود را آغاز میکند



صدای کارگر
راهبوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

در ۸ مهرماه ۱۳۶۵ صدای کارگر راهبوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برنامۀ آشنایی خود را آغاز کرد. در آغاز ماه، مدت زمان برنامه های آزمائشی "صدای کارگر" نیم ساعت بود که در ساعت ۹ شب و تکرار آن در ساعت ۴ صبح روز بعد پخش میگردید. از اول دی ماه ۶۵ مدت زمان برنامه به ۴۵ دقیقه افزایش یافته و کیفیت فنی آن نیز تقویت شد. "صدای کارگر" با تقویت سیاسی و تجهیز فنی از ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۶ روز جشن بین المللی طبقه کارگر برنامه های رسمی خود را آغاز کرد. مدت زمان برنامه راهبوی "صدای کارگر" از ۴۵ دقیقه به یک ساعت و نیم افزایش یافت و ساعت پخش آن نیز از ساعت ۹ شب به ۸ شب تغییر یافت. ترکیب برنامه های راهبوی "صدای کارگر" به ترتیب زیر می باشد: هر برنامه راهبوی از دو قسمت اصلی یعنی بخش اول شامل برنامه عمومی و توده ای به مدت ۴۵ دقیقه و نیز بخش دوم برنامه برای فعالین، به مدت ۴۵ دقیقه تشکیل می شود. در بخش اول برنامه برنامه های "صدای کارگر" که برای کارگران و زحمتکشان پیشرو روز منته و عموم توده های مخالف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تهیه می شود ابتدا اخبار مهم سیاسی کشور و همچنین اخبار مهم بین المللی پخش میگردد. پس از اخبار، گزارشات خبری و سپس تفسیر سیاسی با هدف افشاکاری های همه جانبه سیاسی رژیم ولایت فقیه و در متن آن تبلیغ شعارها و تاکتیک های سازمان، بخش بعدی برنامه متوجه ای "صدای کارگر" را تشکیل میدهد. "صدای کارگر" بطور روزمره تقریباً تمام حوادث مهم کشور را مورد ارزیابی قرار داده و مواضع سازمان ما را در قبال آن اعلام میدارد و بدین ترتیب بذراگان انقلابی و کمونیستی در میان کارگران و زحمتکشان در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق را می پراکند. در بخش برنامه متوجه ای روزهای شنبه به مسئله جنگ ارتجاعی ایران و عراق، روزیکشنبه تبلیغ خط وشی سازمان به سراری سازمان تگری جنبش کارگری، روزهای دوشنبه تجلیل از شهدای سازمان، دفاع از زندانیان سیاسی، افشاکاری چهره های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از مسئله زنان، روزهای سه شنبه طرح مسائل مبارزات جاری طبقه کارگر، روزهای چهارشنبه افشاکاریهای عمومی و همه جانبه رژیم ولایت فقیه در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی، جنگ و مسئله سرکوب روزهای پنجشنبه دفاع از جنبش

انقلابی خلق های تحت ستم ایران و روزهای جمعه به مسائل بین المللی، هنر و یلمیک های سیاسی - ایدئولوژیک اختصاص می یابد. "صدای کارگر" در بخش اول برنامه های خود توجه ویژه ای به هنر در عرصه های موسیقی، شعرا و دبیرسات میبذول داشته و تلاش میورزد هنر را در تمام عرصه های خود همچون سلاحی کارآمد در مبارزه علیه رژیم فاشیستی ولایت فقیه بکارگیرد. بخش دوم "صدای کارگر" به فعالین سازمان و جنبش کمونیستی و انقلابی اختصاص یافته است. برنامه فعالین شامل آموزش برنامه ها و تاکتیک های سازمان دوروز در طی هفته، آموزش مسائل مربوط به سازماندهی حزبی، مسائل امنیتی و تشکیلاتی، دوروز در هفته و یلمیک های سیاسی و ایدئولوژیک سه روز در هفته می باشد. در پایان این بخش از برنامه "صدای کارگر" آبیاهای سازمان پخش می شود. "صدای کارگر" از طریق کمک های بیدریغ اعضا، هواداران و حامیان سازمان تأسیس شد و بویژه رفقای کمیته کردستان با ایثار و فداکاری کم نظیری شرایط مناسب برای راه اندازی و استمرار فعالیت آنرا فراهم ساختند. سازمان ما ضمن قدردانی از تلاش طاقت فرسا و شانه خوری هیئت کارکنان سیاسی، تولیدی و فنی "صدای کارگر" که در سخت ترین شرایط برنامه های راهبوی سازمان را در گلبه حوزه ها ارتقاء داده اند همه اعضا، هواداران و حامیان سازمان را فرا میخواند تا با تدوم و گسترش کمک های مالی خود و ارسال هر چه بیشتر اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان به آدا مه کاری و تقویت کیفیت "صدای کارگر" یاری رسانند.

رفیق احمد معین

رفیق احمد معین در سال ۱۳۳۲ در یک خانوادۀ زحمتکش در همدان متولد شد. پدرش با شغل تعمیر لباس به سختی از عیله تا مین مخارج خانوادۀ برمی آمد. او تنها پسر خانوادۀ بود و بدین خاطر مادرش بویژه فوق العاده با علاقه مند بود. بی تردید زندگی در چنین خانوادۀ ای تاثیرات مشخص خود را در ترکیب شخصیت انقلابی احمد جوان بیجا گذاشت و او را نزدیک واقعبیت دردناک فقر و محرومیت در یک جامعه طبقاتی را با گوشه نشینی و پست خود احساس کرد و از طبقات ستمگرو حامیان آنها کینه ای سخت در دل گرفت. در او او خرد دوره دبیرستان تحت تاثیر دوش از دبیران مترقی خود بسوی سیاست و مبارزه روی آورد. او اکنون مصمم بود تا از درس زندگی و درس معلمان خود، خمیرمایه ای برای مبارزه انقلابی بسازد و برای آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان و نابودی سرمایه بچنگد. در این راستا احمد به همراه عده ای از رفقای خود گروهی تشکیل داد. کار این گروه با توجه به

می داشت. احمد در دوره انقلاب همه جا در کنار مردم مبارزه کرد و تلاش نمود که این مبارزه را هر چه بیشتر آگاهانه تر سازماندهی کند. با شکست انقلاب و حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" بدوش خود وظایف سنگینی را احساس می کرد و با بدخود را برای مبارزه در شرایط نوین میبایستی ساخت. چون او فقط انقلابی دوران آسانی مبارزه نبود. احمد از زندگی سیاسی و دوران زندان و بویژه طوفان یک انقلاب توده ای آنقدر آموخته بود که همیشه تنها شی جنگیدن را بی فایده بداند و هم همراهی چشم بسته با هر سازمان و جریان مدعی مبارزه را غیر مولی. برای او "حرکت همه چیز و هدف هیچ" معنا نداشت و از سوی دیگر هدف را با مبارزه سازمان یافته برای تحقق آن ملازم میدانست. پس با اعلام موجودیت راه کارگر، او راه کارگری شد و تا لحظۀ ای که در بائیزمال ۶ به هنگام اجرای یک قرارداد دستگیر شد و در دست چند وزبسته جوخه آتش سپرده شد. همچنان راه کارگری باقی ماند. گرامیداشت خاطره احمد، گرامیداشت خاطره همه کمونیستهای قهرمانی است که جنگیدند و سربا ختنند تا طبقه کارگر به میدان بیاید و با سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی، حاکمیت خود را تحقق بخشد. خاطره اش گرامی باد.

سطح جنبش و سطح تجربه آن، در سالهای سیاه اختناق، عمدتاً تبلیغ و افشاکاری علیه رژیم ستمناهی بود و در این رابطه گروه چندا علامیه منتشر کرد. آنها اولین کامپار را بر میداشتند که در سال ۵۱ با یورش ساواک مواجه شدند. همه اعضای گروه و از جمله رفیق احمد دستگیر شدند. احمد در بازجوئی، قهرمانانه مقاومت کرد و به همین خاطر جزو سه نفر از کسانی بود که بیشترین محکومیت را گرفتند و او به ۸ سال زندان محکوم گردید. احمد بعد از زندانی شدن به زندان عادل آباد شیراز انتقال یافت و تا آذرماه ۵۷ - روزهایی که در اثر ستم سازمان قهرمانانه خلقهای ایران دیوارهای بلند سلطنت و سرمایه و زندان ترک برداشت و توده های میلیونی با فریادهای بلند "زندانی سیاسی آزادیا بیدگردد" در زندانهای شاه جنتیکار را شکستند. در همانجا ماند. در این روزهای طوفانی که خلقها و طبقه کارگر کشور را انقلابی بزرگ را تجربه می کرد، احمدشادمان و سرفراز از آتش آنجا با زحمت تا چونان همیشه با و رشان با شد و دوشادوش و پیشاپیش آنها با هر آنچه مانع رهاشی است بچنگد. خانه کوچک احمد در این روزها میماند گساره همه مردمی بود که دوستش میداشتند و دوستشمان

ادامه جنگ ارتجاعی با شعارهای عوام‌فریبانه «ضد امپریالیستی»

نیروهای انقلابی طراحی شده بود. جمهوری اسلامی نه تنها فربه‌ای بر منافع آمریکایی و اردنی وارد، بلکه میلیاردها دلار از دارایی‌های کشور ما را به آمریکا می‌ها و گذاشت، و اکنون دیگر در تمام دنیا روشن شده است که ما زنی رژیم جمهوری اسلامی در الجزیره با امیرالاسم آمریکا، قرارداد خباثانکارانه‌ای در حد امتیازدهی‌های دوره کلاسیک استعمار بوده است. در حال حاضر نیز تمام هماهنگی‌ها و فریبی‌های «فدامبرالیستی» رژیم که صرفاً بمنظور بسیج نیرو برای ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق صورت می‌گیرند، همه تنها مواضع آمریکا و ارتجاع منطقه را تضعیف نمی‌کنند، بلکه توجیجی برای تقویت حضور امبرالیستی در این منطقه فراهم می‌سازند. اقدامات جنون آمیز رژیم در چند ماه اخیر، از من - گذاری آبپای خلیج فارس و دریای عمان گرفته، تا فرام آوردن زمینه‌کشتارمکه، فقط و فقط زمینه تقویت حضور مستقیم نیروهای نظامی امبرالیستی را در منطقه تحکیم کرده است. رهبران جمهوری اسلامی نقداً این روپاروپی با امبرالیسم آمریکا و متحدان آنرا، نعمت و برکتی برای خود می‌نگرند و می‌کوشند بسا برآه‌اند ختن با لاسکه «فدا میرالیستی» برای ادامه جنگ نیرو بسیج کنند. در چنین شرایطی وظیفه کمونیست‌ها و تمام نیروهای انقلابی است که ما هیت ارتجاعی و عوام‌فریبانه این بالماکه «فدا میرالیستی» را با تمام نیروها فشا کنند و نگذارند رژیم جمهوری اسلامی با حربه‌ای دیگر ادامه جنگ ارتجاعی و خائنانه‌سوز را ممکن سازد. تنها راه مبارزه واقعی با امبرالیسم جنایی، سرگردگی امبرالیسم آمریکا و تنها راه مقابله با ارتجاع و فدا انقلاب در منطقه، بسرای طبقه کارگر و حاکمان ایران، دست یافتن به آزاده آزادی انقلابی و حق تعیین سرنوشت خودشان است. و این جزا طریق سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی امکان‌ناپذیر است.

هر نوع روپاروپی «نا مطلوب» در منطقه تقویت کنند. در ده ساله قبل از انقلاب ایران، دفاع از منافع امبرالیسم جهانی و ارتجاع منطقه، بسپسیده رژیم دیکتاتور شاه و اگذا رنده بود و این رژیم بر مبنای طرح معروف امبرالیسم آمریکا که اصطلاحاً «دکترین نیکسون» نامیده می‌شود، ژاندارم منطقه محسوب می‌شد. بعد از انقلاب ایران و بسپم خوردن آرایش قوا در منطقه آمریکایی‌ها در مورد تقویت نیروی نظامی خود در منطقه برآمدند تا از این طریق بتوانند «خلافه» ناشی از انقلاب ایران را برگیرند، ایجاد «نیروی واکنش سریع» آمریکا در منطقه، که بعدها «فرماندهی مرکزی» نامیده شد، دقیقاً بسپسین منظور صورت گرفت. از انقلاب ایران با بسپس امبرالیسم ایران همیشه دنبال فرصت و بهانه‌های بوده‌اند که حضور خود را در منطقه هر چه بسپستر تقویت کنند و در این جهت الحق هیچ فرصتی را از دست نداده‌اند. اگر قبلاً ما برای گروه‌های تکمیلی و اشغال سفارت آمریکا در این راستا فرصتی طلائی برای آمریکا بسپسود آورد، اکنون ادامه جنگ و با زرسی‌های دریائی در خلیج فارس و با برآه‌اند عوام‌فریبانه رژیم خمینی، بسپس نه‌سی ما بسپسید امبرالیسم آمریکا داده‌است تا حضور نظامی مستقیم خود را بسپسندون هیچ ملاحظه‌ای در خلیج فارس و دریای عمان تقویت کنند. در این میان رژیم خمینی بسپسرای بسپس بردمقا صد ارتجاعی خودش، همیشه کوشیده است و می‌کوشد با برآه‌اند ختن عوام‌فریبی «فدا میرالیستی»، توده‌های نا آگاه را به حمایت از خود بکشاند. اما حقیقت این است که جمهوری اسلامی همیشه بی آنکه فربه‌ای بر منافع امبرالیسم و امبرالیسم وارد کرده باشد، زمینه تقویت حضور مستقیم آنرا در منطقه فراهم کرده است. مردم ما ما برای گروه‌های تکمیلی را فراموش نگرفته‌اند. در آن سالماکه عوام‌فریبانه که اساساً بسپسرای منحرف کردن جنبش انقلابی مردم ایران بسپسروکوب

دنباله از صفحه ۱
ندارد و فقط در همین شش ماه اخیر ظاهراً شده است. ایران و عراق مدت‌هاست بمنظور فربه‌زدن بسپس منافع هم‌دیگر در خلیج فارس، هر کشتی مطنون به همکاری با طرف مقابل را مورد حمله یا با زرسی قرار می‌دهند. چرا قدرتهای امبرالیستی قبلاً به فکر دفاع از آزادی کشتی‌رانی در خلیج فارس نبودند؟ در واقع، قتلا در گرما گرم «جنگ بانکرها» در خلیج فارس و با زرسی‌های دریائی ایران در تنگه هرمز، دولت ریگان برای تقویت «احتاج مبارزه» در رژیم جمهوری اسلامی مشغول معاملات پنهانی با این رژیم بود؛ دولت‌های سابق و لاحق فرانسه برای «عادی سازی» روابط با رژیم اسلامی تلاش می‌کردند و تمام انفجارهای وحشیانه در دریای رسی و شیرهای دیگر فرانسه را بسپس ریش‌شور و ریش‌شورای لبنانی - خانواده عبدالله - می‌بستند و تمام نا زور کوشه‌های رژیم فقیر را با گشای روشی تحمل می‌کردند؛ دولت انگلیس برای بسپس روابط و رفع کدورت‌های سابق با رژیم اسلامی تلاش می‌کرد و بزرگترین مرکز خریدهای تسلیحاتی رژیم در لندن مستقر شده بود.

بررسی اوضاع سیاسی عمومی خاور میانه و بسپس کشورهای منطقه خلیج نشان می‌دهد که بسپسری از رژیم‌های ارتجاعی این منطقه در وضع شکستنده‌ای قرار دارند و احتمال تکوین و گسترش بحران انقلابی در باره‌ای از این کشورها بسپس نیرو مند است. این بسپسترین عاملی است که امبرالیسم آمریکا و متحدان آنرا در نا نونگران می‌سازد. آنها بسپس از هر چیز برای مقابله با چنین تحولات احتمالی است که حضور مستقیم نظامی خود را در منطقه تقویت می‌کنند. نیروهای امبرالیستی و بسپسوی نیروهای آمریکا برای یک ما موریت موقتی به خلیج فارس بسپساده‌اند، آنها تا من آزادی کشتی‌رانی در این منطقه را بسپسانه قرار داده‌اند تا قدرت واکنش خود را در مقابل

علت سیل اخیر در کشور، بی‌حجابی بوده است!

سیل فاجعه‌بار اخیر در کشور که از جمله در تهران تلفات جانی و ویرانی‌های بسپسای به بار آورد، قلب همه مردم را به درد آورده و خشم عمومی را نسبت به بی‌مسئولیتی و بی‌اعتنائی رژیم اسلامی در قبال اینگونه حوادث برانگیخته است. سردمداران رژیم نیز هر یک به نوعی و بسپس توشل به عوام‌فریبی تلاش کرده‌اند و مسپسولیت اینگونه فجایع را از گردن رژیم برداشته و خشم مردم را بخوابانند. در این میان قائم مقام فرماندهی کمیته انقلاب اسلامی شمیران است. استعداد حزب الهی کم‌نظیری را از خود بسپسروز داده است. وی در مصاحبه با «رسانه» (سرداد) مقصرین سیل اخیر را چنین معرفی می‌کند: «ما وجودگرا نفروشان و محتکران و بسپس بی‌حجابی کثیف در سطح شهر، با بی‌منتظر جنبش حوادثی در این فصل باقیم»!

حزب الهی نایب، با این ریشه یابی از فاجعه، به یک تیره نشان می‌زند با ولایت خرافه‌را ترویج می‌کنند که گویا سیل، یک مجازات الهی برای انسانیت است؛ تا بسپس مسئولیت را از گردن حکومت اسلامی (که دست به تدا بسپسرو تا بسپس بسپسگیران زنده است) بی‌اندازه و بنا لثا می‌کوشد خشم و اعتراض مردم را از رژیم به سوی خود سردم برگرداند و از این خشم، برای بسپسرد بسپس است تبلیغاتی و عوام‌فریبانه رژیم اسلامی که بسپس بنا م باره با گراشی و گرانفروشی، با بسپس دستفروشان و خرده‌فروشان را زیر ضرب بسپس کرده است؛ و همچنین برای بسپسرد بسپس بنا بسپس ارتجاعی و فدا نسانی رژیم اسلامی در سرکوب آزادی‌ها و حقوق انسانی و اجتماعی زنسان کشور بسپسره برداری کند.

با اینهمه استعداد در عوام‌فریبی و بسپس اینهمه بی‌شرمی و بی‌شرفی، آینه درخشان جمهوری اسلامی می‌شوانست در انظار رای بسپس حزب الهی نمونه باشد، ولی افسوس که بسپسود جمهوری اسلامی دیگوار بسپسده‌ای ندارد!

مرك بر جنك!
زنده باد صلح!
زنده باد
انقلاب!

است. بگفته ما رکن: "از نظر اقتصادی درست مثل این می ماند که ملت بخشی از سرمایه اش را بپسندد دریا بریزد". او خونده با خیال راحت ثروت ملی را همراه هستی جوانان مردم در آتش فتوحات اسلامی اشان میسوزانند. بطوریکه امروز جنگ ۷۱٪ رقم بودجه جاری کشور را تشکیل میدهد. ما بین ترتیب حذف تدریجی نفت در یک اقتصاد دوار دانی متکی بر نفت باعث اختلال، رکود و بلاخره از هم پاشیدگی کامل تولید شده است. دولت گرچه

با از رجهائی سرمایه ترمیم کند و با از داخل سیاسی را در اختیار سرمایه گذاران داخلی قرار دهد و بگذارد تا تولید و بسته دویا ره جان بگسیرد، میلیونیهای دیگر به حاشیه تولید رانده شوند و در زائده ها بسته کنند. رژیم بنا به ما هست ارتجاعی - اش بلاتدرید و بلاتفا مله امین راه دوم را انتخاب کرد. اما مقاومت گسترده کارگران و زحمتکشان،

جدول شماره ۲

نوع فعالیت	تعداد کل سهمیه	میزان سهمیه برای هر هزار نفر	مدت زمان لازم برای دریافت کالا
بخال	۴۰۹۶	۲/۳	۴۳۴ سال
تلویزیون، ساه و سفید	۸۵۷۹	۴/۸	= ۲۰۸
سماور	۵۹۵۸	۳/۳	= ۳۰۲
راديو	۸۲۱۰	۴/۵	= ۲۲۲
ستو	۴۵۷۸۸	۲۵/۴	= ۲۹
بکته	۱۲۸۴۲	۷	= ۱۴۲
تلویزیون رنگی	۱۲۸۹	۰/۷۱	= ۱۴۰۸
سند کاغذ	۵۲۳۹	۲/۹	= ۲۴۴
راديو ضبط	۲۱۰	۰/۱۳	= ۴۳۴۷

آمار ما خدازنگیها ن ۲۶ مرداد ۱۳۶۶

بزرگترین کار فرماست و گرچه نیرومندترین ابزارهای مالی و اقتصادی را در دست دارد و برجاه نفت هم نشسته است، اما دیگر نمیتواند از زور و نیاز برای صنایع و نیز واردات مصرفی کشور را تامین کند. زیرا ارز را برای مخرج جبهه ها و فتوحات اسلامی ولایت فقیه مصرف میکند. این است علت اصلی ناپایی کالاها باسی کالا آن تکیه گسناه محکی است که با از ریان نود چو بر آن ایستاده اند. این کمبود مصنوعی نیست. یک کمبود واقعی است که با از ریان را گرم کرده است. با از ریان و واسطه ز الوصف به آن دلیل کالاها را میبندد، کوبن را میدزدند، ارز را قاچاق میکنند... کسه کمبود هست و وقتی کمبود هست همه گراشت میفروشند: دولت کالاها، خدمات و ارز را، با زرگان معاملات را و خرده فروش - اگر بتوانند - جنس دکانی را.

او را ناگزیر گردید سرکوب گسترده شده ای دست بزند و بنا بر این شما متوانش را برای ایجا دیک دستگاه عریض و طویل اداری و نهادهای گسترده سیاسی متمرکز کرد. نهادهای عریض و طویل از قبیل کمیته ها، سپاه، جیاده، سنج، سازمان تبلیغات اسلامی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، کمیته امادامام خمینی، آموزش تربیتی، جهاد دانشگاهی و ستادها و بنیادهای دیگری پس از دیگری تاسیس شدند. بطوریکه در سال ۱۳۶۲، تعداد کارکنان و حقوق بگیران دولتی به بیش از ۲ میلیون نفر رسید. با بدخیل مزدورانی را که در نهادهای سیاسی و دستگاههای مستقیم سرکوب و امنیتی و نظامی کار میکنند افزود، سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی از ۷٪ در سال انقلاب به ۱۶٪ در سال ۶۴ رسید. این گسترش بی رویه، هر چند از نظر سیاسی و برای سرکوب توده انقلابی از ناسب و تربود، اما از نظر اقتصادی چیزی نبود مگر تورم سهم خدمات در برابر تولید و در نتیجه نسان را از سفره اقتصاد به بینما می برد. آنهم اقتصاد که بیش از نیمی از درآمدهای ریالی اش و ۹ درصد درآمدهای ارزی اش را نفت تامین میکرد. ما بین ترتیب در همان فاصله سالهای ۶۱ - ۶۶ هزینه های مصرفی بخش دولتی با قیمتهای ثابت سالانه ۲۴ درصد افزایش یافت در حالیکه سرمایه گذاری ناخالص دولتی سالانه ۱۶/۴ درصد کاهش نشان میداد. در آمد ناخالص ملی سالانه ۴/۵ درصد و تولید ناخالص داخلی ۹/۹ درصد کاهش یافت. (تسورم و عملکردهای آن. انجمن مدیران صنایع) تلاش برای حفظ سرمایه داری وابسته که در مقابل مقاومت کارگران باعث اختلال در تولید میشد، تحصیل یک دستگاه عریض و طویل سرکوب سرودجه کشور، تحمیل یک سورتوگراسی پیچیده به سوی حکومت علیه مردم و طبیعتا گسترش بخش خدمات همواره با کاهش قیمت نفت بخودی خود کافی بود که تولید و معرمان زده را دچار رکود کامل کند. در این شرایط، برای جنگ هم سر سر مردم فرومی آید. جنگ که برای فقه رحمت است، برای اقتصاد مدمست

۱۲ درصد ما لیا تها را می بردا زند که از این مقدار همیشه رقم درشتی وصول نشده و جز طلبکار بهیای دولت است. (۵۰۰۰/۰۰۰ میلیلیا ردربال برای امسال ذکر شده است). بقیه مالیات را دولت عمدتاً غیر مستقیم و از طریق گران کردن کالاها و خدمات بدست میآورد. سال گذشته که سقوط ناگهانی قیمت نفت و ارزش برای دلاریا گران کمترین دولت را شکست، دولت بیکره به غارت و جیباول مردم از این طریق برداخت. تمام خدمات، از قبیل آموزش، بهداشت، مخابراتی، پلیس راه، گذرنامه، برق، آب و غیره ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافت و کالاهای دولتی از قبیل نفت، گوشت، سیگار، نوشابه گاهی تا ۲۰۰ درصد افزایش یافتند. سهم ما لیا تها از ۲۹ درصد در آمد عمومی در سال ۶۴ به ۶۰ درصد در سال ۶۵ رسید. علاوه بر رژیم حمله به دستمزدها را از طریق حذف مزیای، با دانی، اضافه کاری نیز بدانی افزود. موج گرانی سال ۶۵، مستقیماً از این عملکرد دولت حاصل شد. بنا بر این دولت از یکطرف با اختلال در تولید و زهمیاشیدن آن، و کاهش واردات، بخصوص زیر فشار هزینه های جنگ، به کمبود و گران کالادامن میزند. از طرف دیگر از طریق توزیع نابرابر درآمد ملی و افزایش مستقیم قیمت کالاها و خدمات، گرانی عمومی را با زهم افزایش میدهد. در این بین میان شکوه های همین دولت از گران فروشی، یادآور داستان آن دزدی است که برای کم کردن خود در میان های وهوی جمعیت فریاد میزد: آئی دزد!

علیرغم اینگونه غارت و جیباول مستقیم مردم، در دکسری بوجه دولت درمان نمی پذیرد. دولت به آخرین حربه متوسل میشود، یعنی استقرار از سیستم بانکی - یعنی چاپ اسکناس بدون پشتوانه. این اسکناسها که ارزش در آمدنا چیز و ثابت مردم را با زهمیاشین ترمیم و رشتند. از آنجا که دولت بجهانه صرفه جوئی و جلوگیری از تورم ارقام دستمزد را ثابت نگه میدارد، مستقیماً به کسه تجار و سرمایه داران میرود. در حالیکه توده زحمتکش از حقوق و درآمدناست خود شکاف کسری را جبران میکنند. سرمایه داران تمام کسری را بر ثروت خود می افزایند. با این ترتیب دولت در سال ۶۰ مبلغ ۱۰۶۷/۴، سال ۶۱ مبلغ ۸۸۸/۲، سال ۶۲ مبلغ ۱۱۳۸/۱ و در سال ۶۳ مبلغ ۵۱۴۷/۷ میلیارد ریال بول به درآمدنا جان سرمایه تریقی کرد و اینک چند زمان دولتی، بهمان سبب هفته دولت گزارشی منتشر کرده و مفتخر آ خدمات خود را در سال ۶۴ و ۶۵ به بخش خصوصی اعلام میکنند:

"... تقدیر بکنی بخش خصوصی که در سال ۱۳۶۳ رشد محدودی داشت، در سال ۱۳۶۴ تحت تاثیر ما زا د موازنه ارزی. (ما بعداً در مورد آن توضیح خواهیم داد. رک) و افزایش بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی و همچنین افزایش مانده تسهیلات اعطائی بانکی به بخش خصوصی از رشد سریع معادل ۱۲ درصد سر خوردا رگزدید. حجم سیرده های بخش خصوصی در پایان سال ۶۴ نسبت به پایان سال ماقبل ۱۵/۳ درصد افزایش داشت. بررسی عملکرد سیستم بانکی در سال ۱۳۶۵ نشان میدهد که علیرغم کسری شدید موازنه ارزی کشور که موجب کاهش ذخایر خارجی سیستم بانکی گردید، بدلیل کسری عظیم بودجه عمومی دولت و تکاء دولت در تامین کسری بقیه در صفحه ۲۴

کمبود ارز تکالیف شرعی

سرمایه داران

رژیم اسلامی از زمانی که قدرت را بدست گرفت تا کنون بطور مداوم کسری بودجه داشته است. طی این سالها تا سال ۶۴، سهم وجوه حاصل از فروش نفت در کل درآمد دولت بین ۷۱٪ (در سال ۵۸) تا ۴۹٪ (در سال ۶۴) بوده است. سهم ما لیا تها، ارقامی بین ۲۱٪ تا ۳۰ درصد درآمد کل دولت بوده است. ستردیج که سهم نفت کاسته میشود، سهم مالیاتها افزوده میگردد. دولت ما لیا تها را از کسه کسری وصول میکند؟ جدول زیر گویاست:

سال	کل وصولی	بخش خصوصی	مناغل
۵۹	۲۴۰	۳۵	۹
۶۴	۱۰۳۳	۱۶۷	۵۴/۹
۶۵	۱۰۲۵	۱۶۸	۲۶

ارقام میلیاردریال (کلیان ۷ شهریور ۶۶)

بخش خصوصی و مناغل حداکثر رقمی حدود

دولت بسیار متمرکز و سرکوبگر، سرمایه خارجی بصورت قرضه های دولتی، سرمایه داخلی انجام گرفت، از اینرو، انحصارات چندملیتی، برخلاف آمریکا لاتین، در ابتدا کمتر در این کشور سرمایه گذاری مستقیم داشتند.

دولت کودتایی ژنرال پارک چونگ هی، که در ۱۹۶۲، بعنوان برچمدار مبارزه با کمونیسم در کره شمالی، قدرت دولتی را بدست گرفت، سیاست اقتصادی تاکید بر صنعت بزرگ، تکیه بر صادرات، دستمزدهای بسیار پایین را در پیش گرفت. بنابراین، گسترش سرمایه داری اساسا بشیوه بوروکراتیک و توسط دولت پیش برده شد، دولت

شرکت چند ملیتی کره، جزو ۵۰۰ شرکت مهم چند ملیتی بوده و گروه صنعتی - تجاری سان کی یونگ، که در ۱۹۵۳ تا سیس گردیده بود، با ۶/۲ میلیارد دلار حجم معامله، مقام ۱۷۲ از ۵۰۰ شرکت لیست مجله فورچون آمریکا را بخود اختصاص داد. تراکم نیروی کار در این شرکت های چند ملیتی کره ای نسیز در مقیاس بسیار بالایی می باشد. بعنوان مثال، شرکت سام سونگ، ۱۰ هزار نیروی کار را در استخدام خود دارد (۱). این شرکت های چند ملیتی که در زبان کره ای به آنها جانه بول می گویند و هر جا به بول، بیک خانواده تعلق دارد، بر تولید و صادرات کشور کاملاً مسلط هستند. در ۱۹۸۱، ۱۰ گروه از

از آغاز دهه ۶۰ میلادی، کره جنوبی با سرمایه های شتابانی، فرآیند توسعه سرمایه داری را طی کرده است و در این فاصله ۲۵ ساله، بعنوان حیاط خلوت سرمایه های انحصاری آمریکایی و ژاپنی بیک کشور صنعتی تبدیل شده است که در پاره ای از رشته ها با کشورهای پیشرفته سرمایه داری به رقابت می پردازد. کره جنوبی اکنون کشوری است که به تنهایی بیشتر از مجموعه اروپا، کشتی تولید می کند، صدها هزار اتومبیل و کالاهای الکترونیک و کامپیوتری، کشتی، فولاد، کفش و پارچه به آمریکا صادر می کند و تلویزیونهای زنگی آن، از نظر کیفیت، با بهترین مارک های جهان

ریشه ها و چشم اندازهای مبارزه انقلابی - دموکراتیک در کره جنوبی



پارک چونگ هی، تمامی منابع داخلی و درآمدها و قرضه های خارجی دولت را در اختیار شرکت های بزرگ قرار داد و انواع امتیازات، حمایت های مالی و زیرساخت لازم برای گسترش آنها را فراهم ساخت. نتیجه این سیاست اقتصادی، فراموشی کامل بخش کشاورزی، ناموزونی و فاصله بسیار زیاد بین شرکت های بزرگ و شرکت های کوچک، و نیز تشدید سریع فاصله های طبقاتی بود. کشوری که دارای انحصارات بزرگ در صنعت و تجارت است، فاقد بنگاه های بزرگ تولیدی در کشاورزی است و هنوز نزدیک به نیمی از جمعیت کشور در روستاها بسر می برند و ۳ هکتار، سقف مالکیت ارضی و کشت در روستا را تشکیل می دهد. ناموزونی در شاخه های مختلف اقتصادی با شکاف عمیق در بین درآمدهای اکثریت عظیم جمعیت شهری و روستایی در قیاس با طبقات حاکم، همسراه می باشد. در ۱۹۸۰، ۴۰ درصد جمعیت در اعماق جامعه، فقط ۱۶ درصد از درآمدها را داشت (۴). لیکن مجموع اعضای بورژوازی بزرگ و بوروکراتی بالای حکومتی که بر کلیه شاخه های کلیدی اقتصاد و تولید و مصرف مسلط هستند، کمتر از ۱ درصد جمعیت را تشکیل می دهند.

سوا زات توسعه سرمایه داری در کره جنوبی،

جانه بولها، ۴۳ درصد در ۱۹۸۲، ۵۸ درصد از صادرات را در اختیار داشتند. در ۱۹۷۸، ۱۸/۴ درصد از کل تولید صنعتی، فقط به ۵ گروه از جانه بول ها تعلق داشت (این رقم در ۱۹۷۳، ۸/۸ درصد بود) که خود فرآیند سریع انحصاری شدن در اقتصاد کمره را نشان می دهد (۲). لیکن در پشت این ارقام، که ممکن است که برای سرمایه داری و توسعه انگیز باشد، واقعیت ها دیگری نیز وجود دارد. کره جنوبی، اکنون با ۵۰ میلیارد دلار قرضه دولتی، بدهکارترین کشور آسیا و چهارمین بدهکار در میان کشورهای جهان سوم می باشد و حجم قرضه های دولتی آن در ۱۹۸۰، برابر با ۲۹ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بود. نرخ بازپرداخت این بدهی های خارجی که عمدتاً به ژاپن است، سالانه ۱۵/۴ درصد است که یکی از بالاترین نرخ های بازپرداخت قرضه ها در جهان است. کره جنوبی ناگزیر است هر سال برای استهلاک این قرضه ها، حدود ۶ میلیارد دلار را بپردازد و گاهی برای تهیه این ۶ میلیارد دلار، باید تقاضای قرضه های جدید را مراکز مالی سرمایه داری جهانی کرده و هر چه بیشتر در تلاق قرضه ها فرورود (۳). منطق این قرضه ها، از فرآیند توسعه سرمایه داری و شکل گیری انحصارات در کره جنوبی جدا نیست. فرآیند توسعه سرمایه داری در این کشور، اساساً با تکیه بر یک

رقابت مینماید. سهم مواد خام در صادرات کشور - که با توجه به فقیر بودن کره از نظر منابع زیرزمینی، فقط باید از ذغال سنگ نام برد - برغم افزایش قدر مطلق آن از ۷ میلیون تن ذغال در سال ۱۹۶۲ به ۲۰ میلیون تن در ۱۹۸۳، ۷۲ درصد به کمتر از ۶ درصد در همان دوره، کاهش پیدا کرد و سهم صنعت از ۷ درصد به ۵۵ درصد افزایش یافت. تفسیرات دوساختار اقتصادی این کشور در سطوح دیگری نیز انجام گرفته است: با تأمین آمدن سهم کشاورزی در ساخت تولید ناخالص داخلی و با لافتن سهم صنعت و خدمات، سهم کشاورزی که در ۱۹۶۵، ۳۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را داشت، در ۱۹۸۳ به ۱۴ درصد کاهش یافت. بهمان نسبت نیز سهم صنعت و کشاورزی در دوره مذکور، به ترتیب به ۳۹ و ۴۷ درصد تغییر کرد. در این دوره، متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی، ۸/۶ درصد بوده و آهنگ افزایش مولدیت کار در بخش تولید صنعتی بهر آهنگ افزایش تولید ناخالص داخلی، پیشی گرفته و به رقم ۱۷/۶ درصد در سال رسید. صادرات کره جنوبی در سال ۱۹۶۲ که حدود ۵۵ میلیون دلار بود، در ۱۹۸۱ به ۲۱/۳ میلیارد دلار افزایش یافت. کره بتدریج شرکت های چند ملیتی خود را بوجود آورد و زیرقیومت آمریکا در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین سهمی به دست آورد. در ۱۹۷۱، ۱۰

تحزیه وتفکیک طبقاتی نیز با سرعت زیادی انجام گرفت. در ۱۹۷۵، تحزیه وتفکیک طبقاتی بصورت زیر بود:

طبقه سرمایه دار و نخبگان حکومتی	۰/۸ درصد
طبقه متوسط جدید	۱۵/۵ =
خرده بورژوازی	۶/۸ =
طبقه کارگر صنعتی	۲۱/۱ =
حاشیه تولید	۱۱/۵ =
کشا و رزان	۴۹/۲ =

با توجه با اینکه اکتا ر حاشیه تولید بخشی از ارتش ذخیره کار را تشکیل می دهند و یک صنوع سیالیت بین حاشیه تولید و طبقه کارگر صنعتی وجود دارد و نسبت به رونق و رکود در شاخه های مختلف اقتصادی، میان هم دیگر بر تبا می شوند، این مجموعه را باید در ردیف عمومی طبقه کارگر در نظر گرفت. این عیار بالای پروولتاریزه شدن که بیای سرکوب و محرومیت این طبقه وسیع از جامعه انجام گرفته است، و در ده ساله اخیر سرروزن آن را افزوده شده است، اکنون به نیروی تبدیل شده است که هیچ قدرت سیاسی نمیتواند آنسرا نادیده گیرد. بهار تی دیگر، پرولتا ربا به سنگین وزن ترین طبقه جامعه شهری تبدیل شده است. این معیار از زاویه دیگری در مسورد بورژوازی کره جنوبی نیز صادق است. بورژوازی بزرگ کره که اساسا در پناه یک دولت مقتدر و استبدادی رشد و نمو کرد، خود به اختاپوس اقتصادی تبدیل شده است که دیگر با اراده سران حکومتی نمیتوان آنرا جا بجا کرد و یا محدود ساخت. و درک رخداد های جدید سیاسی در جامعه کره جنوبی، بدون توجه به عامل مهم پروولتاریزه شدن، قدرت اقتصادی بورژوازی، و دولت، دشوار خواهد بود.

همانگونه که گفته شد، رشد سریع بورژوازی بزرگ، با تکیه بر حمایت های مالی دولت انجام گرفت و دولت نقش یک موتور در فرآیند تراکم و گزینش در دست بورژوازی بزرگ را ایفا کرد. است، جنبه دیگر این حمایت از سرمایه، استفاده از قهر عبران و سرکوب طبقه کارگر، جلوگیری از تشکیل های مستقل کارگری، ممنوع کردن اعتصاب، با این نگاه داشتن دستمزدها و شرایط بسیار پدید آشتی و ایمنی در کارخانه ها، بمنظور با این نگاه داشتن هزینه های تولید، و نیز طولانی بودن ساعات کار بوده است. کره جنوبی، هنوز نیز عضوا زمان بین المللی کار نیست و از هیچیک از روابط آن پیروی نمی کند. اساسا ت کار رسمی در هفته ۴۸ ساعت می باشد، لیکن تا ۶۰ و ۷۰ ساعت نیز سر می زند. (رجوع شود به AMPO) بر شرایط نامناسب زندگی کارگران، با پدید آمدن های سرمایه آور مسکن و آموزش را افزود، بخشی از خانواده ها برای تأمین هزینه تحصیل فرزندان خود، ناگزیرند که روزگاری از هفته را غذا نخورند. از اینرو اکثریت مردم به چشم نرفت به سرمایه داران و دولت نگاه می کنند، و مبارزه آنان برای دموکراسی و علیه دولت نظامی حاکم تنها پیش صحنه ای برای مبارزه علیه سرمایه داری محسوب میشود. این مبارزه اگر چه از فقدان یک حزب انقلابی پروولتاری، و نسج

می بزد، لیکن از اوایل سالهای ۱۹۸۰ با بنسو، بتدریج رادیکالیزه شده و رهنری آن از دست بورژوازی لیبرال، به رهبران زیرزمینی اتحادیه های کارگری، و روشنفکران انقلابی اشتغال می یابد.

مبارزه طبقه کارگر

وجنبش نوین دمکراتیک

قتل ژنرال پارک چونگ هی را با یسد، حادثه ای مهم در رابطه با جنبش کارگری در کره جنوبی محسوب آورد، در اوایل سالهای ۱۹۷۰، نا آرامی های کارگری، به عنوان وین مهم روزنامه های تحت سانور رژیم تبدیل گردیده بود. نا آرامی های کارگری، که در ۱۹۷۹، چهره آشکارتری نشان می داد، بر بحران سیاسی در میان طبقات حاکم دامن زد، اپوزیسیون بورژوازی، بر فشار خود به رژیم افزود، و با دلگرم شدن از بسازی "حقوق بشر" کارتر، خواهان حمایت آمریکا از خودش، کیم دانه یونگ، برجسته ترین رهبر اپوزیسیون بورژوازی، و یکی از دور رهبر فعلی "حزب دموکراتیک کره جدید"، در مطا حبه ای با روزنامه های آمریکائی گفت: "مردمی که در هر کشور برای آزادی مبارزه می کنند، با یسد آمریکا را در کناره خود، در کناره آزادی احساس کنند" (۶). و در مه ۱۹۷۹، کیم یوانگ سام، رئیس جدید "حزب دموکراتیک جدید" - "حزب اپوزیسیون بورژوازی" - قول داد که برای رفورم های دموکراتیک مبارزه کند. در ماه اوت، بسیاری از روزنامه ها از گزینش مبارزان کارگری خرمی دادند. در اوت ۱۹۸۰، ۱۰۰۰۰ یلیسی ضدشورش، به تحصن ۱۸۰ کارگر زن (لازم تنها آوری است که در کره، زنان ۳۰ درصد نیروی کار طبقه کارگر را تشکیل می دهند) و ۳۰۰ عضو "حزب دموکراتیک جدید" که بعنوان اعتراض به بسته شدن یسک کارخانه، در ستاد این حزب صورت گرفته بود حمله بردند و یک زن جوان که عضو هیات احراشی اتحادیه کارگری بود، قتل رسید. درگیری های کارگری با پلیس، بمدت چند روز به عنوان مهم اخبار روزنامه ها در کره تبدیل گردیدند. در اوایل اکتبر، ژنرال پارک چونگ هی، کیم یوانگ سام را از مجلس ملی اخراج کرد. چند روز بعد، دانشجویان و کارگران با رانداز، در شهر بوزان، محل تولد کیم، به تظاهرات پرداختند. نا آرامی بسرعت به مازان، منطقه صدور آزا ده گسترش یافت. در ۱۶ اکتبر، پارک چونگ هی، توسط رئیس "آژانس اطلاعات مرکزی کره" (KCIA)، که می ترسید موضع سرخسخت وی موجب گسترش هرجه بیتر جنبش کارگری و انقلاب قهرآمیز شود، قتل رسید. در چند ماه بعد از قتل دیکتاتور، جنبش کارگری و دانشجویی، سرتا سر کشور را فرا گرفت. در هفته دوم ماه مه ۱۹۸۰، صدها هزار دانشجو و محصل در شول، به تظاهرات پرداخته و خواهان لغو حکومت نظامی و احیای دموکراسی شدند. احزاب حاکم و اپوزیسیون بورژوازی اعلام کردند که ما یلند به لغو حکومت نظامی رای بدهند. دانشجویان، روز ۱۷ مه را بعنوان آخرین روز مهلت برای اعلام علنی بازگشت به دموکراسی از طرف رژیم تعیین کرده و خواهان بسیج شده ای در همان روز شده بودند. ژنرال چون دوهوان، که یک ماه قبل به ریاست "آژانس

اطلاعات مرکزی کره" برگزیده شده بود، هزاران سرباز و تانک را روانه خیابانها نمود، در ستا سر کره اعلام حکومت نظامی کرد و مجلس ملی را تعطیل نمود، و به دستگیری و زندانی کردن هزاران نفر و اشغال دانشگاهها پرداخت. وضعیت جنان انفجار آرزید که ۴ هزار سرباز آمریکا در کره، بحال آماده باش کامل در آمدند.

در شهر کوانگ جو، مرکز سنتی مقاومست علیه رژیم، دانشجویان و اهالی شهر، بعنوان اعتراض به حکومت نظامی، در خیابانها به تظاهرات پرداختند. سربازان با حمله به صف تظاهرات، عده ای از جوانان را با کلوله و سرنیزه بقتل رساندند. در ظرف چند روز، وضع بد شدت دگرگون شد. مردم با حمله به انبارهای اسلحه نزدیک شهر، و بدست آوردن اسلحه، به قیام مسلحانه روی آوردند و با تشکیل "ارتش شهروندان"، سربازان حکومت نظامی را از شهر بیرون رانده، خود کنترول شهر را بدست گرفتند. درخواست تظاهرات روزانه، برقراری دموکراسی، اتحاد بین دو کره، و برچیدن حکومت نظامی بود. فرماندهی نظامی آمریکا در کره، به حمایت از ژنرال چون برخواست و ۴ هزار سرباز زکراه ای تحت فرماندهی خود را برای سرکوب قیام کوانگ جو، در اختیار ژنرال چون قرار داد. قیام و مقاومت کوانگ جو، با حمله ارتش که به سلاح های سنگین مجهز بود، سرکوب گردید. در تمام مدت حمله هواپیما های آواکس آمریکا، منطقه را تحت نظر داشتند، اندکی بعد، دولت آمریکا بعنوان پاداش سرکوب، ۶۰۰ میلیون دلار اعتبار در اختیار دولت نظامی ژنرال چون قرار داد. در رابطه با حوادث کره جنوبی، کارتر، از خیمه شب بازی "حقوق بشر" دست کشیده و اعلام داشت: "ما خواهان دموکراسی کامل در کره جنوبی، بحث علنی، مطبوعات آزاد در هریران انتخابی هستیم، و لسی کره ایها خود می گویند که برای چنین امری آمادگی ندارند، و من نمیدانم از این بهتر چگونه میتوان توضیح داد". بر توهمات لیبرالیستی توده ها، ضربه سنگینی وارد آمد.

ژنرال چون، هزاران نفر را دستگیر و روانه زندانها ساخت، صدها نفر از فعالین اتحادیه ای کارگران را مورد تصفیه قرار داد، و بیش از چهار صد روزنامه نگار را اخراج نمود. مجلس مؤسسان تازه ای علم کرد و قانون اساسی جدیدی را تدوین و تصویب رساند که در آن رئیس جمهور نه از طرف مردم، بلکه بطور غیر مستقیم و توسط پارلمان انتخاب میشود. و بر طبق قانون کار جدید، اتحادیه های کارگری در مناطق و ندراسیون های کارگری منطقه ای، ممنوع می باشند. این ممنوعیت ها، بر طرفیست سازماندهی علنی طبقه کارگر، برای مدتی ضربه وارد کرد.

جنبش مین چونگ (خلق)

آنها می که از سرکوب گریخته بودند، رهبران تصفیه شده اتحادیه های کارگری، هنرمندان و روزنامه نویسان، روشنفکران و برخی از عناصر راضی کلیسا، به فعالیت زیرزمینی روی آوردند و به بازاری شکل های دموکراتیک توده ای در سطح کارخانه های

شهری و مناطق روستایی پرداختند. در دوره دوساله کودتا تا ۸۲، جنبش دموکراتیک زیر ضرب بود و یک مرحله انتقالی را طی می کرد؛ گذار از فعالیت علنی به مخفی، تجدیدنظر در تاکتیک ها و استراتژی سیاسی، که دیگر صرفاً مبارزه علیه دیکتاتور نظامی را در نظر نداشته، و علیه امپریالیسم آمریکا و ژاپن، و نیز توجه به خواسته های توده ای را ملحوظ می داشت. ۲ سال تا ۸۲، عمدتاً به سازماندهی توده ای گذشت. در یک بیان عمومی، بایده گشت که رهبری جنبش دموکراتیک از دست اپوزیسیون بورژوازی به "زیرزمین" که نمایندگی دهقانان، کارگران و روشنفکران و عناصری را می نمایاند، را داشت، انتقال یافت. جنبش مین چونگ، که ۲۳ سال زمان پراکنده را در بر می گرفت، در ۸۴، خود را در تشکیلی بنام "جنبش متحده مین چونگ (خلق)" برای دموکراسی و اتحاد (UMDU) متشکل ساخت. یکی از رهبران مین چونگ در این رابطه می گوید: "ما میخواهیم خط توده ای را پیش برده و خلق خود را در تشکیلی سازمان دهیم که نماینده منافع این یا آن فرد نباشد". از جمله اقدامات جنبش مین چونگ، جنبش فرهنگی مین چونگ بود، که با تکیه بر سنت های مبارزاتی در تاریخ خلق کره، و با استفاده از هنر فولکلوریک، نظیر رقص با ماسک، نقاشی با سمه ای و نمایش، تاریخ مبارزات خلق کره را از قیام دهقانی ۱۸۹۰ تا مبارزه علیه اشغال ژاپنی ها، نظاً هرات علیه اشغال نظامی آمریکا در ۱۹۴۶ و قیام کوانگ جو، را بازگویی کرد. جنبش فرهنگی مین چونگ در مراکز کارگری و بویژه روستاها، مورد استقبال قرار می گرفت. بهمین جهت نیز رژیم حکومت نظامی ژنرال چون، جنبش فرهنگی مین چونگ را، گرایشات خطرناک مبارزه طبقاتی نامید و با شدت بسزای آن روی آورد.

بموازات فرآیند رادیکالیزه شدن جنبش دموکراتیک در پانین، اپوزیسیون بورژوازی نیز تشکیلی بنام "شورای ارتقاء دموکراسی" بوجود آورد که سیاستمداران و فعالین لیبرال مخالف دخالت نظامیان در امور سیاسی کره را در بر می گرفت. ریاست "شورای ارتقاء دموکراسی"، مشترکاً بر عهده کیم دانه چونگ و کیم یوانگ سام، واگذار گردید. "شورای ارتقاء دموکراسی" به هسته اولیه حزب تازه "حزب دموکراتیک کره جدید" تبدیل شد. این حزب در انتخابات فوریه ۱۹۸۵، ۴۰ درصد آرا را بدست آورد.

از ۱۹۸۲ به بعد، اپوزیسیون بورژوازی، و نیز اپوزیسیون توده ای، سیاست های داخلی و خارجی رژیم را در نظاً هرات خیا باسی و دیگر اشکال اعتراضی، علناً مورد تعرض قرار داد. در مه ۱۹۸۵، گروهی از دانشجویان، "سرویس اطلاعاتی آمریکا" در سنول را بسندت چند روز اشغال کرده و خواهان عذر خواهی آمریکا از عملیات خود در قیام کوانگ جوشدند. نظاً هرات ضد آمریکا، دانشجویان، در بهار ۱۹۸۶، به تظاهرات مشترک دانشجویان و کارگران تبدیل

گردید که خواهان خروج سربازان آمریکا فی و بیرون بردن سلاح های اتمی از کره بودند.

مبارزه

برای تغییر قانون اساسی

در متن اولیه جنبش عمومی دموکراتیک، بویژه بروز مجدد جنبش دانشجویی (۷) و به صحنه مقدم آمدن کارگران، در مارس ۸۶، یک تشکل ائتلافی تحت عنوان "اتحاد ملی برای اصلاح قانون اساسی" بوجود آمد و بلافاصله اقدام به برگزاری جمعاعات توده ای در شهرستانها کرد. شش عضو از زمانهای مختلف اپوزیسیون در شورای "اتحاد" قرار گرفتند: کیم دانه یونگ و کیم یوانگ سام از "شورای ارتقاء دموکراسی"، لی مین وو، رئیس حزب دموکراتیک کره جدید، مون ایک هوان از "جنبش متحد مین چونگ (خلق)" برای دموکراسی و اتحاد، یک نماینده از "شورای ملی کلیساهای کره" (پروتستان)، و یک حقوقدان از کلیسای کاتولیک کره.

تاکتیک "اتحاد ملی برای اصلاح قانون اساسی"، جمع کردن امضاء و برگزاری جمعاعات توده ای برای تغییر قانون اساسی بود. این تاکتیک، ژنرال چون را دچار آشفتگی کرد. ژنرال چون، در ابتدا جنبش تغییر قانون اساسی را مخالف امنیت ملی و غیر قانونی اعلام نمود. لیکن با سقوط مارکوس در فیلیپین، رژیم نظامی پذیرفت که درباره تغییر قانون اساسی علناً بحث شود. بی آنکه تا ۱۹۸۸، در آن تغییر بعمل آید. در زمینه شرکت در جنبش تغییر قانون اساسی، رهبران جنبش مین چونگ می گویند که این یک اتحاد تاکتیکی برای مشارکت دادن توده ها در یک مبارزه دموکراتیک عمومی و آموزش آنان است.

با روز نشا رتوده ای، رژیم ژنرال چون، تاکتیک "سیاست های بزرگ" را در پیش گرفتند است که عبارتست از مشارکت دادن اپوزیسیون بورژوازی در حکومت. این سیاست، که مورد حمایت آمریکا است، مشابه سیاست سازی است که درباره ای از کشورهای آمریکای لاتین بکار بسته شده است.

دمکراسی بورژوازی

سازش میکنند

با تعمیق مبارزات توده ای در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷، و بوسیله صحنه آمدن طبقه کارگر، که خواسته های رادیکال تری، نظیر آزادی تشکل های کارگری، بیرون رفتن آمریکا از کره و بیرون بردن سلاح های اتمی از آن کشور، تجدیدنظر در مناسبات با ژاپن و آمریکا، آزادی زندانیان سیاسی، و غیره، کناری رژیم نظامی و... را مطرح می کنند. اپوزیسیون بورژوازی نیز در برابر این رادیکالیزه شدن جنبش در سطح توده ای، سرعت صف خود را از جریان های رادیکال توده ای جدا کرده و به رژیم نظامی نزدیک شده است. سیاست ژنرال چون و آمریکا (۸)، نزدیکی به میان نهادهای "حزب دموکراتیک کره جدید" و تبدیل تظاهرات توده ای و اعتصابات خیا باسی به بحث های پارلمانی در بین سیاستمداران است. اپوزیسیون بورژوازی نیز به سیاست سازش تن در داده و حتی

از شرط آزادی زندانیان سیاسی فداکاران نظر کرده است تا بعداً در پارلمان دربار آن بحث شود. این سازش و فساد سریع دموکراسی بورژوازی در برابر جنبش های توده ای که بارها در طول تاریخ و نیز در چند ساله اخیر در بسیاری از کشورها، نظیر ایران، برزیل و آرژانتین و فیلیپین، خود را نشان داده است، بار دیگر در کره جنوبی نیز خود را ظاهر می سازد. این سازش نه فقط همگامی با رژیم های حاکم، بلکه تقابل با توده راهموار در پی داشته است. در سال ۸۶ که جنبش توده ای، اما در ادیکال تری بخود گرفت، و نیز در برابر برخورد سوزی و کارگر، کشاورز و دانشجو در نظاً هرات، بعنوان اعتراض به وجود رژیم سرکوب در کره، یکم دانه چونگ، "محترم" ترین نماینده دموکراسی بورژوازی، همراه عده ای دیگر، طی اعلامیه ای رسمی، صف خود را از این جریانات جدا ساختند. در اعتراض به سیاست سازش "دموکراسی" خواهان بورژوازی رژیم نظامی، هزاران کارگر و دانشجو، در شهر صنعتی اینچون گرد آمده و به شعار دادن علیه "امپریالیسم آمریکا" و به انتقاد از آن سیاستها، پرداختند که راه سازش با رژیم را در پیش گرفتند. مون ایک هوان، رهبر جنبش متحده مین چونگ (خلق) برای دموکراسی و اتحاد، در رابطه با سازش کارهای اپوزیسیون با رژیم می گوید: "بیشتر اوقات رژیم برای "همکاری بزرگ" همه احزاب و سازمانهای غیر نظامی، چیزی جز یک توطئه برای استفاده از اپوزیسیون محافظه کار در جهت منافع خود نیست... در تاریخ جهان، هرگز موردی نبوده است که رژیم دیکتاتور، با گفتگو یا همکاری سرگون شود. تردیدی نیست که تنها تحرک و جوش در جنبش توده ای میتواند به دیکتاتور توری یا بان دهد...". (۹) تحریک کره با دیگر نشان می دهد که جنبش دموکراتیک در یک کشور سرمایه داری اگر علیه چهار چوب های نظام متوجه نشود و یک انقلاب اجتماعی تبدیل نگردد، حتی توان تحقق دموکراسی بورژوازی را نیز نخواهد داشت، و برای تحقق دموکراسی بورژوازی باید از مرزهای نظام بورژوازی فراتر رود. و بورژوازی، خود را توان از رهبری مبارزه دموکراتیک است.

با تعمیق مبارزه طبقاتی در کره، جنبش دموکراتیک عمومی نیز شکاف برداشته است، که خود از تفکیک طبقاتی در بالا پانین می گیرد. از یکسو، تمایل اپوزیسیون بورژوازی در بالا به سازش با رژیم نظامی، که خود بیانه گمراهی طبقاتی لایه های مختلف بورژوازی در برابر سرمایه داری است، و از سوی دیگر، وسیع تر شدن ائتلاف های طبقاتی در پانین، بین کارگران، دهقانان و دانشجویان، که مبارزه دموکراتیک اینان، از یک خملت ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی برخوردار است، و خود را در مبارزه علیه سرمایه داران کره ای، دولت نظامی، و علیه امپریالیسم آمریکا و ژاپن نمایان می سازد. این مبارزه هنوز با مبارزه سوسیالیستی فاصله دارد، که خود را در یک در هم آمیزی عمومی طبقاتی، فقدان یک حزب پیشاهنگ پرولتاری و عدم تاکید بر هویت مستقل پرولتاری نشان بقیه در صفحه ۱۹

علیه فرمیسم : در نقد نظرات اکثریت

(قسمت آخر)

بخش هفتم : رهبری اکثریت و بحران داخلی

بدن حال شکست فاجعه با رخط مشی توده ای در قبال جمهوری اسلامی، که با چرخش فرمیسم بسوی ارتجاع مشخص میشد، روشن بود که بخش بزرگی از بدنه این طیف سربه اعتراف برداشته و در جستجوی علل آن برآید. چه در سال زمان اکثریت وجه در حزب توده، بویژه آن بخش از اعضا و هواداران که تحت تاثر موج انقلاب بیمن به مبارزه روی آورده و جذب این دوشده بودند، اکنون که نتایج فاجعه با رخط مشی خیانتکارانه حمایت از "دولت فدا میریالیست" و "رهبری قاطع امام خمینی" را ارزیابی می کنند سربه اعتراف بر می دارند. نتایج خیانت با این سیاست "اتحاد سروه های ملی و عترقی زیر رهبری امام خمینی" همچون صاعقه ای، آخرین بقایای توهمنسبت به این خط مشی را زدوده است. حتی در حزب توده که از سده زجه تراشی نیرومندی برخوردار است و از برکت آموزش طولانی فرمیستی هر تنغیر استراتژی و هر چرخش ۱۸۰ درجه ای را می تواند بدینستوان "هرورت تا کتیک" بخورد اکثریت اعضاء خسود بدهد، سئوالات جدی در باره ریشه یابی این فاجعه طرح شده و برخی به تجدید نظر اساسی در پیش خود دست زده اند. این همه ناشی از انقلاب بیمن، شکست بی جون و چراغی "مشی توده ای" و فضا رنیروهای انقلابی (از طریق مبارزه ایدئولوژیک و طرح سئوالات با به ای در خصوص این تفکر، در بر تودر سهای انقلاب بیمن) می باشد.

در مقابل این اعتراض شدید، رهبری اکثریت، که خا فر نیست صاف ویوست کننده، خیانت خود اعتراف کرده و مسئولیت خود در شکست انقلاب بیمن را بپذیرد، دست به ما نوزده است. طرح انتقادات خرد و پراکنده، برخوردار جیسا و سطحی به وقایع و مواضع گذشته، به تصدیسرا از ریبایی جدی و انتقاد آشکار به خود، از یک طرف و سرگردن انواع شیوه های بوروکراتیک سرکوبگرانه در درون تشکیلات از سوی دیگر، تشنات این رهبری برای شانه خالی کردن از ازاره ترا زنا مه کار خود و خانه تکانی لازم و ضروری بوده است. این شیوه کار رهبری اکثریت تا زگی ندارد. در تمام دوران حیات با ندنگیدار ما با شیوه های فریب کارانه، دروغ و شایعه پراکنی بیرونده سازی، تهدید یا تطمیع، تبعید کارهای مسترض و... روبرو بوده ایم. نمونه های این برخوردارها را به فور در بر خورد به اختلافات اقلیت و اکثریت در سال ۵۸ و پس نسبت به سایر برگزیده های نظری درونی، دیده ایم. در همه این موارد (صرف نظر از اینکه نظرات مخالفین چه بوده) شیوه رهبری، همیشه سرکوب، خفه کردن نظرات، تحمیل انشباع زودرس و پاشین آوردن سطح مجادله نظری و سیاسی به درگیری باندها بوده است. بانسند نگهدار در این خصوص از "تار بگرا نقدر" حزب توده، که تا رخش با تاریخ نبرد فرقه ها بر سر "تخیر" رهبری و دبیر کلی همرا هست، بهره مند بوده است. هرگز و در هیچ یک از این مقاطع بحرانی و اختلاف نظر عمومی در سال زمان اکثریت، بانسند

نگهدار از شیوه های اصولی ما رزه درون حزبی استفاده نکرده و هیچگاه مکناسم سا نترالیم دموکراتیک در این سازمان جاری نبوده است. هر چه بوده بدترین نوع بوروکراتیک و سرکوب نظری و تشکیلاتی بوده است. امروز سزگه فضا ر داخلی و خارجی برای رهبری سش از هر زمان دیگری می باشد و با دگسترده ای بخود گرفته است. این رهبری کوچکترین نشانه ای از یک رفتار دمکراتیک برور نمی دهد و نمی تواند بدهد. چگونه میتوان از انبندی که سبب اصلی چرخش به طرف سیش فرمیستی حزب توده، نظریه سسر از "وحدت با شهیدب شتی مظلوم"، سال زمانده تحویل سلاح در کردستان، تسلیم در ترکمن صحرا، مبارزه با اعتصابات کارگری (بخوان اخلال گسوری در تولید!) و... بوده است و در این روند کامیسه کام در منقلب فرمیسم گندیده و وحدت با ارتجاع فرورفته و اساسا اقتدار رهبری خود را از طریق همین روند بدست آورده است انتظار داشت که تا کیان جای خود را به آنها که از خط مشی فاجعه ساز گذشته شرما رهند و قدم تصفیه حساب جدی با گذشته خیانت با خود را در اندیدهد؟ این امر به سنی خود کنی سبب ای یکسانند و کرات، سیمین دلیل رهبری اکثریت است "دفاع تایای جمان" از مقام خود و عدم اعتراف به چرخش و روشن به خطاهای گذشته، در پیش گرفته است.

از رهبری این جنبی، حوا این انتظاری نیست. اگر در میان نیروهای ایوزیسون اکثریت، کسی با جریانی حزاین سید شد می تردند راه به خطا برده است. انتظار "بهدو کارها از بالا" توهم خطرناکی است که جز تشنیت همین باندها نتکار نتیجه دیگری نخواهد داشت. فشار شرایط عینی ناشی از انقلاب بیمن و رفع همه جانسیسه توهم توده ای نسبت به "انقلاب اسلامی" و وضعیتی را پیش آورده است که فرمیسم دچار تشنیت نفس شده است. بحران سرا بای این خط مشی را فرا گرفته است و نمی باید آن امان داد تا سراست کند. ما در بخشهای پیش نشان دادیم که چگونه غلبرغمیر زمان راندن برخی "عسارات و الفاظ" سسرای خاک با شدن در جرم نیروهای مادی، بایه و اساس بنش فرمیستی "دمکراتیک - ملی" در خط مشی این رهبری رسنه دار و "استوار" باقی مانده است. رفع این بینش با دفع این رهبری ملازم است. انتظار انتقاد از خود انقلابی و صریح از آنها تشنیا به آنان فرصت بیشتری برای مانور میدهد. سسا غرزدن با مبارزه پراکنده و سی انسجام نمیتوان مبارزه لنینی علیه رهبری بوروکرات را به پیش برد. ایوزیسون با بدبطور جدی سازمان یافته ای در مقابل تاکتیکهای دفع الوقت و "شلاق و نان قندی" رهبری بایستد. این رهبری از یکسو دسته دسته اخراج می کند، با سربورقرا می کند، خفقان را در داخل سازمان برقرار می کند و خلاصه آما ده است تا به هر خا رونا تا ک تشکیلاتی "جنگ بیاندا زدن زمان بحرد میا رزه سازمان یافته علیه خود را دشوار سازد و از سوی دیگر با بره انداختن

جا روجنجال و شایعه پراکنی آبنده توهم زاشی را برای اعضا، هواداران ترسیم سازد. یک سبار شایعه اشلال با "راه کار رگر" را به راه می اندازد. بیک روز "خطرا شماع" را چون شمیر بر فرقی سراع می- کوبد و روز دیگر با دادن اعلامیه های گمراه کننده و توجیه گرانه در باره دستگیری در داخل، گورد و خا ک می کند تا ذهن اعضا، هواداران را به هر چیزی مشغول در دالا توجه به وضعیت بحران سازمانی و مسائل آن. این تاکتیکها همه و همه یک هدف سسترند: رده تلوغ کردن برای کاهش فشار، عمده کردن مسائل دیگر برای فرعی کردن بحران داخلی و تاکتیک "لزوم انضباط و اتحاد عین" را، ما سئوال اصلی در همین جاست. اتحاد و انضباط برای پیش برد چه کار می؟ برای ادا مه خط مشی خیانت با ر گذشته؟ برای لابوشانی کثافات کین؟ برای پیش برد "انقلاب دمکراتیک ملی" به سبک حزب توده؟ برای وحدت زیگراگی با حزب توده؟ حزب لنینی و با هر سازمان کمونیستی، سربا زخانه نیست. اصل انضباط آهنین بر اساس سترالیم دمکراتیک، بر اساس قوف و اعتقاد کامل به هدف تعیین شده و با بهره وری کامل از حق انتقاد، بازرسی و کنترل دائمی از بالا به پاشین و از پاشین به بالا قرا در دارد. در شرایط فقدان مکانیسمهای زندگی درون حزبی که جنبین عملکردی را تضمین کند، سترالیم دمکراتیک به سترالیم نظامی و بوروکراتیک تبدیل میشود و همه چیز تابع هوی و هوس رهبری می گردد. آسبم رهبرانی که در کما گوم بزرگترین انقلاب تاریخ این کشور، جنبش انقلابی را به ارتجاع فروخته اند، بویژه با بد توجه کرده که هر قدم عقب نشینی که با فشار از پاشین به رهبری صورت گرفته است، یک اقدام خشی کننده بهمراه داشته است. فراخوان به کنگره را، زبر فشار ریذیرفتند تا در عمل با کندا ر کردن مباحثات و جاروجنجال، دفع الوقت کرده و زمان کنگره را به آبنده نامعلوم حواله دهند و آنگاه سسا اخراج، تصعد و جابجایی کارهای مسترض، بهره را طوری بچسبند تا در کنگره احتمالاً اکثریت را از پیش از آن خود داشته باشند. خود "قطعنا مه سسرای وحدت با حزب توده" را به تصویب پلنوم رسانند و آنگاه که فشار پاشین از حد طاقت فراتر رفت، دست به "مبارزه علنی" زدند و امثالهم، طرح بینکسه "با بد هم مشا و ره و مباحثه منظم بین سازمان و حزب صورت گیرد و هم مباحثه علنی مسئولانه و رفیقانه سسر موازاد اختلاف متعکس در موضع گیریهای رسمی سازمان و حزب در سطح جنبش" (کا ر اکثریت - شماره ۳۹ - ۶) پیش از آنکه با سخی باشد، خسود سئوال بزرگی را عنوان می کند: چه شده است که پس از آنهمه در شیورگوشخراش "وحدت دوا رگسان رزمنده طبقه کارگر" نواختن و گوش فلک را کر کردن، سسای از تصویب "قطعنا مه وحدت" تازه امروز شهید اند که برای وحدت لازمست که مباحثه علنی هم صورت بگیرد و تنها "مشا و ره در سطح رهبری" (سخوان معامله در سطح رهبری) کافی نیست؟ دلیل آن تنها و تشنیا اعتراض بایه است و آلا با ندنگیدار با هزار و

یک رشته به رهبری حزب توده مرتبط است و خویشاوندی "سببی ونسی" از این مغالطات فراتر رفته است. ما در مقاله دیگری به این ما نورحزب و سازمان برخورد کرده ایم (ر.ک شماره ۴۱) و اینجا از زاویه دیگری به آن پرداخته و در نتیجه وارد مباحث مربوط به روابط رهبری این دو سازمان نمی شویم.

سؤال مهمی که در رابطه با موضوع مورد بحث ما عنوان میشود اینست که چرا مباحثه علنی برای روشن کردن اختلافات میان حزب و سازمان درست است اما در شرایطی که بحران خود سازمان را سر تا پا فرا گرفته و نظرات یکدیگر نا متجانس و گاه صراحتاً متناقض می باشد، مباحثه علنی در مورد این مسائل که می باید به مسئله تحلیل از رهبری انقلاب بپردازیم، خطاهای رهبری اکثریت و استراتژی آینده برخورد کنند، در میان اعضا خود این سازمان نباید صورت بگیرد؟ مباحثه از دیدن اولویک تنها راه اصولی روشن شدن اختلافات و ریشه یابی خط مشی خیانکارانه گذشته اکثریت است. هر چه این مبارزه آشکارتر و گسترده تر صورت بگیرد، در روشن شدن مواضع و سایر روشن های نظری مؤثرتر است و اعضای این سازمان فرصت بیشتری می یابند تا در زمینه مسائل مختلف زندگی سیاسی و مبارزه طبقاتی تعمق کرده و دامنه آگاهی سیاسی و نظری خویش را گسترش بخشند. در این مورد تعالیم لنین مریخ و روشن هستند. نیروهای مادی درون اکثریت که قصد مقابله با تشیقات رهبری را دارند می بایست به این شیوه مبارزه لنینی توجه ویژه ای کرده و در دام تلافی رهبری که سعی در محدود کردن و هر چه مخفی تر و پوشیده تر کردن مبارزه را دوگسترده داخلی دارند گرفتار نشوند. لنین در شرایطی که اختلافات بلشویکها و منشویکها در درون حزب سوسیال دمکرات روسیه حدت یافت و عملاً در برخورد به مسائل مختلف مهم نظریات متناقضی از جانب بلشویکها و منشویکها عنوان میشد، چنین نوشت: "جواب من به سؤال "چه بنا بید کرد؟" (بطور اعمده بنا بید کرد و بطور خاص برای جلوگیری از یک انشعاب چه نیاید کرد) اول از همه عیار رست از ظهور و رشد علی با لقیه یک انشعاب را از حزب بپایان ننگیند، هیچکدام از شرایط و وقایعی را که در تشکیل چنین علی دخالت دارند مخفی نسازید، و بالاتر از همه اینها، این علی را نه تنها از حزب بلکه تا جایی که مقدور است از مردم خارج از حزب نیز بپایان نسازید. من می گویم "تا جایی که مقدور است" زیرا میداند که در یک سازمان مخفی مسائلی وجود دارد که لزوماً باید مخفی نگه داشته شوند - اما در انشعابات ما این چیزها نقش مهمی را بازی نمی کنند. بطور گسترده تبلیغ کنید این مطمئن ترین و قابل اعتمادترین وسیله برای جلوگیری از انشعابات است که می توان از آنها جلوگیری کرد و زیانهای ناشی از انشعابات را که دیگر قابل جلوگیری نیستند به حداقل کاهش داد." ("نامه به اسکرا" - ص ۱۲ مجموعه فارسی تحت عنوان "مناسبات اکثریت و اقلیت" - نظم نوین شماره ۵ - تاکیدات همه از ما است) طرح مبارزه ایدئولوژیک علنی و مباحثه در حضور

"مردم خارج از حزب" نکته ای است که در اینجا مورد تاکید لنین قرار دارد. سرکوب این مبارزه علنی تحت عنوان "مسائل امنیتی" بهانه ای بیش نیست و همانگونه که خود لنین نیز با این بهانه ترشی را مدنظر قرار داد، مسائل امنیتی کوچکترین نقشی در انشعابات بازی نمی کنند چه چیز "امنیتی" برای مثال، در رابطه با راه رشد غیر سرمایه داری، اتحادیه های زیر رهبری اما مخمینی، "حواله دادن سوسیالیسم" هزاره های آتی، جایگزینی هژمونی طبقه کارگر با "هژمونی بین المللی" و امثالهم وجود دارد؟ لنین در همان جا مجدداً می نویسد: "در واقع مدت زیادی است که باید سنت فرقه گراشی محفلی را کاملاً خوار کرد، و حزبی که بر توده ها تکیه دارد - قاطعانه شعاریتر و پیشتر را به پیش ببرد، بگذار حزب همه چیز را بداند، بگذارد همه چیز داشته باشد، مطلقاً تمام موازید را که برای داری همه اختلافات گوناگون، با زکشت های به ریویزیونیست، انحرافات از انضباط و غیره لازم است، در اختیار داشته باشد. اعتماد بیشتر برای داری مستقل در باره گسل تشکیلات سوسیله کارگران حزبی!" (همانجا ص ۱۲ - تاکیدات از لنین است) طرح همه مسائل مورد اختلاف، مباحثه آشکار در برابر همه فعالین حزبی، اینست رهنمود لنین در مقابله با اپورتونیسم. در چنین مواردی سیاست مباحثه محدود و کنترل شده، سیاستی که اساساً بر هر چه محدود کردن دامنه بحث و ششوندگان مباحثه می گذارد، خدیک سیاست اپورتونیستی است که هدف آن گمراه کردن و پراکنده کردن فعالین حزبی است. کسانیکه نه به منافع و مصالح عمومی جنبش کارگری بلکه به حفظ منافع حقیر یا نابخود می اندیشند، طبیعتاً است که از مبارزه ایدئولوژیک علنی وحشت داشته باشند. این رهنمود حزب توده (که در جواب مقاله اکثریت مطرح کرده است) که "مشاوره در سطح رهبری برای حل مسائل مورد اختلاف بهترین و اصولی ترین شیوه است و حزب و سازمان سالهاست این طریق معقول را پیش گرفته اند" خود مورد شمول واری از این سیاست گنبدیده و سراپا بوروکراتیک اپورتونیستی است. خط مشی که مباحثه را تنها در سطح "از ما بهتران" جا شمی دانند تا بتوانند به بهترین وجهی به "معاملات معقول" دست بزنند و توطئه گری کنند. این شیوه کمونیستی نیست. همین "مشاوره در سطح رهبری" را می باید بطور علنی افشا کرد و از نقش حزب توده در مناسبات داخلی اکثریت پرده برداشت. و در همان حال از هر دو این رهبری های فرقه گرا و توطئه گرخواست که آشکارا نظراتشان را مطرح کنند و خود را در راه ایستادگی "مسائل امنیتی" شپوشانند. هر دو این رهبری ها (که به مثابه "یک روح در دو کالبد" عمل می کنند) با دیدن و کیکه از "اصولیت برنامهای" و "استحکام نظری" خود سخن می رانند. اما اکنون که همیمن "اصولیت برنامهای" و "استحکام نظری" از طرف معترضین به خط مشی خیانکارانه آنها زیر سؤال قرار گرفته است از هر نوع مباحثه علنی در باره همین اصولیت های برنامهای، به وحشیت افتاده اند. نیروهای مخالف اکثریت می بایست خواستار رگشایی ستونهای بحث آزاد در ارگان این سازمان بشوند. طرح بولتن های داخلی، نشریات ویژه و امثالهم در چنین شرایطی به هیچ وجه کافی نیست و رهبری با استفاده از هر مهملای

تشکیلاتی هر آن قدر است تا نظم مباحثات را بر هم بزنند. از آن گذشته نیروهای انقلابی بیرون از سازمان حق دارند دیدگاه خود را در مورد نظرات مخالفین در برابر نظرات با نندگیدار مطرح می شوند. کدام هستند. نیروهای مخالف درون اکثریت می بایست با اصرار بر مبارزه علنی این امکان آشنائی و شناخت را برای همه فراهم کنند. تنها در اینصورت است که می توان نیروهای انقلابی و فعالین طبقه کارگر را متقاعد کرد که بر اساس آنچه از جانب اپوزیسیون با نندگیدار مطرح میشود چیزی سوی مطالبی است که در ارگان سازمانی مطرح میشود. هیچکس علم غیب ندارد و از آن گذشته صرف مخالفت با رهبری نگهدار بی معنای مداخلت انقلابی و یا لایش نظری از آموزشهای رفرمیستی نیست. مباحثه علنی نه تنها محبور و روکار تیمم و اپورتونیسم را بازمیکند بلکه امکان آشنائی با نظرات مقابل را نیز برای همه، چه اعضا و هواداران و چه نیروهای سازمانهای دیگر فراهم می کند. تنها در این صورت است که امکان شکل گیری گرایش های نظری مریخ و امکان تشخیص نزدیکیهای نظری و سیاسی واقعی فراهم میشود. در غیر اینصورت نیروهای مخالف خود را از حما معنوی نیروهای انقلابی محروم می کنند. "شور بیشتر!" اینست شعاری که اپوزیسیون بایست مطرح کند. اینست شعاری که حزب توده و رهبری اکثریت را چنان به تکیا بومی اندازند تا مجدداً با شیوه های "معقول" سالیان پیش یعنی "مشاوره در سطح رهبری" تجدید پیمان کنند. ما نترسیم بوروکراتیک و رهبری با ندهای اپورتونیست، مانند شب در برابر نور رنگ می بازند و تنها در پشت دیوارهای ضخیم "مصلح امنیتی و سازمانی" است که می توانند توطئه آنها را بدهد. این حربه را باید از یاد گرفت. این یکی از ابتدائی ترین (و در عین حال مهم ترین) اتفاقاتی موجود میان سبک کار کمونیستی و سبک کار اپورتونیستی است. در شرایطی که تاریخچه رهبری اکثریت، تاریخچه نگشیا، خطاهای فاجعه آمیز و رسوائی های بزرگ است، افشای این تاریخچه، مباحثه علنی در باره علل این شکستها و درس آموزی، طرد این نوع نگرش نسبت به مبارزه طبقاتی، یک وظیفه تخطی ناپذیر حزبی است. در قلموس تنگ با ندهای اپورتونیست، افشای گرایشها رهبری مترادف است با سازمان شکنی و توطئه برای درهم شکستن انضباط حزبی. لنینیست ها اما نظردیگری دارند. ما نترسیم دموکراتیک بر کنترل متقابل، از بالاتر تا پایین و از پایین تا بالا، تکیه دارد. مباحثه در باره تکتیکها و خط مشی عمومی اتخاذ شده در این میان مورد قطع زمانی، از وظایف دائمی هر عضو حزب بشمار میرود و به خصوص نظریه اهمیت و نقش مهم رهبری در طرح و پیاده کردن این نظرات، در مورد ارزیابی از عملکرد رهبری می بایست اتفاقاً در مریخ تر، روشن تر و در حضور همه اعضا باشد. در همین رابطه بود که لنین نوشت: "اگر به نظر کسی هیئت های مرکزی مرتکب اشتباه میشوند، این وظیفه حزبی اوست که این اشتباهات را در حضور تمام حزب بر ملا زد و بالاتر از آن این اشتباهات را برای خود اعضا هیئت های مرکزی نیز افشا کند. بهیمن گونه وظیفه حزبی کمیته مرکزی و هیئت تحریریه ارگان مرکزی"

گزارشاتی از شرکت ایران یاسا

طوما رنویسی برای حق سواد

طبق بخشنامه وزارت کار به آن دسته از کارگران بی سواد که در نهفت سوادآموزی با سواد شوند، مبلغ هزار تومان به علاوه پنج درصد دستمزدشان، به حقوق آنها اضافه خواهد گردید. اما به تعدادی از کارگران این کارخانه که این دوره را بپایان رسانده بودند، فقط مبلغ هزار تومان پرداخت گردید و فقط به تعدادی از کارگران در صد حقوق اضافه گردید. به همین دلیل اکثر کارگران این مبلغ به آنها تعلق نگرفته بود دست به تهیه یک طوما زده و پس از امضاء آنرا به انجمن و شورای اسلامی که نهفت زیر نظر آنان کار می کند، ارسال نمودند. پس از ارسال این طوما رکارگساران دنبال کار را گرفتند. مسئول نهفت سوادآموزی که عضو انجمن اسلامی می باشد در جواب گفت: این مبلغ که از طرف دولت تعیین گردیده، جنبه تبلیغی دارد و قرار نیست که پرداخت شود، بویژه آنکه در کارخانه جایی که طرح طبقه بندی پیاده شده است، پرداخت این پول بنا به تصمیم مدیریت صورت می گیرد. شما بایستی صبر کنید تا مدیر کارخانه بیاید تا جواب قطعی را به شما بدهیم. کارگران می گویند اگر به این خواسته ما ترتیب اثری داده نشود، به وزارت کار و دیگر کارخانه ها مراجعه و شکایت خواهند نمود.

بن کارگری و فربکار ری رژیم!

بها نه های رژیم فدکا رگری جمهوری اسلامی مبنی بر عدم پرداخت بن کارگرای اساسی به کارگران که در اطلاعیه وزارت کار در مورخه ۶۶/۲/۲۶ در هفته نامه کار و کارگر چاپ گردید، بحثهایی را در میان کارگران شرکت ایران یاسا در من زدن در هر جمعی این مسأله مورد بحث قرار گرفت. بطوریکه هر روز در داخل رستوران، سالن تولید، محوطه شرکت و هر اجتماع کارگران، این مسأله مطرح بود و از اینکه دولت با طرح غیبت و مرخصی بدون حقوق می خواهد از دادن بن خودداری کند، ناراضی خود را بیان می کردند. کارگساران می گفتند: ما ملایان کالا ربطنی به غیبت و مرخصی نداریم. چون دولت تشخیص داده که دستمزد کارگران پائین است و این بن را بعنوان کمک هزینه در نظر گرفته بود. حالا این سؤال مطرح می شود که اگر کارگری غیبت کند و یا به مرخصی برود، از دستمزد وی کسر نمی گردد پس چرا این راه قطع می کنند؟ اگر غیبت و مرخصی باعث قطع بن می شود، پس چرا مثلاً باعث قطع مزایای کارگری نمی گردد؟ علتش واضح است، برای اینکه ربطنی به کمک هزینه ندا ردو این آقایان (منظور رژیم) این قانون را از خودشان در آورده اند تا بن را به کارگران ندهند. دولت قادر نیست کارگرای اساسی را به کارگران بدهد و این بها نه فقط به این دلیل است که قادر به جوابگوئی کارگران نیستند، اول می آیند و می گویند در عرض یکماه بن را خواهیم داد. بعد می گویند سه ماهه، و حالا با طرح غیبت و مرخصی می خواهند فقط به درصدی از کارگران با انضباط بن بدهند. کارگر که نمی تواند مرخصی با حقوق برود، این سرپرستان و مدیران هستند که برای خودشان مرخصی با حقوق می نویسند و در نتیجه بنام کارگر بن دریافت می کنند. دولت می خواهد ما را دست بسته پشت دستگساره نگهدارد و کارگر جرأت نکند یک روز هم غیبت کرده و یا به مرخصی برود، که ما با این اوراق قطع کنند.

مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزد

قسمت تیوب شرکت ایران یاسا یکی از قسمتهایی است که هوای آن آلوده به مواد شیمیایی می باشد. آلودگی فضای این قسمت به حدی است که اکثریت کارگران آن دچار ناراحتی پوستی و تنفسی می باشند. این قسمت به تبعیدگاه معروف است. سیاست مدیریت این است که کارگران جوان را به این قسمت بفرستد. کارگران این قسمت در گذشته روزانه مبلغی معادل دو ساعت کار بابت بدی هوا دریافت می کردند، اما با آمدن مدیریت فعلی و همکاری و همدستی انجمن اسلامی و شورای اسلامی یاسا، این مبلغ حذف گردید. تعدادی از کارگران این قسمت هر بار به شکلی اعتراض خود را بروز می دادند و گاهی نیز دست به اعتصاب می زدند، اما با قول سرپرست قسمت مبنی بر افزایش دستمزد، مجدداً سرکار می رفتند. اما سرانجام در تاریخ ۶۶/۲/۵، کارگران یک شیفت همگی به سرپرست اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به خواسته خود شدند. پس از این حرکت، کارگران سه شیفت با هماهنگی توانستند طوما ری تهیه کرده و پس از امضای آن توسط ۱۲ نفر از کارگران به سرپرست ارسال دهند. سرپرست پس از خواندن طوما را اعلام کرد که اگر این نامه را به کمیته طرح طبقه بندی بدهیم، یک روال هم به شما نخواهند داد. در نتیجه افزایش دستمزد طبق قوانین مشخصی صورت می گیرد. سرپرست همچنین برای ایجاد شکاف میان اقدام متحد کارگران روبه تعدادی از آنها کرده و بیجا تنیدی و بیرخاش گفت که شما چرا این طوما را امضا کردید؟ کارگران نیز در جواب گفتند: ما نیز مثل سایر همکارانمان خواهان پرداخت این حقمسار هستیم و فرقی با دیگران نداریم. پس از رد و بدل شدن این صحبت بین سرپرست و کارگران، سرپرست مزبور گفت: ما اسامی شما را می فرستیم و تقاضای دستمزد می کنیم و آن بخش را از گروه بجه گروه تغییر می دهیم. کارگران نیز برای اطمینان از صحت این حرف به امورا داری مراجعه کرده و مطمئن شدند که اسامی ارسال گردیده است. آنها معتقد بودند که اگر به خواست افزایش دستمزد ترتیب اثر داده نشود، دست به اعتصاب خواهند زد و طبق حکم طرح طبقه بندی که عنوان شغلشان در گروه مشخص گردیده، به کار مشغول خواهند شد. کارگران همچنین از اقدام متحد و یکپارچه خود خوشحال بودند.

شوايط استخدام کارگران روزمزد

کارگران قسمت پروژه شرکت ایران یاسا که همگی روزمزد هستند روزانه ۱۳۰ تومان حقوق می گیرند و مبلغ بیمه و نهار از دستمزد آنها کسر می گردد. مدت قرارداد این کارگران حداکثر سه ماهه می باشد. در گذشته کارگران بیکار را به مراجعه به شرکت، مشغول بکار می شدند، ولی مدت چند ماه است که انجمن اسلامی فدکا رگری برای جدا کردن کارگران حزب اللهی و مسلمانان از سایر کارگران دست به اقداماتی زد و کارگران مراجعه کننده پس از ارائه کارت پایان خدمت و دفترچه سیج و تکمیل پرونده، به نزد مزدوران انجمن می فرا خوانده می شوند تا امتحان عقیدتی از آنها گرفته شود. در این امتحان تعداد زیادی از کارگران رد می شوند. کارگران می گویند: کسب نیست به این بی ناهوشها بگویند ما در مپیل می زنم، چه ربطنی دارد کس فلان اما چکار کرده یا نام پدر فلان پیغمبر چه بوده؟ من می خواهم با زوی خودم تا در بیاورم و جواب زن و بچه مرا بدهم. اگر کارکنم و کتارخیایان دستفروشی کنم، شما با زهم ما راول نمی کنید، پس چکار کنیم. بیرویم دزدی؟ آنرا هم با زندان و قطع دست جواب می دهید.

کارگران در بیان خود می گفتند: "این برنا حبله ای است که تعداد تولید را اضافه کنند و قرار است تعداد را به ۱۲ هزار عدد در دو شیفت برسانند." "از کجا معلوم وقتی به تعداد مورد نظر خود رسیدند مطرح نکنند چار ساعت اضافه کاری برده است نمی شود (مثل دوساعت سخت کاری که قبلاً می دادند و با آمدن مدیریت فعلی آن را قطع کردند) و یا بدهیم تعداد را تولید کنند." "اسنان ساعت کار، ساعت تفریح و ساعت خواب می کنند. چرا با دید دستمزد ما کم باشد که مجبور باشیم از ساعت استراحت ما بزنیم و به اضافه کاری برده ایم." مدیریت وقتی با مخالفت کارگران مواجه شد مجبور شد با تعداد اندکی از کارگران که مایل بودند اضافه کاری کنند برنا مه خود را پیش ببرد.

★ مدیریت شرکت ایران یاسا هر روز به طرفندی جدید سعی بر آن دارد تا تعداد تولید را افزایش دهد. در قسمت تیوب که کارگران از سال ۶۵ برای حذف شب کاری به اشکال مختلف بمقا بله با مدیریت برداشتند، مدیریت با سه شیفت کردن ساعت کار رنه تنها شب کاری را حذف نکرد بلکه بخیال خود تعداد تولید را هم اضافه نمود. اما کارگران سیاست فدکا رگری مدیریت را محکوم نمودند و با کم نمودن تعداد تولید بطور روزانه ۵۰۰ الی ۱۰۰۰ عدد به مقاومت دست زدند. اما مدیریت اینبار در مورخه ۶۶/۲/۱۳ طرح نمود کارگران در دو شیفت ۱۲ ساعته مشغول کار شوند و البته ساعت اضافه کاری به آنها می دهیم. اکثریت کارگران این طرح مدیریت را قبول ندا شتند و مخالفت خود را بگوش سرپرستان رسانند.

★ آموزش نظامی اجباری که نزدیک به یکسال بود در کارخانه انجام می گردید، مدت چند ماه است که متوقف شده است. از بهمن ماه سال ۶۵ تاکنون در ایران یاسا و همچنین در سایر کارخانگان، کفش پیروزی، بندرور، کفش ملی و کاشی ایرانا، آموزش نظامی قطع گردیده است.

★ مدیریت شرکت ایران یاسا به کنترل کیفیت شرکت دستوردها که سعی کنند تولید را کمتر درجه ۲ و ۳ بیرون بدهند و درجه دوها را با بهره درجه یک بزنند و به بازار بدهند.

وضع دهشتناک دارو و درمان

سالمات که کمبود و نبود دارو و امکانات درمانی و بهداشتی به مشکلی عظیم برای کارگسنان و زحمتکشان و کارمندان کم درآمد ایران تبدیل شده است. همه روزه بسیاری از مردم کم درآمد کسبه دلیل ناهنجاریهای شرایط زندگی و کار نشان اولین قربانیان ابتلاء به امراض گوناگون جسمی و روانی می باشند. نسخه دست و پیمان سر دوش دربرداران دارو خانه به آن دارو خانه و از این بیمارستان به آن بیمارستان در رفت و آمدند شاید بتوانند درمانی برای دردهای بشمار خود و خانواده شان بیابند اما اکثر ادرا اینست که تا موفقند از طرفی بسیاری از داروهای مورد نیاز در دارو خانه ها موجود نمی باشند و از طرف دیگر تخت خالی حتی برای بیمارانی که در آنجا بستری می شوند نیز در بیمارستان یافت نمیشود. هر چه شهره های ایران کوچکتر و از مرکز تهران دورتر میگردند وضع دارو و درمان فحیح تر میشود. نبود و کمبود بیژنک، آسپرین، ایسوزین و داروهای ضروری در شهرستانها بحدی است که در بسیاری موارد برای هر چند ده هزار جمعیت حتی یک بیژنک متخصص، دو تخت خالی و یا چند بسته داروی ضروری مثل برای بیمارستان قلبی، کلیوی، اعصاب و غیره نمی تواند اختصاص یابد. امید بسیاری از بیمارانی که در اکثر شهرستانها، مراجه تهران است، بولی وضع دارو و درمان در تهران نیز به گونه ایست که حتی بتوانند حداقل نیازهای جمعیت خود را برآورده رابراورد کمبود دارو در ایران در حدیست که حتی اکثر بیمارستانهای مجهز و بزرگ تخصصی مثل بیمارستان قلب و آزمایشگاه های بیژنکی می تواند مورد نیاز برای برخی آزمایشهای حیاتیست. روی بیمارستانهای جسمی چون قلب، کلیه، گند و غیره، و بیابان امکان آزمایش بیمارانی و تشخیص بیماری و میزان پیشرفت آنرا ندارند. بسیاری از بیمارستانها و درمانگاههای شان به روی دولتی و حتی خصوصی داروهای لازم برای بیمارانی که در آنجا بستری می شوند، مثل سرم برای کودکان، روبه برگ از اسهال و استفراغ، و داروهای اولیه لازم برای بکته قلبی و مجروحین تصادفات را ندارند. اکنون دیگر متوجه شدیم که بسیاری از بیمارستانها کلازیریا رتبه داروی مورد نیاز بیمارانشان نمیروند و از رسیدگان آنها می خواهند که شخصا دارو را از دارو خانه ها تهیه نمایند. و کیست که بتوانند داروهای راکه در داروخانه بیمارستانها یافت نمی شود، از دارو خانه ها بیدار کنند؟ بایدمدتها از آن دارو خانه ها، نسخه آن دارو خانه دود و آجر خندان خالی و در بیشتر حالات تا مقدار ناگانی دارو به بیمارستان برگشت، چرا که حتی اکثر اقلام داروئی که حتما مصرفی عام و حتی اورژانسی دارند چون سرم ها، آنتی بیوتیکها، داروهای ضد اسهال و غیره نیز در دارو خانه ها یافت نمیکردند به سربده داروهای ویژه و کما ملاتخصی، هنگامی که برای از دارو خانه های کشیک شان نیز به دلیل نداشتن داروئی برای عرضه به بیمارانی، اگر که های خود را باین کشیده اند، زنده ماندن بیمار سخت گشته ای که روی تخت اورژانس منتظر داروئی

است که سانداز دارو خانه ها پیدا شود، فقط به معجزه بستگی دارد. وضع دارو و بیژنک و فاحه ما رتبه از وضع خدمات درمانی است. تعداد بیمارانی که بستری شدن در بیمارستانها، صدها برابر تخت خالی بیمارستانهاست. به علت فقدان تخت، بسیاری از بیمارستانها حتی قادر به پذیرش بیمارانی که در بیمارستانها بستری شده اند نیستند. بیمارستانهای عمومی سز که گاه ممکن است تخت خالی در آنها یافت گردد سرآمد آورو عمومی است. کودکان، زنان و مردانیکه بر اثر حوادث و بیماریهای گوناگون اورژانسی و خطرناک و حتی عارضه های پیش پا افتاده و سهل العلاجی چون آبله، خونی، خونریزی و نظایر آن احتیاج به مداوا و حتی عمل فوری دارند گاهی تمام طول شان در روز در راه بیمارستانهای گوناگون برای یافتن های خالی می کنند و در باره ای موارد در جریان رفتن از این بیمارستانها آن بیمارستان تلف میگردند. بیمارستانهای جسمی چون بیمارستان قلب به بسیاری از بیمارانی که معلوم است تا ۲۴ ساعت در گورنده ماندند، به این جهت ماه تا یک سال و بعد در گذر وقت پذیرش می دهند. بسیاری از دستگاههای لازم برای تشخیص و معالجه بیمارانی که گوناگون، نظیر دستگاههای نوار قلبی (حتی در درمانگاههای اورژانس بیمارستانهای قلبی) و دستگاههای دالترسیستمهای دولتی آنها است که خراب می باشند و بیمارانی که مراجعه کرده اند آنها به دیگر بیمارستانها باس داده میشوند. محال است روزها میگذرانند تا تاریخ ۵۰ روزه میباشند. "مراجعه ما به بست و بیخ بیمارستان (در تهران) نشان میدهد در یک تخت خالی بسیاری بیمارانی که در حال زایل شدن آنهاست، و این گونه کوچکی از واقعیت خاکه مروض دارو و درمان ایران - آهم در تهران - است که در روزها های تحت کنترل و باسور شده رژیم اسلامی انعکاس می یابد.

در حال این وضع ناامان که نسبت آن سیاست های ضد بشری و جنگ طلبی رژیم اسلامی است، جهت گیری اتخاذ می شود؟ نمونه های زسر قدرگانی گویاست: "ایران آمادگی خود را برای فروش دارو به پاکستان اعلام کرد." (کمیته یکشنبه ۳ خرداد ۶۰) "بدلیل کمبود از این تاریخ به بند برخی داروها، در ایران تهیه و نه توسط دولت از خارج وارد خواهند و دیگر عملجایی برای بیمارانی که محتاج به این داروها خواهند بود." (رضا مرندی وزیر بهداشت و درمان - کمیته یکشنبه ۳ خرداد ۶۰).

وقتی حال انسان درمان است، دولتیست از دستار و بولی وقتی بای اسلام درمان است، حتی دست و دل بازی هم می شود. از زائران سوریه را دوسر می کنند؛ دهها هزار تن از مسزدوزان آدمکن حزب الهی خود را به حج می فرستند و هزینه های مراسم آوران را از کم مردم می بردارند؛ هزینه دارو و درمان حاجانی را که در بلوای حزب الله در کمه زخمی با ناقص العضو

شده اند به عهده شرکت سعه ایران، یعنی برگردن مردم ایران می گذارند ("رسالت" - ۲۴ مرداد ۶۰). در حالی که سرده زحمتکش ایران از فقدان دارو و امکانات درمان دهنده حان می دهند؛ در حالی که تولید و واردات دارو را به دلیل فقدان ارز محدود می کنند و در حالی که سازه دلیل صرفه جویی در ارزی که باید خرج جنگ شود ارسال بسیاری از بیمارانی، از جمله مستلیمان به سرطان راه خارج از کشور ممنوع می کنند. آیت الله گلپایگانی، بربر مرد و وجدان الهی که دوسر اسر مسکن عمر اسر اسر عمر کرده است، بسیاری معاسات و مرافست های بیژنکی به بیمارستان طباطبائی کرامول لندن فرستاده می شود؛ بهیچگونه ار بیمارستان سوی گله آبل و تارویا سدران و محافظان وی به قسمت حدین سلول نومان در هر هفته اجازه می شود؛ بعض استفاده نکردن از ظروف بیمارستان، سرویس های جسمی برای همراهان خرید می شود؛ از روزی به و سسند؛ از رستورانهای ایرانی لندن غذا برای حضرات آورده می شود و بعض رعایت شئون اسلامی در بیمار کفر، برای ظرفی و نظایر آن نرسطوی همای بسنما آت معدنی خریداری می گردد. و تمام می آنها با فقه هر سه خریدها و سواتی ها و هزینه های اصلی بیمارستان و سفر، به ارز خارجی برداخت می گردد. اگر عزیزان سزاری در باده راه روهای کنار بیمارستانها و با در طباطبائی بیمارستانی به بیمارستان دیگر در آغوش اعضای خانواده شان و خطوی حتم آنها بر میزنند و از بیمارستانی گاه سزار عادی از سن میروند، هیاک، امید است که کوره جنگ جمهوری اسلامی با هر وسیله ای شعله ور شود و هر روز سردان و زبان و سوزید جوانان بیستوی را برای صدور انقلاب اسلامی یکام بر گمار خود بکنند!

نه تنها امکان دسترسی به دارو و درمان از حقوق اولیه مردم ایران است، بلکه برخورداری از دارو و درمان رایگان حق مسلم کارگسنان، زحمتکشان و کلیه اقشار کم درآمد است. اما ماهیت ضد بشری، آدمکن، جنگ افروزی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها چنین حقی را برای انسان سرست نمیشد؛ بلکه هر روزه در میان و دارو را به حساب هزینه های جنگی و سیاست های ضد بشری خود گرا سز و محدودتری نمیداند. با این سانشها کمبودهای دارو و درمانی هر روز بیشتر خواهد شد و هر روز مردان، زنان و کودکان بیستوی را سز ابتلاء به بیمارستانها تلف خواهند گشت. واقعیت آنست که آسده بهداشت و دارو و درمان در ایران و نظیر کلی تا مین حق تندرستی مردم ایران به موجودت جمهوری اسلامی گره خورده است و بسیاری با نانشدن به اوضاع دهشتناک بهداشتی، داروئی و درمانی در کشور برای تا مین حسی تندرستی مردم ایران، سازه غلبه جنگ پوری سرگوسی رژیم اسلامی یک بشر شرط احتیاج نا پذیر است.

درباره

چاپ سیلک

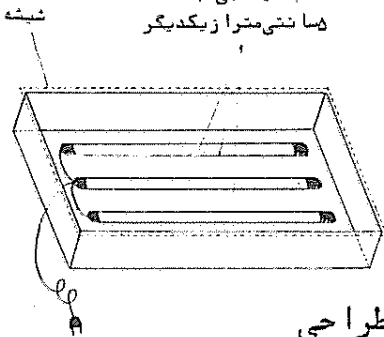
یا دداشت هیئت تحریریه

رهنمود زیر در باره نحوه استفاده از چاپ سیلک در تکثیر علامه ها و تراکتهای سازمانی در داخل کشور، توسط رفقای یکی از واحدهای سازمان در داخل، برای ما ارسال شده، که با اندکی تلخیص، منتشر می کنیم. شیوه معرفی شده در این رهنمود، با موفقیت و بطور وسیع از طرف این رفقا مورد استفاده قرار می گیرد.

روشن میشوند. بمنظور سهولت هر چه بیشتر کار و تا مین پوششهای امنیتی آن حتی المقدور لامپها را همراه با قابهای آن خریداری نموده که پس از اتمام کار میتوان بروی دیوار بطور طبیعی نصب و نگهداری نمود. لامپهای مهتابی نیز همانطور که میداند از دوسریج در ابتدا و انتهای لامپ، استارت و یُک (ترانس مهتابی) که داخل قاب فلزی آن قرار می گیرد تشکیل میشود که قبلا می بایست نحوه سیم کشی آن را آموخت تا احیاناً با اتصالات غلط باعث سوختن لامپها نشویم. سیم کشی ها را سا داخل قاب صورت میگیرد و تنها یک رشته سیم (دوبل) از دریچه آن خارج میشود و بدین شکل لامپها داخل چارچوب قرار گرفتند (البته نصب توسط پیچ و یا میخ نمیشوند) و بسادگی از داخل آن می توان بلند کرده و در جای دیگری نصب نمود. به این ترتیب چارچوب را نیز می توان بعناوین مختلف بصورت قفسه ای گستر خرت و برت و یا ابزار و کتاب و دفتر و بمسورت جاکش می توان بطور طبیعی نگهداری نمود.

۳- شیشه: شیشه برای نصب طرح دلخواهان بروی آن بکار میرود و میبایست در اندازه بیرونی چارچوب تهیه شود و روی چارچوب قرار می گیرند. ضخامت شیشه کمتر از ۴ میلی متر نباشد چگون تحمل وزن و سنگینی کار را نخواهد داشت (البته شیشه با این حساب ۷۰ در ۴۰ سانتی متر انتخاب شود) البته اگر عرض شیشه ۴۰ سانتی متر نباشد از طول کمتری بسته به ابعاد کار استفاده نمود. غرض قرار گرفتن شیشه بروی چارچوب می باشد بطوریکه با غسل آن و بروی لامپها سقوط نکنند. تذکر: شیشه میبایست کاملاً در سطح یکدست دیوار چارچوب بدون لنگری و نامافی قرار گرفته و ثابت باشد.

لامپ مهتابی بفاصله ۵ سانتی متر از یکدیگر



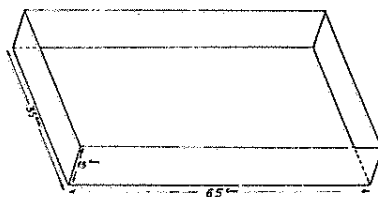
طراحی

طراحی در حقیقت تهیه فیلم میباشد. برای این منظور میتوان کاغذ لکی را به اندازه مورد نظر اشتخاب نموده و سپس با قلم را بیدوبسا کمک حروف برگردان (لتراست) طرح دلخواه را بروی کاغذ لک تهیه کرد. مرکب قلم را پیوسته معمولاً rotiring می باشد و از مرکبهای مرغوب آلمان بشمار میرود و در لوازم التحریر فروشیها مواد

برای آشنائی کلی با روش کار مقدمتاً میبایست بطور فشرده سیستم کار را توضیح دهیم: سیلک عبارت است از یک دستگاه نورپردازی که به وسیله آن کلیشه ای را که با توری سیلک پوشانده شده و ماده حساس نسبت به نور بروی آن بطور یکنواخت کشیده شده با حائل قرار دادن طرح مورد نظرمان برای چاپ که بروی کاغذ لک آمده شده در معرض نور قرار می دهیم تا با عبور نور از مناسط حائیه ای طرح، ماده حساس را سفید نموده و قسمتهای که نور از آن عبور نکرده غیر حساس و تگندنده باقی میمانند که با فشار آب، مناسط حساس شده شسته میشود و بدین ترتیب کلیشه ای در اختیارمان قرار می گیرد که با نصب بروی میز کار درون آن را رنگ یا مرکب ریخته و با کاردک لاستیکی بروی آن می کشیم و طرح مورد نظر و یا نوشته و یا هر چیز دیگر بروی کاغذ یا یلون و یا پارچه و نظائر آن چاپ میشود. با این چکیده به توضیح ابزار و نحوه تهیه آن میپردازیم.

دستگاه نورپردازی

برای ابعاد چاپی که حداکثر در عرض ۳۰ طول ۶۰ سانتی متر باشد دستگاه زیرتیا زدا ریم (برای ابعاد بزرگتر می بایست تغییراتی در ابعاد چوب و شدت نور ایجاد نمائیم و از آنجا که تصور نمی کنیم به ابعاد بیش از این نیاز پیدا کنیم پس لزومی به توضیح آن نیست)



۱- چارچوب: چارچوب مورد نظر بشکل جعبه ساخته میشود این جعبه که از چهار دیوار و یک کفی تشکیل میشود در ابعاد داخلی چوب بطول ۵۵ سانتی متر و عرض ۳۵ سانتی متر و به ارتفاع ۱۵ سانتی متر است. این جعبه کاملاً می تواند از نشو و نما ساخته شود. داخل چارچوب را همچنان میتوان با فویل سیلک آلومینیومی پوشانند تا نور را بخوبی بازتاب دهد.

۲- نور: برای تا مین نور دستگاه سه حداقل ۴ عدد لامپ مهتابی ۲۰ وات (کوچک) که تقریباً طولی برابر با عرض شیشه متر را احتیاج داریم.

لامپهای مهتابی بفاصله ۵ سانتی متر از یکدیگر بطور موازی داخل چارچوب قرار می گیرد. لامپها را می بایست مشترکاً به یک دوشاخ متصل نموده که با فرو کردن دوشاخ داخل پریز برق لامپها همزمان

از آنجا که بهبود کیفیت چاپ مستلزم استفاده از ابزارهای متناسب آن میباشد و شرایط سرکوب از محدوده خاصی فراتر نمی رود لذا می بایست از حداکثر ظرفیت چاپ در محدوده روشهای دستی آن سود جست. بهره گیری از شیوه چاپ سیلک در تلفیق با سایر شیوه های چاپ دستی با سخی است برای حل تناقضی که در بالا به آن اشاره شد. یعنی ما با استفاده خلاصه از این روش ضمن ملاحظه جنبه های امنیتی آن و بدون نفی اصول فنی مبارزه مخفی و عدم تمرکز فضا لیتهای تبلیغاتی خود را علاوه بر مضمون هما هنگ آن به لحاظ شکل و فرم آن نیز تمرکز بخشیده و بر برد فضا لیتهای خود متناسب با سایر جنبه های رشد فضا لیت کمنیستی میافزاییم. کلیه کمیته ها و واحدهای سازمانی میتوانند با کاردست هوشمندانه و مبتکرانه خود و صرف هزینه ای حداکثر ۵ هزار تومان ابزار کار را ارتقا داده و مستقلاً به استفاده از آن بپردازند و با فعال شدن در زمینه شناخت امکانات جانی دوستی و آشنایان خود که ممکن است بطرق مختلف در کارگاهها به چاپ سیلک مشغول باشند سود جست و هزینه تدارکات و امکانات نگهداری آن را به حداقل برسانند. اما ناگفته نماند که چاپ شیوه سیلک معجزه نمی کند بلکه با استفاده از روش چاپ دستی و در برخی زمینه ها می توان کیفیت چاپ را بنحوی مطلوب ارتقا داد و در این استفاده از آن نیز محدوده مشخصی دارد. تنها در استان هنرمند رفقا می توانند هرگونه اعجازی را معنی ببخشند. با این شیوه میتوان آرم و شعارهای برنامهای سازمان، تراکتهای و پوسترهای تبلیغاتی در چند رنگ و نظائر آن را بنحوی متحدالشکل چاپ و تکثیر نمود. امکان است پارهای از واحدهای سازمان به چنین امکاناتی دسترسی نداشته و یا قادر به سازماندهی امکانات و تدارکات آن نشوند ولیکن در هر حال نحوه استفاده و آشنائی با این روش چاپ خالصی از فایده نخواهد بود. چاپ سیلک تنوع و گستره وسیعی دارد که از جمله آنها میتوان به چاپ به روی کاغذ، پارچه، یلون، شیشه و فلز و نظائر اشاره نمود که در هر یک از این موارد مواد تهیه و وسع رنگ مورد استفاده و حلالهای آنها فرق می کند که در متن نوشته به آن اشاره خواهیم کرد.

با این مقدمه در توضیح جایگاه چاپ سیلک در ارتقاء کیفیت فنی انتشارات سازمانی و بالاضافه اهمیت آن در مقطع کنونی که نیاز به گسترش انتشارات سازمانی با کیفیتی مطلوبتر است می طلبید و اینکه چاپ سیلک حداقلی میان چاپ دستی و چاپ با دستگاه افست می باشد. یعنی به لحاظ نحوه استفاده از ابزار شیوه چاپ دستی نزدیک است و به لحاظ کیفیت چرخشی به سمت چاپ افست دارد. می پردازیم به شیوه کار چاپ سیلک:

خنک ونستانتاریک (مدالتهنه در یخچال) نگهداری نمود. بیازافه کردن ماده حساس به سری ست وهمزدن کامل آن مقدار کمی از آنرا متناسب با ابعاد توری بداخل جارچوب وروی توری میریزیم سپس با کاردک یا لیسنه تمام سطح توری را بطوریکه نواخت ونازک به آزاگل آغشته می‌کنیم. با جمع کردن اضافی ماده توسط لیسنه مجدداً بداخل ظرف آزاگل برمی‌گردانیم. کشیدن کاردک بروی توری وپخش کردن ماده روی آن از هر دو طرف توری می‌بایست صورت گرفته بطوریکه غشائی نازک و یکنواخت دو طرف توری را بپوشاند. درحین کار با بدمرات نمودن کاردک تیزکاردک توری را پاره نکند. ضمناً اینکار نسبتاً سریع و بی‌درد تا مل‌زیاد صورت بگیرد چراکه معطل کردن بیش از حد باعث سفت شدن ماده شده و پخش شدن یکنواخت ماده حساس میسر نمی‌شود. سپس می‌بایست کلیشه آغشته به آزاگل را در محیط کاملاً تاریک نگاه داریم تا کاملاً خشک شود. این محیط تاریک را میتوان با پوشاندن یک میسر کوچک بوسیله پتوویا پارچه‌های ضخیم فراهم نمود. ماده حساس پس از خشک شدن که در فضای اتمساقی بطور معمول حداکثر تا یک ساعت ویا ۲ ساعت کاملاً خشک میشود نسبت به نور کاملاً حساس می‌گردد. مدت نگهداری در تاریکخانه نباید بیش از ۲ ساعت بطول انجامد چراکه وجود پرتوهای نور در فضای لوله‌ها کاملاً تاریک در زمان مدت باعث کاهش حساسیت ماده می‌شود. همچنین درحین قرار دادن کلیشه خیس بداخل تاریکخانه می‌بایست کلیشه را بطوری قرار داد که ماده حساس و توری به جای دیگری نجسیده ویا آلودگی کندی برای این منظور می‌توان کلیشه را بطور وارونه قرار داد یعنی توری بطرف بالا قرار گرفته و فضای مت‌چوب بسمت پایین باشد.

ظهور

پس از آماده کردن دستگاه شورپردازی بروی شیشه و در مرکز آن طرح مورد نظر (کالک) را بوسیله چسب نواری می‌چسبانیم. قبل از ظهور مقدماً وضعیت روشن شدن لامپها را یکبار چک می‌کنیم و سپس خاموش می‌کنیم کلیشه را در درون تاریکخانه به یک پارچه مشکی پیچیده و از آنجا خارج می‌کنیم سپس توری کلیشه را در تسماس مستقیم با طرح (کالک) روی آن قرار می‌دهیم. البته برای چند لحظه نور موجود در فضای اتمساقی روی ماده تا سرچندانی ندادن ریس از تنظیم جای کلیشه روی کالک یا غذاک لک بروی کلیشه پارچه مشکی می‌کشیم بطوریکه سطح شیشه را نیز کاملاً بپوشاند سپس یک تکه نشویان سطح در انداز داخل می‌چسبیم که می‌بایست تماماً ماده کرده با شیم‌بدرن جارچوب (کلیشه) قرار می‌دهیم یعنی پارچه ما بین کلیشه و تکه چوب قرار می‌گیرد پس بروی چوبی که سطح کلیشه را بپوشانده است و کمی کوچکتر از ابعاد کلیشه می‌باشد عدد ۲ جارچوب و زنه دیگری قرار می‌دهیم تا فشاری معادل ۱ کیلو بر سطح جارچوب بکنواخت وارد شود. وجود فشار بروی توری البته با واسطگی پارچه و چوب فوق العاده خانها همیت است. این فشار باعث میشود که سطح توری کاملاً روی کالک (طرح) چسبیده و عبور نور از قسمتهای دیگر باعث خرابی کار نشود. سپس دوشاخه را به برق وصل می‌کنیم. مدت شور دادن در آزاگل کلیشه‌ای

سب یا ره‌شدگی آن نشویم برای مدت بسیار زیاد قابل استفاده خواهد بود. چونکه پس از هر استفاده میتوان آن را از مواد حساس پاک کرده و مجدداً و بیکر مات مورد استفاده قرار داد. توری را در ابعادی بزرگتر از جارچوب و حدود ۳ سانتی‌متر بزرگتر از هر ضلع بریده و دور تا دور جارچوب و توری را با چسب یا تگس به چسب آغشته می‌کنیم. پس از یک دقیقه توری را بروی جارچوب می‌چسبانیم. برای نصب می‌بایست فوق العاده دقت کرد تا کاملاً توری یکنواخت و محکم کشیده و چسبانده شود. بطوریکه همچون پوست طبل محکم شود. البته نباید بیش از اندازه به آن فشار آورد تا در حین کشیدن باعث پاره شدن توری نشویم. برای این منظور بهتر است یک ضلع توری را محکم کشیده و بچسبانیم ضلع مجاور آن و پس از آن اضلاع مقابل توری را محکم می‌چسبانیم توری باید کاملاً یکنواخت چسبانده شود.

۳- آزاگل یا ماده حساس : آزاگل در حقیقت همان ماده‌ای است که اساس کار رظهور بر مبنای آن امکان پذیر است. آزاگل در ۲ نوع T و S موجود می‌باشد و ساخت آلمان می‌باشد و هر یک کاربرد خاصی دارند. آزاگل S برای کار روی کاغذ و نایلون عمدتاً مورد استفاده قرار می‌گیرد و آزاگل T برای کار روی پارچه آزاگل S از ماده تشکیل یافته است که در سه ظرف جداگانه و در یک کارتن کوچک بفروش میرسد این ماده عبارتند از: ۱- سری ست (در ظرف یک کیلوئی) ۲- ماده حساس یا بیکرومات (در ظرف ۱۰۰ گرمی) ۳- مخلوط آب مقطر و نوعی ماده سفید رنگ (در ظرف ۱۰۰ گرمی) - در خرید آزاگل می‌بایست دقت نمود و از فروشنده‌گان متفرقه بپوچگی خریداری ننمود چونکه اغلب مواد آن غیر فابریک و ساختگی می‌باشد و قیمت گران بفروش میرسد. آزاگل S فوق العاده بردوام بوده و برای تیراژ بالا کاربرد خوبی دارد و قیمت آن ۲۵۰۰ تومان می‌باشد. نوع ایرانی آزاگل که البته بسیاری کار روی کاغذ و تیراژ پایین نیز چسبانند نامناسب نیست و نسبتاً ارزان بفروش میرسد (یک کیلوئی آن ۲۰۰ تومان می‌باشد) و از ماده ۱- سری ست (ماده آبی رنگ) ۲- بیکرومات که بعبورت جارچوب رنگ زرد است. برای حساس کردن سری ست با یستی به نسبت ۱/۱۰ ماده حساس (بیکرومات) و در آزاگل S ۱/۱۰ از ماده سفید رنگ را در یک واحد از سری ست حل نمائیم. در نوع ایرانی آزاگل نیز همین نسبت را بیدرعایت شود. یعنی ۱۰ گرم بیکرومات جارچوب در ۱۰۰ گرم سب یا ۱۰ CC آب داغ حل نموده و سپس در ۱۰۰ گرم سری ست حل می‌نمائیم. برای اینکه دوام ماده ما فوق العاده افزایش یا بیدپتراست کسسه‌های کمتری از مواد فوق را با یکدیگر در ظرفی جداگانه ترکیب نموده و ما بقی را جداگانه نگه‌داری نمائیم. مثلاً یک CC محلول حساس را سب یا ۱۰ CC سری ست (ماده آبی رنگ) حل نمائیم و در یک ظرفی سبسته نگاه داریم و بقیه ماده در صورت نیاز زوبیا نسبتهای کم در ظرف دیگری با یکدیگر تلفیق کنیم. تذکراتی نکته‌نویسی است که این مواد می‌بایست در معرض مستقیم نور شدید و سب یا حرارت (بویژه در صورت ترکیب شدن) قرار نگرفته و حتماً پس از کار بعبورت سبسته و در محیط نسبتاً

مورد نیاز میتوان ابداع نمود. طراحی از جمله کارها بر حوصله و وقت‌گیری باشد که شرط تهیه طرحی مناسب دقت و حوصله فراوان می‌باشد. نوشتجات ویا طرح در صورتیکه پهن‌دار نیستند می‌بایست کاملاً قلم و مرکب پر شوند. بطوریکه طرح بروی کاغذ کالک کاملاً مشخص باشد. در صورتیکه از حروف استفاده می‌کنیم حروف برگردان کاملاً مناسب می‌باشد. حروف لترات را با خط کشی مداد از قبل بروی یک خط کنار هم بروی کاغذ کالک می‌چسبانیم و پس از تمام هر چند خط به عرض چسب اسکاچ (شیشه‌ای) روی حروف را می‌پوشانیم. علت این امر نریختن احتمالی بروی کالک نمی‌چسبد. تذکراتی که چسبانند چسب اسکاچ روی حروف می‌بایست کاملاً یکنواخت و بی‌درد روی هم قرار گرفتن چسبها که ضخامت‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند صورت گیرد. در طراحی با مرکب نیز اگر حیا ناافاضی بوجود آید می‌باید دقت بوسیله تیغ مطالب اضافی را تراشید. فیلم تهیه شده برای ظهور روی شیشه بوسیله چسب نواری کاملاً کشیده و یکنواخت قبل از عمل ظهور با یک چسب‌بند و آما ده شود. برای طراحی همچنین به بازاری چون خط کش و پرگار و یا شابلون در اشکال مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

طریقه تهیه کلیشه

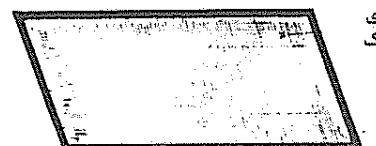
برای تهیه کلیشه به مواد زیر نیازمندیم :

۱- جارچوب ۲- توری سیلک ۳- آزاگل یا ماده حساس.

۱- جارچوب : بر مبنای طرح مورد نظرمان و در ابعادی چند سانتی متر بزرگتر از طرح جارچوب نیازمندیم. البته جارچوبها نباید خیلی کوچک برای طرحهای کوچک تهیه شوند چراکه چسباندن توری بروی آن دشوار می‌شود. جارچوبهای کوچک مثلاً ۱۵×۲۰ سانتی متر حداقل این ابعاد می‌باشد. جارچوبها را می‌توان با چسب یا قطعه چوب بقطر مثلاً ۲ سانتی متر به یکدیگر بوسیله چسب چوب و منج محکم چسبانید. جارچوبها نباید کاملاً خشک کاملاً یکنواخت و محکم تهیه شود.

۲- توری سیلک : توری سیلک نوعی پارچه توری می‌باشد که از مواد شیمیائی و پلیمری تهیه میشود. سوراخهای این توری بحدی ریز است که در یک نگاه چشم قادر به تشخیص آن نمی‌باشد. برای کار توری نوع سوئیسی و ۱۱۰×۱۲۰ مرغوبترین نوع توری می‌باشد. اصطلاح ۱۱۰ یعنی تعداد سوراخهای توری در یک میلی‌متر مربع می‌باشد که البته انواع دیگر توری نیز موجود می‌باشد که آنها نیز قابل استفاده می‌باشند و نسبتاً ارزانتر هستند. توری‌های فوق الذکر هر ۲ متر مربع معادل ۲۷۰۰ تومان می‌باشد و اگر با اشیا نوک تیز

جارچوب به ضخامت ۲ سانتی‌متر



توری سیلک

بخت آزمایی اسلامی

دولت جمهوری اسلامی از آغاز جنگ تا بحال برای خالی کردن جیب مردم و واریز آن به صورت اسلحه در جیبها برای کشتار جوانان از هیچ ترفندی فروگذار نکرده است از کم کردن اجباری یک روز حقوق کارگران و کارمندان گرفته تا تشویق و اجبار دانش آموزان برای ریختن پول توجیبی شان بقلک های جنگ. و از مالیات ها و عوارض گوناگون گرفته تا اخاذی از اولیای دانش آموزان برای ثبت نام فرزندان شان و هزار و یک ترفند و تکرار دیگر پس از کالیاس اسلامی، آنچه اسلامی و حقوق بشر اسلامی استکار مکتبی جدیدی زده شده است که می توان آن را بخت آزمایی اسلامی نامید؛ و این استکار رنیز شرکده جدیدی است برای دزدی اسلامی از مردم برای تامین پول و ریختن آن در کوره جنگ. اعلام شده است که مسابقات را برگزار می کنند که موضوعات آنها با سخگونی در مورد مسائل مربوط به غسل میت و نماز و زحمت و غذا های مستحب و حرام و ... می باشد و به برندگان جوایزی از کالاهای ضروری و نایاب داده خواهد شد و از مردم خواسته اند با گذاردن ۳ تا ۵ تومان نقد، حواله بانکی یا تمبر در این مسابقه شرکت کنند. ولایت فقیه با چندین سال تجربه جیب بوی و دزدی از مردم، خوب یاد گرفته است برای بدست آوردن پول به چه راههایی متوسل شود و چه "استکارات" مکتبی و اسلامی بدیعی برای سرکشی کردن مردم از خود برزودهد!

فرا رسر بازان در کرمانشاه

۲۰ ماهه قصر سرسی که فلان برای ساواک ساخته شده بود انتقال یافتند آنها را آموزش نظامی میدهد، محل آموزش این جوانان سیزده خانواده های آنان اطلاع داده نند، پس از ۴ روز آموزش در اواخر اردیبهشت سال ۶۶ این سر بازان ۳ روز مرخصی داده شد که بحریک سفرفقه اس افراد، از بازگشتن به با دگان خود اداری کردند.

دربی سر با زگری احیاری که در سطح شهر کرمانشاه و اطراف آن صورت گرفت و همگان ادامه دارد، هر روز خبر فرا رتعداد زیادی از سر بازان در سطح شهر دهان سه دهان مگر درده. اخیراً نیز تعداد ۲۵ نفر از جوانان یکی از شهرهای اطراف کرمانشاه دستگروه یا دگانی در ماهی دشت، کیلومتر

کرمانشاه شیمیائی است و برای بدن مفراست. حتما کلیه مواد فوق را دور از دسترس نگهداری نمایند.

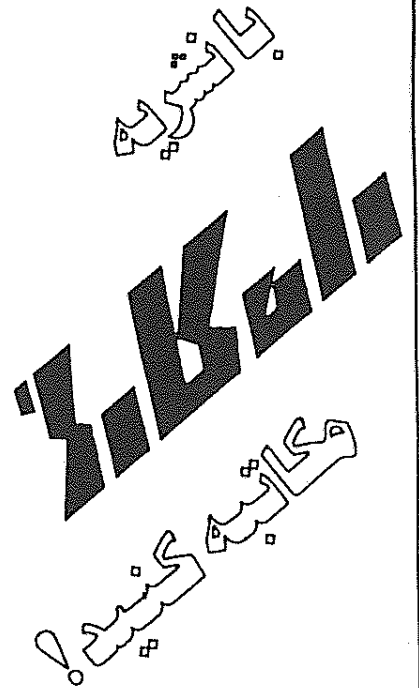
چاپ

کلیشه آما ده شده خود را توسط لولابه یک میز کا نصب کرده و رنگ را بداخل جا رجوب ریخته و سپس با کا رنگ لاستیکی که برای همین منظسطور با بدقیلاتیپیه کرده با شیمی کشیم با عبور رنگ از نقاط با زنده شکل طرح بیروی کا غذمنعکس میشود. برای شل کردن رنگ بحد مطلوب که از توری بیاحتی عبور کند برای رنگیائی که در جا ب کا غذا بکا رمیرود تینرورغنی می باشد از تینر فوری مطلقاً استفاده نشود. چون بمرور نقاط دیگر توری را نیز ببا ز میکند. رنگ برای چاپ روی نایلون نیز از نوع رنگ و نیلی PVC می باشد و حلال آن نیز ربی ر میا شد و سر ببا این رنگ خشک میشود و در صورت سرعت عمل حین کار میتوان روی کا غذنیساز آن استفاده کرد. شیوه چاپ نیز بپیمان طریق چاپ دستی است. بکیرگ کا غذا را روی میز کا رودر جای تعیین شده قرار میدهم و کلیشه را با شین آورده و با کا رنگ لاستیکی روی آن می کشیم و سپس کلیشه را بلسند کرده و کا غذا ب شده را بر میداریم. از آنجا که کا غذیروی کلیشه می چسد، میتوان کا غذا را توسط یک نوار کا غذی از یک طرف میا رنموده تا جدا سازی کا غذا ز توری با عت پیش شدن رنگ روی کا غذا نشود. اگر طرح مورد نظرا ترکیب چند رنگ تشکیل شده باشد نیز با بدقیلهای مختلف هر رنگ را بطور جدا گانه رسم کرده و برای هر قسمت طرح کلیشه جدا گانه ای ساخت و در هر مرحله یک قسمت طرح را چاپ و سپس قسمتهای دیگر را با دقت چاپ نمود. مطالبی که فوقاً بمنتزله تجارسی از کار ببا چاپ سیلک عرضه نمودیم بهیچوجه نافی استکارات دیگر در تغییر براهی از جنسه های آن ننوده و رفقاً میتوانند با تجربه شخصی به نکات تازه تری در حین عملنا مثل شده و آنرا بکا ربندند.

نمیبا شد برای اینکا ر لکه گیری می باید نمود یعنی مقدار کمی از ماده حساس را با نوک کبیرست نقاط مورد نظرا مجدداً با ماده حساس بر می کشیم در لکه گیری می با است دقت نمود که مطلقاً نمیبا است ماده حساس بصورت برجسته روی توری خشک شود بلکه کا ملاحظه طرح توری این عمل انجام گیرد تا در حین چاپ با عت پیش شدن مرکب در نقاط برجسته نگرده.

حلال آزا کل

پس از اتمام کار و برای اینکه طرحی تازا را محدود آروی توری مورد استفاده قرار دهیم می با است ماده روی کلیشه را کا ملایاک نما شیم. برای این منظور میتوان از کلرا استفاده نمود. مقدار ی از بیودر کلر را با آب گرم مخلوط کرده و سطح کلیشه را در ابتدا با لابه ای از بنیبه می پوشانیم و سپس مایع کلر را هم زده و روی نقاط مختلف توری میریزیم سپس با انگشتان دست بنیبه را فشا ر میدهم تا کا ملاحظه نقاط کلیشه خیس بخورد بسته بمدت استفاده از کلیشه مدت زمانی را که می با است کلیشه در آب کلر خیس بخورد متفرا است. اگر کلیشه بتا زگی ظاهر شده باشد چند ساعت برای این منظور کا فی است ولی کا ها می با است با نصف روز کلیشه در محاورت با کلر کا ملاحظه بخورد سپس با بنیبه آغشته به کلر کمی روی توری میمالیم تا کا ملاحظه از مواد حساس پاک شده و آنسری از آن روی توری باقی نماند. در صورت مشکسل پاک شدن می توان از تینر فوری نیز برای بهتر توری می با است با آب کا ملاحظه و کلیشه را شستودا تا اثری از کلر روی آن باقی نماند پس از خشک شدن توری با دیگر میتوان طرح دیگری را به همان ترتیب و روال فوق ظا هر نموده و استفاده کرد. تذکر: در حین استفاده از کلر بیینی و دهان خود را حتی الامکان بیوشا نید چرا که ذرات کلر در فضا انتشار یافته و سراً شوا استنشاق زیاد آن فرد دچار حالت تهوع و سوزش در چشم و بینی میشود.



مختلف فرق می کند. مثلاً در آزا کل S حدا قتل می با است ۱۵ دقیقه کلیشه را در معرض نور قرار دا دودر آزا کل ایرانی این عمل نمیبا است از ۳ دقیقه بیشتر بطول انجا مد چرا که افزایش مدت زمان نور مانع از باز شدن خطوط نوشته میشود. پس از اتمام کار نور پردازی مجدداً کلیشه را بوسیله پارچه تیره استرا کرده و به داخل دستشویی و یا حمام و در زیر فشار شدید آب قسرا ر میدهم. برای این منظور جلوی شلنگ آب را ببا انگشت سدی کشیم تا آب با فشار زیاد بصورت پودریه سطح کا ر کلیشه بیبا شبا این فشار آب تقاطی که در طرح مورد نظرسیا ه بودند و چون در معرض نور قرار نگرفته از هم با زنده و سایر نقاط کا مسلا توسط ماده حساس بسته باقی میماند. نور موجب سفت شدن بافت مولکولی آزا کل میشود و قسمتها یی که نور نیده اند در اثر شرفشا ر آب ساختمان و بیبوند مولکولی شان درهم شکسته و ببا ز میشود. از نقاط با زنده مرکب یا رنگ شل شسده براحتی عبور می کند و میتوان برای چاپ استفاده کرد. اگر فضای دستشویی و یا حمام کا ملاتا ربیک با شد عمل با ز کردن مؤثر تر به پیش خواهد رفت همچنین میتوان از نور قرمز لامپهای شب خواب برای رؤیتا شبا داخل حمام و با دستشویی استفاده کرد. البته اگر کا ر بدون نقی صورت بگیرد نیازی به محیط تاریک نخواهیم داشت و با فشار آب و تمرکز روی خطوط و نقاط مختلف طرح بیروی کلیشه کا مسلا با ز میشود. مدت زمان نور دهی و نگهداری در تاریکی تا ریخته در مواد مختلف کا ملاحظه تجربیسی استخراج میشود. پس از چند با آزمایش میتوان این مدت زمان را بطور عملی مشخص کرد.

لکه گیری

ممکن است پس از ظهور ویرا شرفشا ر آب و سایر عوامل قسمتهای ز توری با ز شود که مورد نیاز

تحلیل مما شب و شدا شد خارج از تحمل بر مردم و ایراد ضربات خونسین پلیسی یا داغ ناشی از جنگ برخانوا ده ها بعنوان عوامل تشدید و گسترش زمینه های اجتماعی اعتیاد، قبل از هر چیز، ره آورد رژیم اسلامی بوده اند و موقعیتی استثنائی و بی سابقه برای تولیدکنندگان و قاچاقچیان داخلی و بین المللی مواد مخدر فراهم ساخته اند. البته اگر اعتیاد بتواند بعنوان مکمل ابزارهای سرکوب، ساعت رخوت کارگران، بیگاران و نسل جوان و مانع خروش و حرکات اعتراضی آنان علیه فشارهای وارده از سوی رژیم اسلامی گسردد، کردا شدگان رژیم تلبرغم ها، هوها و ظاهرا سازهایی که می کنند، نمی توانند قلبا از گسترش اعتیاد خوشنودند. آیا برای رژیم اسلامی، ترکمن صحرای امروز که پس از سرکوب خونسین سال ۵۹ به طور وحشتناکی در اعتیاد فرو رفته است قابل تحمل تر است یا ترکمن صحرای سال ۵۸ با شورا های مستقل، انقلابی و رزمنده اش؟ پاسخ چنین سؤالی را عملکرد رژیم اسلامی و تجربه مردم داده است.

در رژیم اسلامی نیز همچون رژیم شاه، آنچه که شبکه قاچاق مواد مخدر را سینه می شود، در بالا - ترین سطوح به اشکال گوناگون با نهاد های حکومتی و گردانندگان رژیم درهم تنیده است. سوداگران اصلی مواد مخدر، یا از دولت مستردان رژیم اسلامی اند، و یا دارا گانهای رژیم، ما حسب نفوذند و مقامات و صاحبان نفوذان رژیم را بشا ر شوه و پول خریداری می کنند، بدون درهم - تنیدگی شبکه با صلاح قاچاق مواد مخدر با حکومت، این گفته معاون وزیر کشور که: «ایران یک کشور ترانزیت مواد مخدر است و مواد مخدر بصورت تنسی از افغانستان و پاکستان وارد ایران شده و از راه ترکیه خارج می شود، غیر قابل فهم می بود. رژیم اسلامی به انحاء گوناگون با توسعه مواد مخدر و اعتیاد مربوط است. آقای مسجدجامعی، مسئول و احذررسی آفات اجتماعی وزارت کشور صریحا اعتراف می کند که: «در برخی نقاط کشور، خصوصا مناطق مرزی صرف مواد مخدر و حتی قاچاق آن نه تنها خلاف شرع نیست، بلکه نوعی تأسیس شرعی راه همبمراه دارد».

اما ارتباط رژیم اسلامی با قاچاق مواد مخدر، از بیوند این با آن و زیر و کیل با شبکه مواد مخدر تا تکیه قاچاقچیان بزرگ بر نفیست دستگاها و ارگانهای رژیم فراتر رفته است. مطلقا، قائم مقام اطلاعات عملیات کمیته های فاش می کند که: «... در مسائل قضائی بحث بر سر حق مالکیت بر مواد مخدر یا بحث بر سر مالکیت عقلایی مواد مخدر است». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ۶۶) «مالکیت بر مواد مخدر و معا مله عقلایی آن، یعنی اینکه حکومت اسلامی، مواد مخدر را که از قاچاقچیان می گسردنهای انهدام، بلکه مالکیت خود را آورده و بمنظور تامین ارزخا ر حسی برای جنگ و سیزده سال در یافت جنگ افزار از قاچاقچیان بین المللی اسلحه، مورد معا مله قرار دهد. چنین معا مله ای از دیدگاه سردمداران رژیم اسلامی، گام "عقلایی" است، زیرا در شرایطی که دوام رژیم اسلامی به جنگ، و دوام جنگ به دلار وابسته است، و در شرایطی که خمینی برای تامین از جهت تداوم جنگ چنان در تنگنا افتاده است که

انداخته می گوید: "یکی از علل مهم توسعه مواد مخدر و اعتیاد در گسترش شهرها و مهاجرت های بی رویه روستائیان به شهر می بینیم". از سوی دیگر مواد مخدر صرفا راه آوردی از غرب شمسرد می شود. مثلا موسوی تبریزی می گوید: "بیشک مواد مخدر یکی از راه آوردهای نظام غرب است هم بوجود آمدنش و هم گسترش آن" (جمهوری اسلامی، ۱۶ اردیبهشت). بر سیدنی است که آیا با استقرار نظام اسلامی، "نظام غرب" در ایران گسترش یافته است که سبب چندین برابر شدن مواد مخدر و اعتیاد گشته است؟! محمد صدر معاون وزیر کشور اعلام می کند که: "ایران یک کشور ترانزیت مواد مخدر است، مواد مخدر بصورت تنسی از افغانستان

مواد مخدر، مبارزه با معامله؟!

و در مقیاس کمتر از پاکستان به ایران حمل شده و از طریق ترکیه به اروپا می رسد". (کیهان هوائی ۲۲ تیر). بر این اساس، یکی دیگر از دلایل مهمی که مسئولین رژیم برای گسترش مواد مخدر می آورند، گسترده بودن مرزهای شرقی و غیر قابل کنترل بودن آن می باشد. این دیگر واقعاً مضحک است. چگونه است که نیروهای سرکوبگر رژیم حمل حتی یک اعلامیه از این سو به آن سو خیابان و از این دست به آن دست را زیر نظر دارند و مردم را حتی بی خطرگاه پرنفرتشان به ماشینهای گشت مسورد احتیاطی قرار میدهند اما مواد مخدر از مرز افغانستان تا ترکیه یعنی در حقیقت از این سو به آن سو کشور آسمان بصورت تنسی حمل می شود و آب از گفته خودشان مجهزة وسایل الکترونیکی تعقیب و مراقبت و دوربینهای عکاسی و فیلمبرداری از فضا های تاریک هستند و اکیه های تقویت شده مجهزة سلاحهای نیمه سنگین و گگردان مرزی و یک گردان ساحلی را به اضافه پاساها و برجکها، در اختیار دارند؟!

اساس مغفل مواد مخدر و اعتیاد و گسترش بی سابقه آن نسبت به قبل از حاکمیت اسلام، به ماهیت رژیم ولایت فقیه و سیاست های آن مربوط می شود. قانون اساسی جامعه سرمایه داری "سود" است و تولید و فروش مواد مخدر از سودآورترین فعالیت ها می است که تسل از هر چیزی هم میس قانون اساسی جامعه سرمایه داری تکیه دارد. رژیم اسلامی، یک رژیم سرمایه داری است که پس از قیام با تمام قوا در حرات از نظام سرمایه داری کوشیده و میدان را برای بی سابقه ترین سودبری ها و ثروت اندوزی های طبقات سرمایه دار، سوداگر و انگل ساز گذاشته است. رژیم اسلامی نه فقط از جهت حفظ نظام سرمایه داری و پاسداری از شرایط مال اندوزی سرمایه داران و سوداگران، بلکه همچنین از جهت افزایش تقاضا برای مواد مخدر، یعنی از جهت تشدید و توسعه زمینه های اجتماعی اعتیاد است به دورهای که اشرف پهلوسوی ها در رأس انحارات مواد مخدر قرار داشتند، گسترش مواد مخدر و اعتیاد را چندین برابر ساخته است. گسترش بیگاری میلیونی، ایجاد مواضع مذهبی بر سر راه ورود به دانشگاه ها؛ فکدان چمپاندازی برای آینده و فقدان امنیت سرای جوانان؛ سرکوب دانش و هنر و فرهنگ و ورزش؛

"جندتن از کارکنان دیوان محاسبات کشور در رابطه با مواد مخدر دستگیر شدند" (رسالت ۲۵ تیر). این خبر تنها نمودی کوچک از مملکت عظیمی است که کشور را در خود کشیده است. اعتیاد این فاجعه هولناکی که این چنین بر سر راه معده، سینه و سیاهش را افکنده، هر روز بیش از پیش گسترده می شود، آنهم در میان جوانان که نیروی فعاله کشور را تشکیل می دهند. بنا به آمار رسمی رژیم ۹۹٪ افراد معتاد در سنین ۲۰ تا ۴۰ سال هستند. آری این حقیقتی است که حتی مسئولین رژیم جمهوری اسلامی نیز بدان اعتراف دارند. با نگاهی به روزنامه جمهوری اسلامی طی روزهای ۱۶ الی ۲۷ اردیبهشت، به نمونه هایی از این

اعتراف رسمی خوریم. طی نشستی که اکثر مسئولین با صلاح مبارزه با مواد مخدر در آن جمع آمده اند، موسوی تبریزی می گوید: "اعتیاد کما ملادرا پس چند سال گسترش پیدا کرده و آماری که کمیته ها به ک... چون قضائی مجلس ارائه داده اند، تا امروز بی سابقه بوده". وی به نواحی حاشیه نشین تهران و استان خراسان اشاره کرده و اضافه می کند: "سری بزیند ببینید چه خیر است...". همچنین گفته "مسجدجامعی"، مسئول واحد بررسی آفات اجتماعی وزارت کشور: "تحقیقات موضعی نشان میدهد که میزان معتادین (در بعضی مناطق) بعد از انقلاب دو برابر شده است". از سوی دیگر حجت الاسلام شوشتری عضو کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس به گسترش مواد مخدر اشاره کرده و می گوید: "روستائی را در حوزه انتخابی خسومد آمارگیری کردیم که در حال حاضر ۹۰٪ بالغین معتاد شده اند و خیلی از اینها سابقا معتاد نبودند". سایر آمارهای این آقایان در روزنامه های فوق الذکر به واقعیت های دیگری ازین دست اشاره دارد: "اگر تمام اعتبار سازمان بهزیستی را هم بدهند که تمام اعتبار سازمان بهزیستی ۳۳ هزار نفر را نگهداری کند...". و این در حالی است که آمار معتادین ما بنا بر آنچه که به مراجع بین المللی ارائه شده ۵۰۰ هزار نفر است... "میزان مواد مخدر در محدوده مرزها وقتی کشف می شود کمتر از ۵۰۰ کیلوگرم است...". بنا به آمار سال ۶۱، ۵۰ الی ۶۰٪ زندانیان عادی مسکارا معتادین تشکیل می دهند... "در سال ۶۴، ۷۰٪ طلاقیارینه اش اعتیاد بوده است". این آمارها همه نشانگر عمق فاجعه است و تازه اینها ارقام رسمی رژیم بوده و واقعیت بیش از اینها است. اما دلیل وجود و گسترش اعتیاد در کشور ما چیست؟ به اعتراف موسوی تبریزی دلیل این امر چیزی نیست جز: "جنگ، ساختارهای اقتصادی، بیگاریها و علل روانی، وابعدسیاسی و ابعدودجوشی که همگی اکنون همسوزده اند". بلکه این آقایان خود می دانند که چگونه جنگ، بیگاری و فقر و مسائل روانی ناشی از آن، هزاران هزار جوان را با کام اعتیاد کشیده است، اما با اینهمه سعی دارند مسبب همین وضعیت را هر چیزی غیر از جمهوری اسلامی و انمود کنند. علیحاشی مدیرکمل سرپرستی و ارشاد سازمان بهزیستی با وقاحت تمام گسترش اعتیاد را به گردن حاشیه نشینان

قلعه حسنخان

۳ در روز یکشنبه ۶۶/۵/۱۱ در شهرک قلعه حسن خان مزدوران رژیم قسمتی از خانه مسکونی یکی از زحمتکشان را تخریب میکنند. عده زیادی از مردم در آن محل جمع شده و به این اقدام غیر انسانی آنها اعتراض می کنند بطوریکه یکی از معترضین می گفت: آخر برای چی خانه این بیچاره را خراب می کنید؟ مگر شما مسلمان نیستید؟ عوام ملز مزدور رژیم برای اینکه نوک حمله را متوجه خودشان بکنند، در جواب اعتراضات مردم می گفتند که رهبا به ما تا آن است که خیر دادند. اهالی محل که از این عمل غیر انسانی خشمشان به جوش آمده بود، شروع کردند به فحش و ناسزا گفتن به آن کسی که خیر داد تا خانه بیچاره را خراب کردند. بطوریکه زنی می گفت: کسی که این کار را کرد حشر بسوزد، خدا لعنتش کند. همچنین تعدادی از زنیهای محل در آن خانه تخریب شده تجمع کرده با اعضای آن خانواده همدردی می کنند. مردم عا مل تخریب خانه های زحمتکشان را متوجه رژیم میدانند و در صحبت ها چنین می گفتند:

زنی می گفت: ریش شان به خاک برود آخه چرا خانه بیچاره را خراب کردند، ببینید چه زندگی دارند، همه وسایلش را فروخته تا خانه اش را درست کنند آنوقت آدم خانه چنین کسی را خراب می کند. زن دیگری می گفت: آخه این مسلمونی است که بیاید خانه مردم را خراب بکنند. دختر آن خانواده که خانه شان را خراب کردند می گفت: وقتی آنها آمدند (منظور عوام مل رژیم) گفتم: کاشفتا چرا خانه ما را خراب می کنید شب تا صبح زحمت کشیدیم تا توانستیم خانه را بسازیم. که با گفتن این حرف مرا انداختند داخل یک اتاق و گفتند اگر از این بیشتر حرف بزنی سر پدرت را هم می بریم. یکی از زنیها گفت "هیچ غلطی نمی توانند بکنند، زن کاری می گفت: حالا دیگر هیچ کاری برای آدم نمی کنند برادر من مجروح جنگی است و یک پایش را در جنگ از دست داد و من رفتم که برایش جوج بگیرم، به من گفتند "برادرشان خوب است که حالا یک پایش را از دست داده برود خدا را شکر کند که چشمش را از دست نداد. من با شنیدن این حرف شروع کردم به فحش و ناسزا دادن به آنها و گفتم جوج بخورد توی سرتان، سیاه و سیاهی همه رشوه خوار هستند. مردی می گفت: اینها (منظور رژیم) که دم از مستضعف می زنند، می آیند خانه مستضعف را روی سرش خراب می کنند. مرد دیگری می گفت: کسی که خانه سه طبقه می سازد کاری به کارش ندارند. چرا آن را خراب نمی کنند، آنوقت خانه این بیچاره را که با بدبختی خانه اش را ساخته می آیند خراب می کنند. یکی در رابطه با کشتار حاجیان در مکه می گفت: خوب کاری کردند آنها (منظور حاجی ها) را کشتند، جثمان کور می خواستند نروند راهی مائی، آنها هم بیکار نمی نشینند. اینجا مردم گوشت ندادند آنوقت همه گوسفند آنها قربانی می کنند. زن دیگری می گفت "حاجیها تازه مکه میروند می فهمند عریها آنها را جا ببینند و با بدطوری این پول را بدست آورند، و قدر پولیهای خود را داشته باشند و با طر همین خسی و زذل تشر می شوند. زن دیگر در مورد کشتار حاجیان می گفت: ببین بیچاره ها را چطور کشتند کسی فکرش را میکرد این همه حاجی را بکشند.

اعتصاب را نندگان مینی بوس

دراوا و خورشیدور، گشتهای سیاه در خیابانهای تهران اقدام به کندن یلاکهای مینی بوسهای خطی نمودند تا بدین طریق را نندگان این مینی بوسها را مجبور نما بکنند برای مدتی به حبه بیرونند، بیس از این نیز در آغاز سال گذشته، ما مورین شهریانی مینی بوسهایی را که اقدام به سوار کردن مسافر خارج از ظرفیت خود می نمودند، جریمه می نمودند.

درا اعتراض به این اقدامات رژیم، را نندگان مینی بوسها دست به اعتصاب زدند و مینی بوسهای خط انقلاب، تهران نویشتابسی را نندگان دیگر خطوط مینی بوس تحت نظارت شرکت واحد را نیز تکیه و خط دیگر نیز به اعتصاب کردندگان بیستند. رژیم که ابتدا قصد در هم بستن اعتصاب را داشت، وقتی با حرکت متحدان نندگان روبرو گردید دست به عقب نشینی زد و از اقدامات خود علیه این را نندگان کوتاه آمد.

سالگرد جنگ و "تک" بیر

طبق قرار رژیم که از طریق راديو و تلویزیون و تبلیغات وسیع دیگری برای سالروز جنگ اعلام شده بود، می بایستی رأس ساعت ۹ شب، مردم به میهای خانه ها رفیه و یکسری گوشت، اما مردم با تحریم این اقدام، تنفر خود را از جنگ و رژیم و رتاجی اسلامی نشان دادند. بطوریکه علی رغم تبلیغات وسیعی که بدین منظور صورت گرفته بود، نشانی از حد کوچک (و نه بسیار) غذای تعدادی بچه و تعداد محدودی حزب اللهی شنیده می شد.

اراک - مبارزه با گرانفروشی!

طرح کدائی مبارزه با گرانفروشی عمدتاً متوجه دست فروشی های کنا رخیان شده است. طی مرداد ماه، مزدوران رژیم، سنگار و فروشهای کنا رخیان را دستگیر کرده و به شهرانی می بردند. عده ای از اهالی اراک که تا حدی چربان بودند، مزدوران را به دفعی و با سرامی کردند. در یکی از اقدامات مزدوران، یکی از زنان که قصد فروش کوبن خود را داشت، با مشاهده آن وضع به اعتراض پرداخت و با ما مورین رژیم درگیر شد و آنان را مورد اساز قرار داد. مزدوران، اس زن و چند دست فروش دیگر را زور سوار مانع کرده و با خود بردند. هنگامی که ما مورین مبارزه با گرانفروشی محارفات می کردند، مردم کنا رخیان آنان را به صدای بلند هوسودند.

جبهه و پشت جبهه ندا ریم!

حندي پیش سابه تصمص و هماهنگی وزارت آموزش و پرورش و ارتش و سیاه استسبان آذربایجان عربی ظهور یک برنا مریزی، بیست درصد از معلمین این استان جهت اعزام به حبه ها اسحاب نندند. اما به آنها قول داده شده که به حط مقدم اعزام نخواهند شد، بلکه به موریت حبه مفتول خواهند شد. برخلاف انتظار معلمین، بسیار اعزام آنها را مستفسا به حط مقدم حبه انتقال دادند. معلمین با حیرت از کد مگر می پرسند که مگر ترا رسیده که ما در حط مقدم ساشم؟ آنها دست به اعتراض زدند و اس ساله راه مشول اعزام اطلاع دادند. مشول اعزام سزیا سخ داد که حبه و پشت حبه ندا ریم شما آمده اند حکید. همه معلمین یکبار ره و متحدانه اعلام کردند که ما برای جنگیدن سابه ام. ما رن و حبه ندا ریم، اسم، خواهیم کشته سوم. اگر اسطوریا ندما ریم کردیم و همگی ماده رفتن نندند. مشول اعزام وقتی با اقدام بکار حه معلمین روبرو گردید، دنبیا حنه و گفت سرکنند ما مقامات لاصحت کم. وی پس از تماس با مقام بالا، گفت که هر کس مال ما ساعدمی تواند در صفا، م با تدوهر کس نخواهد به پشت حبه برود. همه معلمین یکبار در صفا آمده اند به پشت حبه، به حط مقدم حبه. اس ساله و سروری معلمین مسوج معاوسی را در ارتباط با تحریم حبه توسط بیست در صد معدی سوجود آورد، بطوریکه رژیم نتوانست برای مرحله بعد، موفق به تسخ و اعزام معلمین شود.

**با کمک های مالی خود
سازمان را در امر مبارزه
انقلابی یاری رسانید**

پیدا کنید آزادیهای سیاسی را!

سید علی خامنه ای رئیس جموری برای آنکه مردم را مجاب کند که هیچ کشوری در جهان به آزادی های سیاسی پایبند نیست و فقط در اسلام و جامعه اسلامی است که آزادی های سیاسی موجودیت دارد، در نماز جمعه ۱۲ تیرماه ۶۶ ز جمله چنین گفت: "وقتی گفته می شود که در جامعه اسلامی مردم آزادیهای سیاسی دارند، این بدین معنی است که هم انتخاب را... " دارا هستند و هم حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه، ایجاد تشکیلات، سازمان ها و احزاب، ایجاد اجتماعات سیاسی، بیان افکار و نظریات سیاسی و خلاصه انتخاب راه خود، راه سیاسی خود در جامعه را دارند.

تا اینجا روشن شد که "وقتی گفته می شود که در جامعه اسلامی مردم آزادی های سیاسی دارند"، این به چه معنی است؟ (حالا فقط می مانده اینکه بگردید و در این جامعه اسلامی مردمی را که حق انتخاب دارند؛ حق فعالیت سیاسی، انتشار مطبوعات و روزنامه، ایجاد تشکیلات، سازمان ها و احزاب دارند؛ حق ایجاد اجتماعات سیاسی را دارند؛ حق بیان افکار و نظریات سیاسی و خلاصه مردمی را که حق انتخاب راه خود، راه سیاسی خود در جامعه را دارند؛ پیدا کنید!

علیه و فرمیسم

نباله از صفحه ۱۰

ایجاب می کند که چنین گزارشاتی را با نیابت دقت وبدون در نظر گرفتن منبع آن مورد نظر قرار دهند. (لنین - پیش نویس نامه ای از م. و هیئت تحریریه ارگان مرکزی به اعضای مخالف - همان مجموعه ص ۶) می بینید که لنین، بعنوان یکی از اعضای رهبری، خود توصیه افشاگری از نشانه های رهبری را با این صراحت، و از آن بالاتر، بعنوان یک وظیفه حزبی مطرح می کند. این یکی از اصول حاکم بر سازماندهی و سلسله مراتب حزبی است که اپورتونیستها به آن همچون کفر ابله می نگردند، اما در شرایطی که اپورتونیسم خیا ننگار تحت عنوان انضباط حزبی، حکومت نظامی برقرار می کند سکوت یا تمکین، پشت پا زدن به وظیفه حزبی و لنینیستی است. لنین خود در توضیح حاشیه نامه "چرا از هیئت تحریریه اسکراب استعفا کردم" می نویسد: "من این نامه را بلافاصله بعد از شماره ۵۳ برای اسکراب فرستادم. هیئت تحریریه از چاپ آن در شماره ۹۴ دداری کرد، بنا بر این محبور شدم که آن را به صورت یک جزوه چاپ کنم." (همانجا ص ۱۶) وقتی مسائل مهم بر نامه ای و تشکیلاتی، مسائل مربوط به ادا مباحث انقلابی یا تجدید عهد با سنت های انقلابی مورد ملاحظه باشد، درست وضعیتی که اکنون اکثریت در آن بسر می برد، بیش از هر وقت دیگری بایست به این شیوه لنین عمل کرد. در غیر این صورت امکان مبارزه مؤثر، مبارزه افشاگرانه ای که در آن هم خطوط نظری صراحت یا سند و همه اعضا، و هواداران بتوانند حقیقتا به اختلافات و قوف یافته و راه خود را انتخاب کنند، وجود نخواهد داشت و خط مسلط در رهبری فعال ما پیش خواهد بود. لنین به ویژه در مورد مسائل ملی که به خود رهبری مربوط میشود (نظریه نقش فوق العاده ای که رهبری در یک تشکیلات حزبی ایفا می کند) هشدارهای مداوم و مریحی می دهد: "تمام حزب باید بطور مستمر، مداوم و سیستماتیک اشخاص مناسب را برای هیئت های

مرکزی تربیت کند. با بدیهه وضوح ما نندکف دست تمام فعالیت های هر یک از کارکنان را با این مقایسه ای بالا ببیند. با بدستی خصوصیات شخصی آنها را، نقاط ضعف و قوتشان را و بیرونیها و شکستهایشان را بشناسد... باید همیشه هر "شکست" یک "رهبر" و یا دیگر رهبران را حتی اگر جزئی باشد، در نظر داشته باشد. هیچ رهبر سیاسی وجود ندارد که بیرونده اش خالی از شکست باشد و اگر ما بیهنگام صحبت در باره نفوذ در توده ها و جلب "حسن نیت" آنها جدی هستیم، باید با تمام قدرتمان بکوشیم و اجازه ندهیم که این شکستها فضای کبک زده محفلها و گروهها سکوت ما نند، بلکه آنها را در معرض قضاوت عموم قرار دهیم. این موضوع در وهله اول ممکن است دست و پا گیر و مزاحم به نظر برسد، حتی ممکن است گاهی اوقات به نظر بعضی رهبران "ها نت آیز" تلقی شود. اما ما باید بر این احساس غلط غلبه کنیم. این وظیفه ما نسبت به حزب و نسبت به طبقه کارگر است... تنها تبلیغات گسترده است که می تواند "خف و دادهای" اتفاقی و بوج و مسخره بیسن "گروهها" را تبدیل به ماده اساسی و مفیدی برای خود آموزی حزب بنماید." ("نامه به اسکراب" همانجا ص ۱۴) این درست همان کاری است که اپوزیسیون درون اکثریت می باید بکند. تبلیغات گسترده در باره شکستهای رهبری، مبارزه علنی برای روشن کردن علل آنها، افشاگری در باره کارنامه اعضای رهبری، بگذار همه بداند که چگونه فرخ نگیدار روسا بر رهبران خائن اکثریتی، گام به گام مسیر بازش کاندن اکثریت نیروهای فدائی را با رژیم جمهوری سلاوی هموار کردند. در این نوع مسائل هیچ "نگتیه امنیتی" وجود ندارد. برعکس نگاه به روند این موضوع و فعالیت ها، بررسی علل این جریختها و مطلق زدن، به خوبی بینش فرمیستی و خیا ننگارانه حاکم بر حاکمین آنها را روشن سازد. طرح این نکات در اوراقهای در بسته نیز دردی را دوانمی کند. تبلیغات گسترده!، نرسو بیشتر!، مبارزه در حضور همه! این است شیوه ای که

اپوزیسیون اکثریت با بیدرپیش بگیرد. "تقدس تشکیلات" در شرایطی که رهبری فاسد و بوروکرات جز مقابله با هر نوع فعالیت سالم و انقلابی کاری نمی کند و ممالح خود را بر فراز همه چیز تاسرار میدهد، تنها جواب لای جرح حسابرسی انقلابی و تصفیه حساب با گذشته می گذارد. خطوط پلاتفرم انقلابی روشن هستند: مبارزه برای تسخیر قدرت مبارزه برای هژمونی پرولتری، مبارزه واقعی برای انترناسیونالیسم پرولتری در کردار، مبارزه عملی برای دمکراسی و گذار بلا واسطه به سوسیالیسم، می بایست با صراحت به این مسائل پرداخت و اختلافات را بر سر این مسائل متمرکز و روشن کرد. گرفتار شدن در لابیرنت بوروکراتیک که با نندنگهدار بر سر راه این مباحثات می گذارد تنها به ادا مباحثات نیمه جان فرمیسم باری میرساند و تلاش و گنبدیدن آن را در دناک ترمی کند. دمل را با بدیا نیشتراکند، مکن دوا ی درد نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر ما، طسرح مبارزه ایدئولوژیک علنی، اخصاص ستونهای بحث در ارگانهای مرکزی، تمرکز بر روی اساسی ترین مسائل انقلاب، بررسی علل شکستها و تسویه حساب رادیکال با این گذشته و طرد رهبرانی که نقش تعیین کننده در این روند داشته اند، تنها اسلوب ممکن پیشبرده مبارزه در مقطع فعلی است. تا زمانی که اپوزیسیون جنس نگیرد و عملا خود را تابع تاکتیکی و امسال رهبری بکند، لاجرم، خود را با رهبران خائن در یک ردیف قرار داده است. وظیفه انقلابی عنا صر و جریانات ما دقی که قصد تصفیه حساب رادیکال و انقلابی با گذشته ننگین اکثریت دارند، دامن زدن به این مبارزه علنی، طسرح آشکار نظرات خود و گسست از این بینش فرمیستی است. جز این هراهی کج راه است.

پایان

- ۷- نام تشکل های دانشجویی، خودشان دهند که گرایشات رادیکال در میان دانشجویان می باشد. مهمترین تشکل های دانشجویی عبارتند از: "مبارزه برای توده ها و دموکراسی"، "مبارزه برای خوداتکافی و دموکراسی"، "فدراسیون ملی برای شوراهای دانشجویی" و "فدراسیون دانشجویی برای توده ها و دموکراسی".
- ۸- در رابطه با مواضع آمریکا، مراجعه شود به "قطنا مه جهان سوم"، همان شماره، و مجله "فارین افیرز"، مقاله "گره: تناقض آسیای"، اوت ۱۹۸۷
- ۹- "قطنا مه جهان سوم"، منبع فوق.

- ۱۹۸۵۰۴
- ۳- س. ای. ا. و نندکیم، "گره جنوبی" در ۱۹۸۶: تدارک برای انتقال قدرت"، مجله "بررسی های آسیای"، ژانویه ۱۹۸۷
- ۴- ها جن کو، "تغییر ساختار...".
- ۵- لوموند دیپلما تیک، آوریل ۱۹۸۶ و کیم چونگ - سیک، "گره جنوبی، مردمانی که در اعماق جامعه زندگی می کنند"، مجله AMPO، چاپ ژاپن. گزارش بسیار زنده است از زندگی کارگران.
- ۶- تبس شوروک، "مبارزه برای دموکراسی در گره جنوبی در سالهای ۱۹۸۵، موج فدا آمریکا"، مجله "قطنا مه جهان سوم" اکتبر ۱۹۸۶، حساب آمریکا، عمده اخبار سیاسی، از این مجله گرفته شده است.

- ریشه ها و چشم اندازهای... نباله از صفحه ۸
- می دهد، با اینهمه، گرایشات چپ در میان طبقه کارگر و روشنفکران دموکرات، روجه تقویت است. با قرار گرفتن طبقه کارگر در صف مقدم مبارزه برای دموکراسی، ممکن است بسیاری از معادلات سرعت دگرگون شود. پرولتاریا در وسط صحنه قرار گرفته است!
- منابع:
- ۱- لوموند دیپلما تیک، آوریل ۱۹۸۶
- ۲- ها جن کو، "تغییر ساختار طبقه ای گره"، مجله "بررسی در تحرک و لایه بندی اجتماعی"، شماره

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



عملیات مشترک پیشمرگان

سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر و چریکهای فدایی خلق ایران

در منطقه پیرانشهر

حمله به پایگاه ژاندارمری "چه کو"

در تاریخ ۱۴/۶/۶۶ یک دسته از پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و پیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران با شناسائی و طرح قبلی به طرف پایگاه ژاندارمری چه کو در محور سردشت پیرانشهر می باشد حرکت نمودند.

پیشمرگان پس از استقرار در حوالی پایگاهها در دو دسته در ساعت ۹ شب تهاجم قهرمانانه خود را از چند متری پایگاه و از کنار رسمهای خاردار اطراف آن آغاز کردند. با شلیک موثری از طرف مورتورخانه پایگاه دسته ای دیگر از پیشمرگان آتش همه جانبه ای را بر روی پایگاه گشودند.

مزدوران مستقر در پایگاه در پایان حملات بی دربی پیشمرگان با تیربار، قناره، نارنجک انسداده، آبی جی و انواع سلاحهای دیگر سنگرهای پیشمرگان را زیر آتش گرفتند. پیشمرگان پس از عقب نشینی موقت با آرایش دیگری مجدداً پایگاه را زیر آتش سلاحهای کوبنده خود قرار دادند.

طی این عملیات که نیم ساعت طول کشید تلفات و خسارتی به پایگاه وارد آمد که از میزان دقیق آن اطلاعاتی در دست نیست و در تمام مدت عملیات جا شناخته چند کونیزا زنی حمله پیشمرگان بی هدف شروع به کوبیدن منطقه نمود.

- سرنگون با درژیم جمهوری اسلامی ایران !
- برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق !
- پیروزی با مبارزات عادلانه خلق کرد !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۲۲ شهریور ۶۶

کمین مزدوران در هم کوبیده شد

در نیمه اول شهریور، رژیم جمهوری اسلامی، نیروی بسیار زیادی از مزدوران با اصطلاح گروه ضربت خود را که شامل پاسداران و جاسوهای خود فروخته، بوکان، سنقر و آشوبه بودند در روستاهای سیکوس، ترکش، نا و خوارده و کوپرجهت حفاظت از پایگاهها و محورهایی ترده خود در این منطقه مستقر کرده بود.

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و پیشمرگان چریکهای فدایی خلق ایران که برای انجام یک ما موریت نظامی در تاریخ ۱۶/۶/۶۶ به طرف روستای نا و خوارده در حرکت بودند وقتی که ساعت ۸/۱۵ دقیقه وارد روستا شدند با کمین گسترده دشمن مواجه گردیدند. در همان دقیقه اول نیروهای دشمن که بریلند بیجا و بیست با مپای روستا مستقر شده بودند از فاصله چند متری بر روی پیشمرگان آتش گشودند و پیشمرگان سر به جرات تمام با سنگا و عمل را بدست گرفته و با آتش باری خود آتش دشمن را خاموش نمودند و تمام مزدوران را از روستا به طرف پایگاه فراری دادند.

پس از آن، مزدوران به قصد محاصره پیشمرگان با استفاده از آبی جی، خمپاره و تیربار قناره حمله مجددی را به مواضع پیشمرگان سازمان دادند که با مقاومت قهرمانانه آتش باری و تعرض مجدد پیشمرگان ناکام ماند.

بدین ترتیب طی این مقاومت پیشمرگان از فاصله بسیار نزدیک و رویا رویا بر تان نارنجکهای دستی و رگبار مسلسل های خود دشمن را در انجام مقاصد خود ناکام گذاشتند.

پیشمرگان در پایان این درگیری که مجموعاً نزدیک به ۴۵ دقیقه طول کشید با نهم منطقه عملیاتی تسی را ترک گفتند. در این درگیری حداقل سه تن از مزدوران رژیم زخمی شدند که طبق آخرین اطلاعات دریافتی یکی از مزدوران زخمی پس از چند ساعت به هلاکت رسید، وی یکی از سائین عملیاتی سپاه رومیه بوده است. مزدوران رژیم روز بعد از عملیات به اذیت و آزار اهالی نا و خوارده پرداختند.

- سرنگون با درژیم جمهوری اسلامی ایران !
- برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق !
- پیروزی با مبارزات عادلانه خلق کرد !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۲۲ شهریور ۶۶

فقها در مبارزه با "بدحجابی"

چنین میفرمایند:

"زنان بدحجابی که دستگیر میشوند، ابتدا تذکرات لازم به آنها داده شده و با سیردن وثیقه آنها آزاد گردند، نشریاتی با زبان ساده در اختیار آنها قرار گرفته که موضوع نشریات با بدشرح زیر باشد.

- ۱- محرم و نامحرم چه کسانی هستند؟
- ۲- بدحجابی ویی حجابی چه ضررهای بسیاری دارد؟
- ۳- عقاب آخرتی بدحجابها را از مشاهدات پیاپی میر (ص) در معراج شرح داده شود.
- (حجت الاسلام) انصاریان روزنامه رسالت ۲۲ مرداد.
- و اما مشاهدات پیغمبر در معراج:
- "حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می کنند از امام موحد (ع) و ایشان از حضرت امیر المؤمنین (ع) که حضرت علی (ع) می فرمایند: من وزهرا (س) به نزد پیغمبر اکرم آمدیم، دیدیم که پیغمبر (ص) به شدت گریه می کند، از پیغمبر (ص) سؤال نمودیم که چه موضوعی موجب چنین گریه ای شده است، فرمود: علی جان! شب معراج، زنانی از زنان امت را در عذاب ندیدم نشانم دادند، زنی را دیدم که او را با موی جلوی سرش به دیوار جهنم آویزان کرده بودند، در حالیکه مفرز او ز شدت عذاب در حال جوشیدن بود، زنی را دیدم که او را با زبانش به دیوار جهنم حسا نده و حمیم به گلوی او می ریختند. زنی را دیدم آویخته به سینه خود بود و گوشت بدن خود را می خورد و در میان آتش می سوخت. زنی را دیدم با های او را به سینه بسته بودند و عقربها و مارها را به بدن او مسلط ساخته بودند. زنی را دیدم که او را در تالاب و در تالابوتی از آتشش وی را عذاب میکردند. زنی را دیدم گوشت بدنش را با قیچی آتشی قطعه قطعه می بریدند. زنی را دیدم آتش از دهان و دماغ و چشمهای وی بیرون می آمد و آنچه را که در شکمش بود می خورد. زنی را دیدم سرش مثل سرخوک و بدن او مثل بدن خرو ملائکه با تا زبانه سرش می زدند. حضرت زهرا (س) عرض کرد، پدر جان، گناه این زنان چه بوده؟ حضرت رسول (ص) فرمود: نور چشم من فاطمه جان! آن زنی که به موی سرش آویخته بودند، زنی است که موی سر خود را در دنیا از نامحرم نمی پونا نند آن زنی که بزبان آویزان بود، زنی است که شوهرش از دست وزبان او در امان نبود. آن زنی که به پاهایش آویخته بود، زنی است که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رود. آن زنی که گوشت بدن خود را می خورد، زنیست که خود را زینت می کند و از دیدن نامحرم خود را حفظ نمی نماید. آن زنیکه دست و پایی وی را بسته بودند و او را عقربها را به او مسلط کرده بودند، زنی است که وضو نمیگردد، لباس و خانه اش را از خاکستری پاک نمیکرد و غسل انجام نمیداد و نماز را سیک می شمرد. زنیکه سرش، سرخوک و بدنش، بدن خرو بود، زنی است که سخن چینی می کرد، آن زنیکه آتش از زبانش خارج میشد از آن آوازه خوان بود...
- (خلیفی "روزنامه رسالت ۲۹ مرداد)

حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلقهاست!

عقب نشینی به میان توده‌ها، یا عقب نشینی از میان توده‌ها؟!

سا زمان مجاهدین خلق در بیگانگی مطلق با هرگونه منش و روش دمکراتیک در پی آن است که ایرادگیری و منتقدان خود را مرعوب کرده و اگر نمی توانند آنان را به چاکران جان نشا ررجسوی مبدل نماید، دست کم به خاموشی و خفتان و آوارشان سازد. برای منتقدین داخلی که در جنگ رجسوی با خندا مکانات و بیژهای وجوددارد مثل زندان "مسأله دارها" و "دوره‌های رفع ابهام" اما طبیعی است که از این روشها و وسائل برای منتقدین بیرونی یا مجاهدینی که خارج از تشکیلات رجوی هستند نمی توان استفاده کرد. برای مرعوب کردن منتقدین بیرونی، سا زمان مجاهدین به دو وسیله متوسل می شود یکی تهدید به مجازات در جمهوری با اصطلاح "دمکراتیک" اسلامی و خط و نشان کشیدن با این بیان که: "وای اگر از پس امروز بود فردا شی!"، "دوم، توسل به آثرات و بیعتان ها شی هر چه غلیظ تر و کثرت تر، تا بلکه حریف، از وحشت لجنی که بر سر و رویش پاشیده می شود، خود را از سر راه رجوی کنسار کند. روش سا زمان مجاهدین خلق چنین است: اگر از من انتقاد کنی، خواهم گفت با خمینی "همزبان" هستی! اگر برده از ارتجاعیت من برداری، تورا "متحد عینی ارتجاع" خواهم نامید! اگر برای نشان دادن رجوی به جای خمینی سلحه برنسی خا خواهم گفت با "مبارزه مسلحانه" و با سرنگونی قهرآمیز رژیم خمینی مخالفتی! اگر به برنا مه بورژوازی من حمله کنی، تورا "چپ نمسای فرصت طلب فدا نقلایی" خواهم نامید! اگر دخیل بستن مرا به امیریا لیست ها و خیانت مرا به اهداف فدا امیریا لیستی مردم و انبوهی از مجاهدین شهید مورد حمله قرار دهی، تورا به سخن گفتن با "کدهای امیریا لیستی" متهم خواهم کرد... السخ، ما یکبار برای همیشه اعلام کرده ایم و از تکرار آن خسته نخواهیم شد که توسل رجوی بسبب ترسیم فکری یعنی خط و نشان کشیدن، تهدید به مرگ، انتساب به همدان و همدستی با خمینی یا هر شتمت و افترای دیگر، ما را از بیان حقیقت در باره سا زمان مجاهدین خلق و افشای ارتجاعیت شعار "رجوی، ایران - ایران، رجوی" برای کارگران و توده های مردم زحمتکش، منصرف نخواهد کرد. طبیعی است که سا زمان مجاهدین نیز در قبال این عزم ما با شدت بیشتری به حربه های تهدید و بهتان جنگ اندازد و با استیمال و کلافگی بسبب فحاشی و کلمات غیظ آلود و هیستریک متوسل شود، چرا که برای دفاع از سیاست و برنا مه خود را دیگری و وسیله دیگری در اختیار ندارد. (از کوزه همان برون تراود که دروست).

در تعقیب همین روش "دمکراتیک اسلامی" است که "نشریه اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور" (جایگزین نشریه "ما همد") در شماره ۱۰۴ خود ما را متهم به "جانبداری" از علی - امیر حاج سیدجواد، بیروزی بیقوی و "طرفداران شریعتی" کرده و با توجه به مفت ها شی که بسرا نا میردگان می شمارد (به ترتیب: "عامل فرومایه استعماری"، "منصرخیا ننگار فدا نقلایی که عملا

دست در دست سا واک خمینی دارد" و "کسانی که سرخشان به رژیم خمینی مربوط می شود) نتیجه گرفته است که راه کارگر "تا کجا در خط امیریا لیست و ارتجاع است" احوال چرا ما متهم به "جانبداری" از اینان شده ایم؟ چون گفته ایم مجاهدین درست از همان روش ها شی استفاده می کنند که رژیم خمینی در رابطه با مخالفین خود بکار می بسرد و بر حسب زدن، به شیوه اصلی برخورد آنها با مخالفان و منتقدان نشان تبدیل شده است. ما متهم به "جانبداری" از اینان می شویم، چون از رجوی می برسیم؛ تو که حاج سیدجواد را با خط آنکه آمریکا با او تماس گرفته بوده، "عامل فرومایه استعمار" میدانیم، و او را تا وقتی با در نیفتاد بود رد و نکرده ای؟ تا نیا چرا تلاش می کردی او را و دشواری مقابله و مت کتی؟ و تا لثا اگر تماس آمریکا با کسی از او "عامل فرومایه استعمار" می سازد، تماس تو با همه امیریا لیست ها و زجمله آمریکا و مقایسه حمایت گرفتنت از دست راستی - ترین جناح های او و فاشیت آنها از توجه می سازد؟! رجوی چون جرأت پاسخ به این سئوالات را ندارد برای گریز از پاسخ، ما را متهم به "جانبداری از حاج سیدجواد می کند و یک مبارک "بورژوازی فدا نقلایی چپا و لگر" هم روی مسامی چپا ندان تا بددیگر از این سئوالات رسوا گریز و کلافه کننده نکنیم. اما می گوئیم اگر بیروزی بیقوی دست در دست سا واک خمینی دارد و او را گریز طرفداران شریعتی سرخشان به رژیم خمینی مربوط می شود، چرا اسنادت را منتشر نمی کنی و فقط ادعا می کنی؟ چرا آدمی مثل بنی صدر با آن سابقه رسوا در دوران ریاست جمهوری اش، ما دام که شان به توقیر می داد، آن همه آدم بزرگی بود که از ضرورت "یکار انداختن شناخته شدگی و اعتبار داخلی و بین المللی آقای بنی صدر - سنسوان رئیس جمهور در مسیر برپا شی آلترنا تیفو دمکراتیک" دم میزدی و جان بنی صدر را با آنقدر عزیز بود که می گفتی: "چنانچه خدای نا کرده حادثه ای اتفاق می افتد... دشمن فقط در صورتی به آتسای بنی صدر دست پیدا می کرد که شما بنیاد زوری جسد همه اعضاء سا زمان و بخصوص برادر عضو مرکز است سا زمان و ضمنا هم روی سر خود می گذاشت" (مصاحبه رجوی با "ایران شپهر")، ولی ناگهان از زوری که زان نش به روی تورا زنده خبا شست و پلشتی اوبی بردی؟! سا زمان مجاهدین که خود را در مخمه صدها هزار رگوش منتظر شنیدن با اینگونه پرش ها می بیند، چون تا گزیرا شست از درگیر شدن در این میدان بگریزد، ما نباید در مانندگی (هر چند که با ظاهراتش گرفته و خشمگین) به بیراهه می زند تا اذنان را از سئوالات بی جواب منحرف سازد. از جمله بجای پاسخ به سئوالات ما، فریاد می زند که راه کارگر، بعد از ۳۰ خرداد، "راه بریدگی و تسلیم طلبی و انحلال و عقب نشینی بسبب میان توده ها" را برگزید و این راه، "راه سرمایه داری" بود! راه کارگر، "راه سرمایه داری فسد - انقلابی" و "راه بورژوازی فدا نقلایی چپا و لگر" است!! (نشریه اتحادیه... شماره ۳۴)

شیوه های سا زمان مجاهدین فقط بسبب نیشگون گرفتن از روی استیمال و "جانشین" برای خنک کردن دل خود شباهت دارد تا بسبب برخورد سیاسی، اگر "بریدگی" این تا شکه علقه خود را از سا زمان مجاهدین که پشت به مردم کرده است بریده ایم، و اگر "تسلیم طلبی" این با شکه به مبارزه مسلحانه برای ولایت رجوی دست نزده ایم، بریدگی و تسلیم طلبی را قبول داریم، اما اگر بریدگی به معنی بریدن زارمانهای دمکراتیک و انقلابی، روی آوری به ضد دمکراتیک ترین سیاست ها، برنا مه ها و روش ها، و خست از اراده و اقتدار توده ها، تلاش برای برقراری یک دولست مذهبی و یک ولایت فقیه دیگر، انکار حق خلقها برای تعیین سرنوشت خود، مسابقه ورقاب با رژیم خمینی و بورژوازی و زجمله با سلطنت طلبان در حفظ ارتش جدا از مردم، رقابت برای نجات نظام بهره کشی سرمایه داری، رقابت در کمونیسیم ستیزی و تبدیل شدن به نما یسنده انحصاری بورژوازی باشد؛ و اگر تسلیم طلبی به معنی پرچم تسلیم برافراشتن در برابر امیریا لیست، ابراز اندهات از سابقه ضدیت بسبا امیریا لیست و گدائی حمایت از امیریا لیست ها باشد، آنوقت روشن خواهد شد که راه بریدگی و تسلیم طلبی، راهی است که سا زمان مجاهدین خلق در سراسر شبی با زگشت آن افتاده است. رجوی "عقب نشینی به میان توده ها" را بسبب نیشخندی گیرد و حق هم دارد، زیرا در مقام رقابت با خمینی و رضا پهلوی، نمی توان از بقای کمونست ها در برنا مه توده ها و از ریشه دواندن کمونست ها در میان توده ها خوشنود بود و نمی توان حرکات و اعتصابات دلپره آورکارگران را دید و دچار اضطراب و ضعف اعصاب نشد. رجوی حق دارد عقب نشینی به میان توده ها را بسبب مسخره گیرد، زیرا او راه عقب نشینی از میان توده ها را برگزیده است و در این راه به قسول نشریه اتحادیه، "چپا رنعل" می تازد. عقب نشینی به میان توده ها و عقب نشینی از میان توده ها، آن دوراهی سرنوشت سازی بود که بسبب از سلطه مرکب و تفسیر توان قوا به زیان انقلاب در ۳۰ خرداد، مسیر فاداری به مردم، تنگ تر کردن پیوند با توده ها، سا زمان ندهی مبارزات آنان، و مسیر جدائی از مردم، تبدیل شدن به فرقه ها، بریدن از خواست های توده ها و پشت کردن بسبب مبارزات آنها را در برابر حزب سیاسی قسرا میداد. عقب نشینی به میان توده ها، استقرار اعضاء و هواداران سا زمان ما در محل کار و زیست کارگران و زحمتکشان بود، و عقب نشینی رجوی از میان توده ها، بیرون کشیدن اعضاء هواداران از محل کار و زیست مردم، مسیری که رجوی برگزید، با اهداف وی در انطباق بسبود. اوقصد آن نداشت که حاکمیت توده مردم را سا زمان دهد، بلکه می خواست حاکمیت خود را بر مردم جایگزین حاکمیت خمینی سازد و تنها شیای به سازماندهی مبارزات مردم نداشت، بلکه از آن می ترسید.

در مساله ایران ما حجب نقش هستند ، یک سؤال مهم باقی می ماند که ما زمان مجاهدین خلق با یبدر سرافراک عمومی مردم ایران و چهسان صریحاً به آن پاسخ دهیم. آن سؤال این است: چرا کنگره آمریکا تا به حال یک قطعه مبه به منفع جنبه آزادی بخش ویتنام (به هنگام جنگ ویتنام) به نفع نهضت خلق فلسطین ، به نفع کنگره ملی آفریقا ، به نفع ارتش نوین خلق و حزب کمونیست فیلیپین و یا جنبش "عیر" در نیلی ما در نگرسده است ؟ آیا آنها "باز یگر"ی در تحولات نبوده و در مساله مربوط به کشور خود "ما حجب نقش" نبوده اند ؟ شما در لحظه حاضر "باز یگر" "ترو" "ما حجب نقش" تر از چه می دانستند در مساله نیکارا گوا سوراغ دارید ؟ چرا کنگره آمریکا به حمایت از آن بر نمی آید خیزد و چرا وزارت خارجه دولت ریگان نسبت به آن "بذیرش" نشان نمی دهد ؟ چرا کنگره آمریکا ستاد ارتجاع جهانی است و وزارت خارجه آمریکا که مرکزها زماندهی سرکوب دمکراسی و انقلاب در سراسر جهان است ، برای ما و میمی و یونیتسا (در آنگولا) ، برای رنامو (در موزامبیک) ، برای کنترها در نیکارا گوا و برای مجاهدین افغان قطعاً ما حمایت ما در می کنند و "بذیرش" نشان می دهند ؟ "تحول کیفی" سازمان مجاهدین را با یبدر "بریدگی" اش از مردم و دمکراسی و انقلاب ، و "تسلیم طلبی" اش در برابر امپریالیسم ، و در یک کلام ، در "عقب نشینی" از میان توده ها به نامس ارتجاع و امپریالیسم دانست .

مواضع خنجر... دنباله از صفحه ۱۷

ناگزیر به ما درات با دمجان و قناری رو آورده است ، چه چیزی "عقلانی" تر از این که حکومت بحالی سوراندن "طلای سفید" (هروئین) ، آن را از طریق فروش به دلالان بین المللی یا معاوضه با اسلحه ، تبدیل به احسن کند. هنگامی که آینه جنبه موجودیت رژیم اسلامی در میان است ، برای آغوند ، ظلال و حرام وجود ندارد. در تحقق همین "معامله عقلانی" است که حکومت اسلامی نه تنها هروئین های مبادر شده از قاچاقچیان را رأیاً وارد بازار جهانی مواد مخدر می کند ، بلکه تریاک های بدست آمده نیز ابتدا در لابرا توارای دولتی که در قلب کوپیر احداث شده تبدیل به هروئین می کند و سپس به "معامله عقلانی" اش می رساند ، به این ترتیب حرف آقای هوشیار ، مدیرکل امور نظامی وزارت کشور را با بدبا ور کرد که می گوید: "اقداماتی که (در رابطه با مواد مخدر) در کشورس از پیروزی انقلاب شده ، دقیقاً روبرو تکامل بوده است !"

برای یونان و بهتر زمان ندان همین معاملات "عقلانی" است که رژیم ولایت فقیه دانستل بعنوان سجات قاچاقچیان مواد مخدر افرا د بخت برگشته ای را گروه گروه به جوخه های تیرباران می سپارد و خود را مدافع سلامتی مردم و قهرمان مبارزه با اعتیاد قلمداد می کند. برای مبارزه با اشاعه دهندگان اعتیاد ، قبل از همه باید به حیات سنگین جمهوری اسلامی پایان داده شود و گرنه شکنجه بی رحمانه و اعدام وحشیانه قاچاقچیان خرده پای بدست رژیم ولایت فقیه ، نه تنها شیخ خوریز و سرکوبگر این هولایت مرگ را تیزتر می کند ، بلکه علاوه انحصاری شدن معاملات مواد مخدر و بهتر زمان یافتن آن منتهی می گردد .

نشریه "شورا" ، ما هنا مه شورای ملی مقاومت (شماره ۳۱۵) با اعتراف به "تجدید نظر در موضع وزارت خارجه (آمریکا) نسبت به ما زمان مجاهدین دنبال توفیقی عوا مفریبا نه برای دلائل ایسین تجدید نظری کرد و بهترین توضیح را همسان توفیقی می یابد که "ریچاردمورفی" ، مدیرکل وزارت خارجه آمریکا داده است. وی گفته است: سازمان مجاهدین خلق "باز یگری در ایران امروز" است. نشریه "شورا" دنبال یک "تحول کیفی در سازمان مجاهدین" می گردد که نشان دهد چرا آمریکا که تا دیروز سازمان مجاهدین را تروریست می نامید و از آن برهیزی می کرد ، حالا به مذاکره با آن تن داده است ؟ یا بدهم دنبال چنین تحول کیفی گشت ، اما پاسخ آن برخلاف جواب سفره ای که نشریه "شورا" داده است نه در رفتن رجوی به خاک عراق ، بلکه در نتایج خط عقب نشینی از میان توده ها ، بریدگی از دمکراسی ، تسلیم شدن در برابر امپریالیست ها و جلب اعتماد آنها در رقابت با خمینی و سلطنت طلبان در دفاع از ارگان نظام استعمار سرمایه داری ، لگدمال کردن دمکراسی و کمونیسم ستیزی بوده است . نشریه "شورا" می نویسد: "ریچاردمورفی و وزارت خارجه دولت ریگان ناچار شدند اعلام کنند که ما حجب نقش هستند . . . از آنجا که "باز یگر" دیگری در مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی در ایران امروز وجود ندارد ، این امر به معنای "بذیرش" مجاهدین خلق . . . به عنوان آلترنا تیفور رژیم خمینی هم می باشد . . ."

اگر قطعاً ما ۴۵۴ تنم بنده کنگره آمریکا و "بذیرش" مجاهدین خلق بعنوان آلترنا تیفور رژیم خمینی توسط "ریچاردمورفی" وزارت خارجه دولت ریگان "تنها به خاطر این باشد که"

با یک دست دوهندوانه نمیتوان برداشت!

بنداز جاری شدن سیل اخیر در کشور و از جمله در تهران ، که تلفات جانی و خرابی های عظیمی به بار آورد ، مردم طبق معمول ، حکومت را مقصدانستند که جرابه فکری بیشتری از سیل نبوده و بموقع سدوسیل بند و غیره نساخته است . مردم در جنبین قضاوتی تنها منافع خود را در نظر گرفته و از اینرو بی توجه به مسائل و مشکلات حکومت ، دچار بی انصافی و قدرشناسی می شوند .

درست است که ساختن پیل و سد و لایروبی سیل ها و غیره کار دولت است ، اما دولت لایق و کاردان دولتی است که با توجه به امکاناتی که در مساله را الا هم فراهم کنند و بر اساس اولویت ها اقدام بردارد . حکومت ، بخش اعظم امکانات مملکت را به خدمت جنگ گذاشته است و ناگزیر است امکانات باقیمانده را به مهمترین و حیاتی ترین مساله ای که بعد از جنگ برایش مطرح است اختصاص دهد ، مهمترین مساله از دید مردم - گسه اما به فکر منافع و نیا زمندی های خود هستند - هر چه باشد ، از دید حکومت اسلامی ، عبارتست از خطر جاری شدن سیل مهیب وینیا در انداز مردم ناراتی و عا می و جان به لب رسیده ای که تحت تاثیر دیوهای بیگانه و تبلیغات شرق و غرب قرار گرفته و حاضر نیستند کمیت الهی را برحق حاکمیت خود بتقدیر آسمان را برحق تعیین سرنوشت خود ؛ صلح دمکراتیک را برحکارتحالی ؛ کار را بر بیگاری ؛ نان را بر قحطی و گرسنگی ، و مرگ را بر زندگی ترجیح دهند . برای پیشگیری از این سیل مهیب که از نخستین روز به حکومت رسیدن فقها قطره قطره جمع شده است ، حکومت نیز همانا از نخستین روز تا سیس خود به تدارک و تدبیر برداشته و بویژه در شرایط کنونی تمام امکاناتش را بعد از جنگ - که آنهم در خدمت تحکیم نظام اسلامی است - به احداث و تحکیم سدها و سیل بندها در برابر دریای ناراتی و خشم توده ای که به شکل تهدید کننده و هولناکی هر لحظه بالاتر می آید اختصاص داده است . این همه اقداماتی که برای تاسیس ، تحکیم ، گسترش و تقویت سدها و سیل بندها ؛ کمیته ها ؛ بسیج ؛ ارتش ؛ شهر بانی ؛ ژاندارمری ؛ انجمن های اسلامی در کارخانجات ، ادارات و موسسات گوناگون ؛ با واک اسلامی ؛ ادارات عقیدتی - سیاسی ارتش ؛ گشت های گوناگون از انزال الله تا زیناسب ؛ شکنجه گاهها و زندان ها و غیره صورت گرفته و می گیرند چیستند بجز همان احداث سدوسیل بند ؟ و چیستند بجز هشیا ری حکومت در پیش بینی و پیشگیری از حوادث و بلاها ؟ منتها مردم چون فقط به فکر منافع خود هستند ، اینها را نمی بینند و دچار قضاوت غیر منصفانه می شوند . حکومت سدوسیل بندی سازد ، ولی اولویت ها و اضطرارها را در نظری می گیرد و این چیزی است که مردم به آن توجه ندارند ، با یک دست که نمیشود دوهندوانه برداشت !

دین باید از دستگاه آموزش جدا گردد!

به مناسبت

آغاز سال تحصیلی جدید

دیناله از صفحه ۱

وسطائی، مدارس امروزی را تا سطح مکتب خانه - های قبل از انقلاب مشروطه به عقب بکشاند. مریبان "امور تربیتی" وظیفه دارند که کودکان و نوجوانان را با روحیه حزب الهی بار آورده، آنان را به جاسوسی از خانواده خود و از همسایگان و آشنایان وادارند. انجمن های اسلامی مدارس نیز وظیفه جاسوسی از دانش آموزان و معلمان را بر عهده دارند.

علم ستیزی و فرهنگ زدائی در سطح دانشگاه ها نیز با تمام قوا به پیش برده می شود. پس از سرکوب خونین دانشگاه ها در اردیبهشت ۵۹ و تصفیه دانشجویان، رژیم اسلامی تلاش کرده است دانشگاه را به طلبه خانه عناصرفا داریه خود تبدیل نماید. در راستای این هدف ارتجاعی، فیلم های پان - مذهبی موسوم به "گزینش" و "مباحثه ایدئولوژیک" تهیه شده اند تا با هوش تریستن و درس خواننده ترین دیپلمه ها نیز که با نمرات عالی در کنکور قبول می شوند، مدام که به لحاظ مذهبی و سیاسی مطلوب حکومت نباشند، نتوانند وارد دانشگاه شوند. علیرغم این نظام گزینش و مباحثه های ایدئولوژیک، با وجود فشار پلیسی انجمن های اسلامی بر دانشگاہا، هنوز فنان سران رژیم از روحیه مقاومت در دانشگاه ها بلنند است. اخیرا شورای عالی انقلاب فرهنگی طرحی تهیه کرده است که بر طبق آن کسانی که از مراحل گوناگون کنکور عمومی، کنکور تخصصی و "گزینش" قبول می شوند، به مدت شش ماه "دانشجوی موقت" تلقی شوند تا در این مدت سوابق زندگی، عقاید و روابط آنها مورد تحقیق سازمانهای اطلاعاتی قرار گیرد و رفتارشان در دانشگاه نیز زیر نظر انجمن های اسلامی و دیگر نهادهای پلیسی مستقر در دانشگاه باشد؛ و به این ترتیب قطعیت پذیرش آنها بعنوان دانشجوی، به نتیجه تحقیقات و مراقبت های پلیسی شش ماهه موکول گردد.

ممنوعیت تحصیلات عالی در بسیاری از رشته های فنی، علمی و هنری برای دختران؛ فشار مذهبی بر اقلیت های مذهبی در مدارس، و مواضعی که نظام گزینش و معیارهای مذهبی بر سر راه ورود دیپلمه های متعلق به این اقلیت ها به دانشگاه ها ایجاد می کند، جنبه های مهم دیگری از سیاست ارتجاعی آموزشی رژیم اسلامی اند. رژیم اسلامی برای آنکه جا معه را به دوران بربریت و جهالت هزاره تمدسال پیش برگرداند، نه تنها از زندان و شکنجه و اعدام، بلکه همچنین از روشهای مغزی استفاده میکند. در میان وسائلی چون رادیو، تلویزیون، منبرها و مطبوعات و سینما و غیره که برای ترویج خرافات و ایدئولوژی حاکم مورد استفاده رژیم قرار می گیرند،

نظام آموزشی (بویژه در مدارس) از همه مؤثرتر و برای آینده جامعه خطرناک تر است. رژیم مذهبی حاکم که در راه مگردن و به زانو درآوردن نسلهای کنونی با مقاومت های جدی روبرو شده است با جنگ انداختن بر نظام آموزشی و تلاش برای تسخیر ذهن کودکان و نوجوانان، قصد دارد تا بلکه نسل های فردا را تسخیر کند و بدین وسیله آینده را از آن خود سازد. در تلفیق دین با نظام آموزش، علاوه بر تمام تبییضات و اجافات غیر انسانی که به بار می آورد، خطر عظیمی برای آینده کشور نهفته است. اگر نتشوی مغزی مردمی که پیش از حاکمیت رژیم مذهبی آموزش دیده اند و علوم و فرهنگ دنیای معاصر را تحقیر کرده اند، در زیر سایه فکریشان رسوب کرده است کار دشوار و کمر نتیجه ای است، برگردن مغزیکرولوح ناشسته ذهن کودکان و نوجوانان با خرافات و اعتقادات ارتجاعی و قرون وسطائی کاری است بسیار آسان، کسه زدودن دوباره آنها در آینده، از دشوارتر است. کارها خواهد بود. رژیم اسلامی از طریق تلفیق دین با نظام آموزشی، بصورتی نقشه مند، گسترده و عمقی، به تلبه سازی نسلهای آینده کشور می پردازد. رقم یازده میلیون دانش آموز (از جمعیت پنجاه میلیونی) که در نظام آموزشی رژیم قرار دارند، ابعاد فاجعه را نشان می دهد. کودکانی که در سال انقلاب به مدرسه رفته اند، در سال تحصیلی جدید در کلاس دوم نظری (کلاس دهم) درس می خوانند و دو سال دیگر که وارد دجا معیه یا دانشگاه ها شوند، خمیرنیکل گرفته در یک دوره کامل آموزشی این رژیم خواهند بود؛ و این خطر برای آینده کشور، بمراتب عمیق تر و گسترده تر از سرنیزه و شکنجه و اعدام است.

رژیم اسلامی در تسقیب سیاست جنسک - افزو زانه خود نیز که تا کنون صدها هزار تن از جوانان کشور را قربانی گرفته است، حساب ویژه ای روی دانشگاه ها و بویژه مدارس با زکرده است. در شرایطی که نفرت و انزجار عمومی فرار از جبهه ها و فرار از سربازی را چنان گسترده ساخته است که رژیم مجبور شده است سیاست تعقیب و دستگیری جوانان در سینماها، حمامها، گاراژها، غذاخوریها، خیابانها و غیره را در پیش گیرد، مدارس و دانشگاه ها به راحت ترین وسیله در دسترترین شکلی جوانان را در دسترس و در اختیار رژیم قرار می دهند تا از آنان بعنوان گوشه دستوب در جنگهای ارتجاعی بخاطر دور اسلام استفاده کند. وزرای آموزش و پرورش و آموزش عالی معاننان جنگی دارند. در تمام مدارس و دانشگاهها دوایر جنگی دایر شده است. رژیم اسلامی با انواع ترفندها دانش آموزان و دانشجویان در حال

تحصیل را از کلاسهای درس به سنگرها می کشاند. طرح های "دانشگاه در جبهه"، "پاسدار دانش - آموز"، خدمت اجباری چند ماهه دانشجویان در جبهه ها، فرستادن دانش آموزان به اردوهای نظامی تابستانی و نظایر این طرح ها، و سرانجام، وارد کردن آموزش نظامی به برنامه درسی مدارس کشور، معنائی جز این ندارد و بلکه رژیم اسلامی مدارس و دانشگاه ها را نه فقط به مکتب خانه و طلبه خانه، بلکه در عین حال به تله های سربازگیری و به پادگانهای آموزش نظامی تبدیل ساخته است. قهر فروشی بی شرمانه وزیر آموزش و پرورش به اینکه: "بسیاری از بسیجیان حاضر در مناطق جنگی کشور را نیروی دانش آموزی تشکیل می دهند" سیاست جنایتکارانه رژیم را در مورد نوجوانان کشور به نمایش می گذارد. اما عمق تبیهکاری رژیم اسلامی در آن است که به آدمکشی و قربانی کردن نوجوانان و نوجوانان در جنگ ارتجاعی اکتفا نکرده بلکه می کوشد آنان را از کودکی با تبلیغات و آموزش نظامی، جنگ طلب و آدمکش با رآوردن از این راه ذخایر لازم برای جنگ افروزی ها و کشورگشائی های آتی خود فراهم آورد.

علیرغم اهمیت فوق العاده ای که رژیم به بهره برداری از مدارس در جهت هدف های مذهبی و جنگ طلبانه خود قائل است، بودجه ای که برای آموزش و پرورش اختصاص می دهد، در مقایسه با بودجه رسمی جنگ و بودجه دستگاه های سرکوب، قطره ای در برابر دریاست. رژیم اسلامی ادعاسا می کند که از مدارس شهری نمی گیرد، اما عملا بسا تحصیل هزینه های مختلف به خانه ها از اساتید و شیشه پنجره و نیمکت گرفته تا بخاری و نفت و گچ، بخش بزرگی از بودجه آموزش و پرورش را برگرداند مردم می گذارد. انجمن های خانه و مدرسه کسه با یستی ابزار دمکراتیک نظارت و مداخله وال دین در آموزش فرزندانشان باشند، عملا به محصل جیب سیری از والدین دانش آموزان توسط دولت تبدیل شده اند. در حالی که دهها نشریه متعلق به نهادهای مختلف سرکوب و حوزه های علمیه، صدها هزار جلد کتاب دعا و کتب دینی و میلیونها پوسترننگی تبلیغاتی ارتما و بیرحمیتی و منتظری گرفته تا تبلیغات جنگی چاپ و منتشر می شوند، کتابهای درسی دانش آموزان به بیانه کمبود کاغذ چاپ نمی شوند و وزارت آموزش عالی اعلام می کند که "۱ سال به علت نبود کاغذ نتوانستیم حتی یک شتر از کتابهای پزشکی را چاپ کنیم". دفتر مودا خود کاغذی را ب و گران می شوند که معلمان از دادن مشق و تمرین به دانش آموزان صرف نظر می کنند...

پدران و مادران! برای نجات فرزندان خود از جنگال رژیم مرتجع و آدمکش به پا خیزید! دانشجویان و دانش آموزان! در مقابل به تبدیل مدارس و دانشگاه ها به مکتب خانه و طلبه خانه و سربازخانه، دست به دست هم دهید! اصول شعاع محوری جدائی دین از نظام آموزشی متشکل بقیه در صفحه ۲۷

جدائی دین از دولت نخستین اصل دمکراسی است!

بحران اقتصادی و ... دنباله از صفحه ۵

مذکور به منابع سیستم بانکی، رشد نسبتاً سریع تسهیلات اعطائی بانکی به بخش خصوصی، همدف سیاست پولی و اعتباری در زمینه محدود نمودن شرح رشد نقدینگی در دوره مورد بررسی تحقیق نیافت و مانده آن در پایان سال مورد گزارش بسا ۱۹/۱ درصد رشد در مقابل ۱۳ درصد سال ۱۳۶۴ به حدود ۱۰۷۲۲ میلیارد ریال رسید. تسهیلات اعطائی خصوصی به بخش خصوصی با رشدی معادل ۱۴/۶ درصد به حدود ۵۸۲۳ میلیارد ریال رسید. (کیهان ۷ شهریور ۶۶)

این است نتیجه اقتصاد اسلامی. اکنون اقتصاد ایران با بورژوازی نیرومندتر از دولت روبروست. بورژوازی که یک تریلیون هفتصد میلیارد تومان نقدینگی، معادل بیش از ۵ سال بودجه کل کشور در موقعیت سال ۱۳۶۵، در دستهایش متراکم است. بورژوازی با این پول چه میکند و آیا عملیاتش را دور از چشم دولت و به شیوه ای خلاف قوانین جمهوری اسلامی انجام میدهد؟ بیساختار دولت با او در انجام معاملاتش همکاری میکند و بیای زوی عمده دولت است در حفظ اقتصاد جنگی و غارت توده محروم؟ این مسأله ای است که اکنون باید به آن بپردازیم.

گمبورد ریال

ورشد نقدینگی سرمایه دار

بررسی وجوه ریالی بودجه کل کشور، بهما نشان میدهد چرخ اقتصاد مملکت چنان میگردد که تا روز "رفع تنه در عالم" یعنی تا وقتی که رژیم جنگ طلب برجای باقی است، آن بخش از ادواتی مملکت که در آتش جنگ سوزانده نشده، به کیسه سرمایه داران سرشار میشود. اما بررسی وجوه ریالی بودجه تنها جزئی از حقیقت را نشان میدهد. اقتصاد که تقریباً همه قوه تولیدش، متکی بر دلارهای نفتی است و با تمام تا روپود خود بیس سرمایه داری جهانی وابسته است، با سرمایه ارزی اش محک میخورد نه درآمدهای ریالی. بیس کارگران و زحمتکشان، میتوان اسکناس بسودن پشتوانه پرداخت کرد، اما صادرکنندگان اسلحه و کالا فقط ارز در ازای اجناسشان تحویل میگیرند، برای ۲۵٪ هزینه های تولید صنعتی کشور نیز باید از پرداخت، خود مسئولان کشور میگویند اقتصاد کشور بر اساس یک ارزی ۲۵-۱ میلیارد دلار استوار است. همه این ارزیها از فروش نفت بدست آید. حال آنکه حتی در سال ۶۲، یکسی از سالهای رونق فروش نفت، درآمد نفت ۲۴ میلیارد دلار است که در سال ۶۳ به ۱۹، در سال ۶۴ به ۱۵/۵ میلیارد دلار میرسد. این درآمد در سال ۶۵ به علت سقوط قیمت نفت و دلار ناگهان بیس ۶-۷ میلیارد دلار سقوط میکند (کیهان ۱۰ تیر ۶۶)

با این رقم دیگر هزینه های جنگ را نمیتوان تامین کرد، چه رسد به واردات ۶ میلیارد دلار صنایع و حداقل ۱۰ میلیارد دلار کارگاههای مصرفی. بحران دیگرانکار کردن بود و چاره سسای رژیم اقدامی بود مثل همه اقدامات رژیم اسلامی بی باقیه و منحصر بفرد در تاریخ: قطع شریان نفت از گلوئی اقتصاد و سرمایه وابسته به نفت، رژیم گسه ادا مه جنگ جنون آمیزش را وظیفه ای الهیسی

میشورد، همه ارز حاصل از نفت را بخدمت جنگ جنایت بارش گرفت و برای اولین بار به آرزوی دیرینه ملت جامعه عمل پوشانید! اقتصاد بسودن نفت فقط به شیوه ای همانقدر ارتجاعی که قبلاً به آرزوی دیرینه ملت برای آزادی و استقلال جامعه عمل پوشانیده بود! یعنی استقلال، آزادی و اکنون نفت همه در خدمت استقرار قدرت ولایت فقیه (برای توضیح مفصل این اقدام جنایتکارانه مراجعه کنید به شماره های ۳۲ و ۳۹ و ۴۰ کا و گز).

عمق جنایت رژیم وقتی آشکار میشود که توجه کنیم کل ارزش صادرات غیر نفتی ایران در سال ۱۳۶۲ جملاً ۳۱۰۱۸ میلیون ریال بوده است که ۱۹/۹ درصد حجم صادرات خارجی کشور را تشکیل میدهد. "اقتصاد خودکفا" قرار است با ارز حاصل از آن، وارداتی حداقل (اگر ما خذ را سال ۶۲ بگیریم) به ارزش ۱۶۰۰ میلیارد ریال را تامین کند (ما خذ ما - سالنامه آماری ۶۲)

این در واقع به یک شوخی بیشتر شبیه است... در واقع رژیم به چاره دیگری میاندیشید: بیش از یک تریلیون تومان نقدینه بخش خصوصی، وساطت "بازاریان محترم" (برای نجات اقتصاد جنگی ضروری افتاده بود، این دیگر یک "تکلیف شرعی" بود. قرار شد بازاریان بعنوان واسطه بین بازار کالای خارجی و مصرف داخلی قرار گیرند، رژیم تسهیلات قانونی و اعتبارات لازم برای این کار را خود فراهم میکرد. کاری که از همان سالهای آغاز جنگ و افزایش سرمایه و رمخارج آن و در نتیجه گمبورد پیدا رزبند ریج آغاز شده بود. اکنون صورت قطعی و کامل مییافت. برخی از این اقدامات از این قرار بود:

- در بهمن ۶۱، ورود ارز به میزان از سوی رئیس کل بانک مرکزی آزاد شد. با این ترتیب رژیم به دلالت و بازرگانان امکان تحصیل ارز برای معاملات خارج و داخل را میداد.

- دولت با تشویق ارزی بمیزان ۱۱ درصد نرخ ارز ما در اثنای را بالا میبرد. به این ترتیب ارز ما دونه رخ پیدا میکند.

- از سال ۶۴ دولت تسهیلات لازم برای وارد کردن و معامله روی ارز آزاد را فراهم کرد با این ترتیب که ارزهای حاصل از صادرات غیر نفتی توسط دولت با شرکتهای ترجیحی خریداری میشد. بازرگان معادل ارزش کالای صادر شده بیمه ان نامه ای مبنی بر تعهد با زکشت ارز حاصل از فروش آن می سپرد و ارز حاصل از فروش این کالاهارا که به صد قلم می رسید رسماً وارد میکرد. بدینوسیله است این ارزشگزین شیکه با نگی فروخته نمیشد و تماماً وارد بازار آزاد میشد.

- دولت اجازه داده که هر کس با ارز آزاد تسهیل میزان صدهزار ریال کالا وارد کند. این واردات که به کالاهای شناسنامه ای مشهور شده بازرگانان اجازه داده از طرف افراد مختلف، هر نوع کالای بنجل را به قیمت ارز آزاد به بازار عرضه کالا وارد کنند. بطوریکه واردات شناسنامه ای بصورت رشته اصلی فعالیت بخش خصوصی درآمد، دولست هم وارد میدان شد و برای اینکه سهم خود را از این دادوستد بیرون ببرد، سود بازرگانی کالاهای وارد شده را دو برابر کرد و پنج درصد مالیات با بستن ترخیص کالا در یافت کرد که بدینوسیله است تمام آن را بازرگان روی قیمت کالا می کشید. (کیهان

تیر ۶۶)

- از سال ۶۳ دولت به بازرگانان اجازه داد در ازای ارز ما در اثنای، رأساً کالاهای شخصی را وارد کنند و یا آتراه وارد کنندگان مجاز منتقل نمایند (حق انتقال ارز).

- در سال ۶۵ سال کذاشی سقوط بهای نفت - دولت تعداد کالاهای مجاز وارداتی در مقابل ارز ما در اثنای را به ۸۰ هزار قلم رساند. یعنی رسماً بازرگانان را زیر پوشش ارز آزاد قرار داد. ورود کالا بدون انتقال ارز در این سال نقطه پایانی بود برای تشبیت نرخ اجناس بر مبنای دلار در بازار آزاد. با این ترتیب دولت سیستم دو نرخی را تصویب کرد. نرخ دلار که رسماً ۸۰ ریال قیمت گذاری شده، از این طریق معادل ۱۰۰۰ ریال در بازار آزاد تشبیت میشود و یا به محاسبه قیمت - های تولید و فروش در داخل قرار میگیرد و با زرگان شرعاً مکلف میشود کالاهارا که دیگر دولت قدرت خرید آن را ندارد، با ارز آزاد تهیه کند و بیس از ر ببرد. در سال گذشته که سیستم دو نرخی کالاهای در بازار تشبیت شد، ریال بکلی نقش خود را در معاملات عمده از دست داد و دلار تحت عنوان محاسبه "ارزی - ریالی" پایه معاملات داخلی قرار گرفت. تا ابتدا نگاه در سال گذشته کارخانجات که رسماً موظفند ۱۰-۱۵٪ کالای خود را به تعاونیها بدهند، حاضر نشدند در مقابل "وجه ارزی - ریالی" کالاهارا به تعاونیها تحویل دهند!

دیگر بازرگانان در بازار ما دله فعال ما بشاء میشود و با مسئولیت اسلامی، تکلیف شرعی خود را به انجام میرسانند و نقدینه خود را واسطه کالای غرب و بازاریار تشنه ای میکنند که شریان نفت آن قطع شده است و دیگر با دلارهای نفتی نمیتوان آنرا تامین کرد. زیرا دلارهای نفتی در تنور جنگ ریخته و سوزانده میشوند تا آتش اسلام ارتجاعی درخا و رشیا نه زنده بماند! بدینوسیله است با نگاهی کشور هم برای اینکه بازاریان بتوانند تکلیف شرعی خود را بصورت انجام دهند اعتبار لازم را در اختیار آنها قرار میدهند. آتوقت علی کفاشیان کارشناس بانک مرکزی، محسن نوربخش مدیر کل سابق بانک را مورد شمت قرار میدهد:

"رشد مجاز تسهیلات بانکی در سال ۶۵ رقمی حدود ۹۷/۷ درصد تعیین میشود، رشد اعتبارات بخش خدمات و بازرگانی مفرد درصد تعیین میگردد، اما آنچه در عمل اتفاق می افتد صرف نظر از تجاوز از حدود مجاز، در بخش خدمات و بازرگانی ساله آنحنان میشود که در بزرگترین بانک تجاری کشور شد تسهیلات اعطاشده در بخش فوق الذکر به مرز ۹۰ درصد میرسد و این امر دقیقاً یعنی چاق تر شدن چاقی و سوق دادن اقتصاد به سمت امورداللی و کارهای از این قبیل است..." (کیهان ۲۲ تیر) این آقای کفاشیان دیگر نمیگوید که اگر دولت و بانک مرکزیش دلال بین کالای غریبی و بازرگرسنه ایران نگاهارد، اقتصاد بدون نفت آقای میرحسین موسوی، چگونه قوت لایسوت شکم گرسنه مردم ایران برساند؟! لسته مسال کفاشیان معتقدند دولت خودش میتواند این دلالی را بسپارد بگیرد. این مسالهای است که گمی با شین تر به آن خواهیم پرداخت. عجلت با جواب دندان شکن آقای "اجدی" معاون وزارت امور

های انجمن های اسلامی بازارمجمع و کمیته های امورصنعتی، شورای مرکزی اصناف...، بنی سیاست گذاری اقتصادی درکشور را در دست دارند. و از درون شورایی قضااتی نیز شروع اعمال فشار بر خود را خنثی میکنند و با لایحه زهمه شورای نگهبان بر صدر مجلس نشسته و از گنجینه های آنها محافظت میکنند. تنها در سال گذشته شورای نگهبان چندین طرح دولت برای نظارت بر امور بازرگانی، از قبیل ارجاع مسئولیت تا میسین و توزیع به وزارت بازرگانی، نظارت هیئات وزیران بر امور بازرگانی، ایجاد واحدهای تامین و توزیع، تعیین ناظر دولتی بر امر تجارتی را رد کرد. لایحه مجازات متخلفان که از ظرف ۵۴ ماه آینده امضا شود با تغییراتی سه بار در مجلس تصویب شد، هر سه با رتوسط شورای نگهبان مغایر قوانین فقه اسلام تشخیص داده شد.

ثالثا، سرمایه داران خصوصی در داخل کشور دیگر حتی نیازی به بانگهای کشور ندارند. در حقیقت بانگهای درمانده دولتی دیگر قدرت رقابت با سرمایه خصوصی را در بازار داخل ندارد و آنها امور خود را رأی از طریق صندوقهای قرش الحسنه و منابع اعتباری شخصی انجام میدهند.

با تکیه بر چنین اهرم های اقتصادی نیرومندی، بیروروازی بازار در میدان جلولان میدهد و برای نقدینه خود سود فرا هم میکند. علاوه بر سودهای شرعی حاصل از مقررات بازرگانی دولتی، به احتکار و جعل و گران ترفروشی دست میزند. ۲۲ قلم کالای اساسی را که دولت از شمول "اقتصاد دینوی جنگی" معاف کرده و با مطلق با بت آن سوسید میدهد تا شکمهای گرسنه ایسان داشته باشند، از شبکه توزیع دولتی خارجی کسریه و وارد بازاریا میکند...

از طرف دیگر، کار دبه استخوان مردم رسیده است. شاخص بهای کالاها ماه به ماه و هفته به هفته بالامیرود:

"در تیرماه سال ۶۵ رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی مردم سیر صعودی خود را با شدت بیشتری آغاز کرد. نرخ این رشد در شهریورماه سال ۶۵ به ۱/۹ درصد، در آبان همان سال به ۲۷/۱ درصد رسید و در آذرماه سال ۱۳۶۵ شاخص عمده فروشی ۲۹/۹ درصد رشد نشان داد." (کیهان ۲۲ تیر ۶۶) در حالیکه "شاخص مزد و حقوق سرانه" واقعی حدود

عدم تعادل هاست - لازم است باین نکته اساسی توجه نمائیم که نقدینگی مزبور - در مقیاس قابل توجهی که اکنون دارد، فی نفسه بخش متراکم و مهمی از بس انداز ملی است که بسیاری از کشورهای جهان سومی تنها آرزوی بخشی از آن را دارند و "وجود نقدینگی بخش خصوصی بمقیاس فزاینده در شرایطی که دشواریها و مشکلاتی در راه توسعه فعالیتهای تولیدی... وجود دارد، بطور طبیعی سرمایه های آزاد را به سوی توسعه فعالیتهای خدماتی "مخصوصا بازرگانی" سوق داده و میدهد و تا زمانیکه این موانع وجود داشته باشد و ریسک بکار انداختن سرمایه در بخشهای تولیدی بلند مدت بسیار زیاد و آن فعالیتهای کوتاه مدت خدماتی "مخصوصا بازرگانی" فوق العاده کم و ناچیز باشد انتظار تغییر موضع چندان منطقی بنظر نمیرسد." ("تورم - علل - عملکردها و...") انجمن مدیران صنایع - خرداد ۶۴) این است زبان حال سرمایه. در سرمایه داری سرمایه حقی دارد که خدشه ناپذیر است. بیش از یک تریلیون تومان سرمایه خصوصی، سود میخورد، حال که تولید کنندگان از هم پاشیده است، ما آثار تجارت بیرون میکشیم. بیخود بر پرزنتز نیکه منطقی بنظر نمیرسد! این جواب نه تنها برای جناح خط امام، بلکه همچنین برای مدافعان سابق خط امام که هنوز هم سنگ تجارت ملی را بر سینه میزنند، بسسی آموزنده است. در این شرایط بحرانی، دولتست فقط برای آنکه خود بعنوان دلال عمل کند - نه اینکه به قیمت سوسیا لیم سمت گیری کند - حداقل باید یک تریلیون نقدینه سرمایه خصوصی مصادره شود؟ وگرنه این زالوها با درد دست داشتند - "پس انداز" ملت، با بیعبارت دیگر سرمایه ای که از حقوق مردم محروم بیرون کشیده اند، بنی با بازار را در اختیار خواهند داشت. آیا جناح خط امام حتی تصور چنین عمل خلاف اسلامی را بخود راه میدهد؟ گفتیم که آنها در دوطرف جسیوی ایستاده اند!

ثانیا، صاحبان این سرمایه چندان بسی پشت و بنا هم نیستند. در اینجا مجال آن نیست که ما میزان نفوذ و اعتبار بیروروازی تجاری را در زیر ولایت فقیه شرح کنیم. آنها نه تنها در تمام ده های قانونگذاری، اجرائی و قضائی ولایت فقیه نفوذ دارند بلکه از طریق شبکه گسترده ای از نهاد های اقتصادی از قبیل اطاق بازرگانی، شورا های مرکزی اصناف، انجمن مدیران صنایع، اتحادیه -

اقتصادی و دارای اجتناح خودکفایشان را به ایشان تحویل میدهم:

"ما در تمام سالهای که کسری بودجه داشته ایم این مساله را بررسی کرده ایم که آیا با بدسیاست کسری بودجه را تعقیب کنیم و یا اینکه سعی کنیم کسری بودجه را کاهش دهیم و بدسیاست خود اکتفا نکنیم (یعنی بعضی واحدهای دولتی را تعقیب نمائیم - یعنی کالاهای مورد نیاز آن را با ارز آزاد بخریم و محصولاتش را به قیمت ارز آزاد بفروشیم)، اگر کسری بودجه راه حل دوم یعنی سیاست خود اکتفا نیستی واحدهای دولتی را دنبال کنیم... در برابر این سؤال قرار میگیریم که آیا آثار تورمی کسری بودجه مناسب است یا افزایش قیمت بعضی از کالاها و خدمات که دولت ارائه میکند، بهر حال، اثر تورمی کسری بودجه را کمتری دانیم تا آنکه بخواهیم مستقیما قیمت ها را افزایش دهیم." (کیهان ۲۹ مرداد ۶۶)

معاون وزیر مزور، با اینکه حرفهایش را در زوروق می پیچد، ولی صاف وساده میگوید اگر "بایعنی" بازاریان محترم، اگران بفروشند، "اثرش" یعنی عواقبش، برای ما بهتر است تا آنکه خودمان گران بفروشیم!

دوجناح رژیم

بر سر لجاجت ملانزاع میکنند

با قطع سهمیه ارز نفت از اقتصاد کشور، دست دولت جهت بازگردن اعتبار برای بازاریان با زشد. همان چیزی که در گزارش فوق الذکر هفته دولت از آن بعنوان ما زاد موازنه ارزی نام برده شده - این "ما زاد" تماما در اختیار سرمایه داران قرار گرفت:

"گفتنی است که تشویق های ارزی دولت برای بالابردن صادرات غیر نفتی بالابود. بطوریکه در سال ۶۴ حدود ۸۰ میلیون دلار برای تشویق به بخش خصوصی داده شد... ما در کنگندگان در هفت ماه اول سال ۶۵ در مقابل صادراتی که جام دادند ۱۸۰ میلیون دلار کالا وارد کردند و باین ترتیب ارز را به ریال و پول تبدیل کردند... در سال ۶۵ بخش خصوصی ۵۰ میلیون دلار در رقابت ارز صادراتی سود برد که اگر تعداد کل ما در کنگندگان و وارد کنندگان را هزار نفر بدانیم هر نفر ده میلیون تومان سود برده اند." (کیهان ۲۷ مرداد ۶۶)

طرفداران جناح دولت میگویند تجارتی چنین پرسود را چرا خودمان بعهده نگیریم؟ یی دعوائی قدیمی است بین دوجناح رژیم، ولی اکنون که جنگ ته مانده در آمد ملی را به آتش سیرده و سقوط قیمت نفت دولت را در بحران فرو برده است، آتش این جنگ تیزتر شده است. در پاسخ این سؤال گذشته از جواب معاون وزیر فوق و مساله عواقب کار سرمایه داران خصوصی هم پاسخ های قانع کننده ای دارند:

اولا: زبان اقتصاد دانه هم بآنها است و سرمایه داران باطمینان خاطر نشان میکنند: "قبل از اینکه وجود نقدینگی بخش خصوصی را عامل بروز عدم تعادل های مالی، اقتصادی و اجتماعی بشمار آوریم - که خود نتیجه بروز



از آهنگر در تبعید

با گرانفروشی "مرغ که در چند ماه گذشته به وفور در بازار آزاد موجود بود و به قیمت هر کیلو ۷۵ تومان بفروش میرسید، در روزهای اخیر به ۱۴۰ تومان رسید. نرخ بنزین به یکباره از ۲۰۰ ریال به ۶۰ ریال صعود کرد و سبب بالا رفتن هزینه حمل و نقل کالاها شد" (کیهان ۱۸ تیر). همچنین خرید فرودانی که کالا را به نفع گزاف از همین عمده فروشان میخرند و هزینه صعودیافته حمل و نقل آنرا نیز میپردازند و باید آنرا به نرخ دولتی بفروشند، مجازات نقدی و بستن دکان و زنجان وحشی به توصیه آقای نویسنده این مرور کننده کار را اعدام است. هم اکنون خرده فروش خیاری را که کیلویی ۱۲ تومان از عمده فروش میخرد و با بیزین لیتری ۹۰ ریال به معنای سه برابر با ۱۲ تومان نرخ گذاری کند، معاف از مالیات خوراک، مرغ پاک کرده را کیلویی ۸۰ تومان از عمده فروش میخرند، پس از پاک کردن و طبخ با روغن حلی ۲۸۰۰ تومان با کوره کیلویی ۱۷۵ تومان، با بد کیلویی ۷۵ تومان بفروشند. و با این ترتیب است که روزانه دهها و بلکه صدها دکان خرده فروشی بسته میشود، شاهی برای تنگه "سارزه با گرانفروشی فقط حرف نیست! دوجناج رژیم مستحسانان را به هوا و نه به یکدیگر، بل به صورت مردم میزنند.

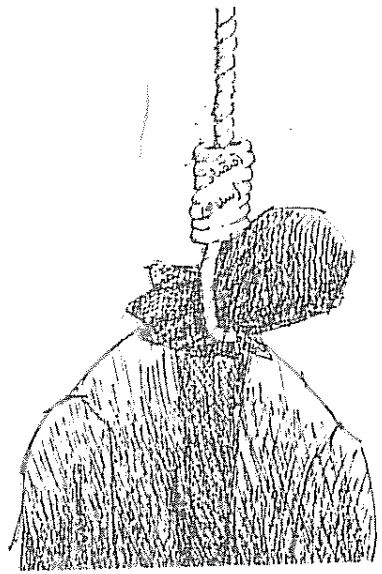
با: اگر چه این هیا هوی مبارزه با گرانفروشی را رژیم برای کسب مقبولیت بنا کرده است، باید آنرا به کارزار واقعی علیه رژیم تبدیل کرد:

اولاً: اگر این جنگ ارتجاعی علت اصلی نابسامانی کالاهاست، باید رژیم را وادار کنیم بدون هیچ قید و شرطی و مورد آن پایان بخشد. ثانیاً: اگر افزایش قیمت ها بازرگانان را ترس میدهد، باید آنها را با نگاه داشتن دستمزدها و امتناع رژیم از طرح طبقه بندی، مشاغل که باعث افزایش بخشی از دستمزدها است، موجبات فلاکت، بده روزی و فلج کارگران و کارکنان دولتی را فراهم کرده است. باید رژیم را وادار به افزایش دستمزدها متناسب با تورم کنیم.

ثالثاً: اگر قرار است قیمت ها کنترل شوند، این کار باید توسط نهادهای دمکراتیک، توده ای صورت گیرد نه ارگان های سرکوب حزب الله و کمیته های هائی که خود دست در دست محتکرین و مختلسین دارند.

و بالاخره: اگر قرار است فساد شبکه توزیع کنترل شود، باید تعاونی های مصرف را از زیر کنترل کمیته های سازمانی که تعاونی ها را به دفاع تردلالی تبدیل کرده اند خارج کرد و آنرا زیر کنترل نهادهای واقعی مردمی قرار داد. خریدی نیست که رژیم ولایت فقیه علت واقعی اصلی گرانی است و سالیانه گرانی و کمیاب شدن بدون سرنگونی این رژیم حل نخواهد شد. کارگران و زحمتکشان ما دیگر ما هستیم. رژیم را می شناسند و همه ها عوای آن باور ندارند. آنها فقط میخواهند نان قوی مرگ این رژیم را بشوند. ما رژیم خود بخود سرنگون نمیشود، باید آنرا سرنگون کرد. اکنون که گرانی به آن عامل قطعی تبدیل شده است که رژیم علائم مرگ خود را در آن می بیند، باید مبارزه با رژیم را اصولی و موروهای فوق به آتش تبدیل کنیم که هستی رژیم را بسوزاند.

میلیتاریزه کردن اقتصاد، از هم گسختگی تولید و کمبود کالاهای اصلی گرانی است و اگر قرار باشد مسیاب اصلی گرانی مجازات شود بقول حسن مازدقلو نماینده نمایان "ساله تنقیب و مجازات شامل حال خود دولت هم خواهد شد." (کیهان ۹ تیر)



از: آهنگر درتیمند

ثانیاً: ۲/۲ میلیارد دلار ارز اختصاصی با توجه به حجم ۱۵۰ میلیارد دلار واردات سالیانه کالاها و کمبود شدید ردی را در اختیار دولت و این کالاها هم وارد بازار می شود.

ثالثاً: وجود یک تولیدیون تومان سرمایه بخش خصوصی خود عامل فساد اصلی در بازار است و ارز اختصاصی هرگز قادر به رقابت با آن نخواهد بود.

رابعاً: فساد دستگاه دولتی، فساد در شبکه توزیع، در هم تنیدگی دوجناج و نفوذ گسترده بازاریان در تمام سطوح دستگاه دولت، طرح مبارزه با آنها در این هم نقش بر آب خواهد کرد.

حتی خود مسئولان دولتی هم اعتراف میکنند که به نتایج این سیاست اعتقاد ندارند و این هیا هوی تبلیغاتی تنها بدردمیره برداری سیاسی خواهد خورد. غلامرضا حدادی در مجلس گفت: "مسئولان اخیراً به این نتیجه رسیده اند که حداقل شناسایی رازنده نگهداریم و عملی هم بنه بر خدا" (کیهان ۲۵ تیر ۶۶). نمایندگان مزدور که دستگاه رژیم را بخوبی می شناسند میدانند که محتکران، خود صاحبان با نفوذ دستگاه دولتی هستند. علی باطل همدانی نماینده مجلس ولایت فقیه از جاه طلبان و کسوترا هنگ میگوید: "یکی از مشکلات بزرگ جامعه ما ساله با نبدازی است و جایگزین شدن روابط بجای روابط است که نه مثبت شناسی میگذارد نه اصنبت فکری. شنیده میشد که در ماه رمضان گذشته جعفرهای رنگین و سنگینی گسترده بوجود آمد و در کنار افطاری چگونه سیمه ها ما شدند گوشت قربانی تقسیم شدند." (کیهان ۹ تیر ۶۶) در این دستگاه ها فاسد، هما نشا که مقاصد را تقسیم میکنند، نان را هم تقسیم میکنند، سیم عمده فروشان و بازاریان بزرگ از هیا هوی مبارزه با گرانفروشی، با زارتشده و تقاضای بیشتر است. چنانکه بلافاصله پس از اعلام کارزار مبارزه

۶۰۰ هزار نفر از کارکنان کارگاههای صنعتی از پایه ۱۰۰۰۰۰ ریال ۵۸۰۰۰۰ ریال کمتر از ۷۵۰۰۰۰ ریال، کمتر از ۵۰۰۰۰۰ ریال ۶۶۰۰۰۰ ریال یافت است" (کیهان ۲۷ مرداد ۶۶) دیگر برای حیات و معیشت رژیم اسلامی در میان است. سید حسن شجاعی نماینده مجلس ولایت فقیه گفت: "ما به اهل مشروعیت به عنوان ما هیت نظام و تشکیل دهنده استخوان بندی نظام معتقدیم (که در عصر غیبت از طریق اطاعت از فقیه عادل تا مین میشود). اصل مقبولیت اصلی است که از فرای عمومی مردم نیست به حرکت نظام نشأت میگیرد. اگر اصل مقبولیت و رقابت عمومی خدشه دار شود بسیار طبیعی است که اصل مشروعیت و اطاعت از رهبری هم خدشه دار میشود." (کیهان ۱۱ تیر ۶۶)

و میرحسین موسوی، برای نجات همین مشروعیت است که به نایب اما زمان متوسل میشود. حال که نمیتوان با بورژوازی بازار رقابت کرد و چند اشتهای به "سودرعی" آنها یعنی ۵۰۰ میلیارد تومان سود حاصل از معامله ارزی در سال داشت، لاقول دولت باید حق نرخ گذاری و جلوگیری از جعل کوپن را داشته باشد. و نایب اما زمان که همین سال گذشته دولت را از دخالت در امور بخش خصوصی بر حذر کرده بود و از موسوی میخواست کار مردم را به "مردم" یعنی همین بازاریان زالیونفست سپارد، اکنون به او پاسخ مثبت داده و او اختیاراتی داد که بسیار بر معنای او و خبر از حدت بحران و شدت تنش در روابط بازار و دولت میدهد. با این ترتیب که:

۱- اختیار نرخ گذاری طبق فتوای خمینی یعنی سلب اختیار در این حیطه از نهادهای وسیع متعلق به بورژوازی بازار، از تسلیل اختیادهای اصناف و غیره.

۲- تفویض اختیار تعزیر حکومتی، یعنی سلب اختیار در این مورد در این مقطع از شورای عالی قضائی. دولت در اجرای این طرح از کمیته ها وسیع استفاده میکند.

۳- بلاغ دولت با اختصاص ۲/۲ میلیارد دلار از زیر برای واردات کالاهای اساسی به رقابت با بورژوازی برمی خیزد.

موسوی با تکیه بر شرایط اضطراری و خطرانی که بحران کنونی متوجه حیات رژیم کرده است، از یک طرف مسئولیت گامی به "مستضعف پناه" وادار ایجاد فلاکت و سیاه روزی مستضعفین و کوخ نشینان برده پوشی میکند و از طرف دیگر در آستانه انتخابات، با اتکاء بر فتوای خمینی فربسبه جاناته ای بر جریف وارد کرده و تلاش میکند از اعمال نفوذ شبکه بازاریان در انتخابات مجلس برای بدست آوردن کرسیهای بیشتر جلوگیری کند.

چماق مبارزه با گرانفروشی بر سر خرده فروشان فرود میآید

سیاست اخیر دولت موسوی در رقابت بین دوجناح قدرت الهیته بی تاثیر نیست، اما بدیهی است هیچ تاثیر یاری در کاهش قیمت ها نخواهد داشت و حتی نخواهد توانست شبکه مافیائی بازاریا را در هم بشکند زیرا: اولاً همچنانکه گفتیم جنگ وسیع است

خلق ایران رفیق نیوشا فرهی را فراموش نخواهد کرد!

با کمال تأسف، رفیق نیوشا فرهی، هوادار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران که در اعتراض به سفر خامنه‌ای، رئیس جمهوری اسلامی به نیویورک و در عین حال برای ابراز نجات از سلطنت طلبان، خود را بیسه آتش کشیده بود، در بیمارستان درگذشت.

به مناسبت خودسوزی اعتراضی وی، رفقای ما و هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران با علامیه مشترکی به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷ منتشر کردند که در بختی از آن آمده بود:

"هر روز که می گذرد سینه ده ها تن از بهترین فرزندان خلق آماج گلوله های دژخمان جمهوری اسلامی می گردد. اعدای ما دستهای دسته جمعی زندانبان سیاسی همچنان ادامه دارد و کشتار روحیانه خلق کردا بنهاد گسترده تری پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق انسان ها را با ایمال کرده و جنگ جهنمی ایران و عراق پس از بیجا یی آنها دن صدها هزار رگشته وارده شتمین سال خود گذشته است. رژیم می که خود را نماینده خدا و مالک جان انسانها می داند، گلپای سرخ جا معه را هر روز در داخل و خارج مرزهای کشورمان بهر پرکسریه و "رحمت الهی"ش در بیشت زهرا و هزاران گورستان کوچک و بزرگ دیگر سر خاک نشسته است.

در چنین شرایطی اعلام خسرفرا منتهای جهت شرکت در اخلان سازمان ملل - در تلاش برای برون رفت از انزوای بین المللی و منطقه ای رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی - اعتراض ایرانیان ما رزومترتسی در آمریکا را برانگیخت. بدین مناسبت روزیکشنبه ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷، تظاهراتی درلس آنجلس مقابل ساختمان فدرال از طرف "گمسته اعتراض به ورود خامنه‌ای به سازمان ملل"، "مشکل از ایرانیان مبارز و مترقی سرگزار گردید. درخاتمه، هنگام قرائت قطعنامه تظاهرات، بناگاه رفیق "نیوشا فرهی" هوادار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران در اعتراض به حضور خامنه‌ای جلاد در سازمان ملل، سیاست های خارجی ارتجاعی دولت ریگان در مخالفت با تلاشهای مذسوحانه سلطنت طلبان رنگارنگ برای بازگرداندن نظام سلطنتی و در هم بستگی ساختارهای استبدادهای ایران و جهان، دست از جان شست و خود را به آتش کشید.

ابو شاعر "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر سلطنت" در برابر حشمان بیست زده حصار سوخت تا قریا دخلق های قهرمان ایران را به گوش جهانسان برساند. رفیق نیوشا در وصیت نامه ای که قلمتایه کرده بود، چنین نوشت:

"... خون من رنگین تر از خون خلق کرد، با زنان، خامله ای که اعدام شده اند و با دخترانی که بی شمع ترین اشکال شکنجه می گردند (وبا حتی آن زنانی که در بیستوی اذهان بسپار و فرهنگ مذهبی مردان ایرانی اسیر هستند) نیست، اگرچه شجاعت، ایمان و بزرگی آنها را اندازم و بطریق اولی به اندازه آنها عاقبت نسیم..."

مادر و برادران اقدام مسورانه و فداکارانه رفیق نیوشا، هوادار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران که بی لحاظ شکل خود در تاریخ حشش اعتراضی و فاش گرانده کشور ما بیسابقه و منحصر بفرد است، سر تعظیم فرود می آید و ریم و اطمینان داریم که شعله ختم انقلابی خلق ایران بساط رژیم ولایت فقیه را نیز هم چون بساط سلطنت به خاک کستر تبدیل خواهد کرد و حاکمیت کارگران و زحمتکشان یکبار برای همیشه به حاکمیت ستمگران و بهره کشان خاتمه خواهد داد.

خاک سفید:

مبارزه توده ها علیه تخریب خانه ها

سه سال است که زمیندار یکی از محلات خاک سفید برای بازپس گرفتن زمینهای که توسط مردم مسافره شده بود، دست به اقداماتی زده است. این شخص که گودرزی نام دارد تهدید کرده بود که اگر بابت هر متر مربع مبلغ ده هزار تومان دریافت نکند، زرادگاه حکم تخریب منازل را خواهد گرفت. طوسی سه سال کشمکش، دادگداری در تاریخ ۶/۵/۶۶ تشکیل گردید و حکم تخریب به سرمایه دار مذکور داده شد. روز سوم مرداد از طرف پلیس قضائی، وادار شهری و سپاه پاسداران وعده ای دیگر، برای تخریب منازل به محله آمدند. مردم نیز آماده مقابله شده بودند، مقاومت و آمادگی مردم باعث گردید که مزدوران رژیم دست به عقب نشینی بزنند، مردم با شعار دادن و برتاب سنگ بسوی مأموران، آنان را وادار به عقب نشینی نمودند. مردم می گفتند: بروید گم شوید، شما مزدوران سرمایه داران هستید، اگر از طبقه محروم دفاع می کنید، چرا حکم تخریب آورده اید؟ در این حین سرمایه دار مذکور به مردم بسپار کرد که هر متر مربع پنج هزار تومان بپردازد، ولی مردم موافقت نکردند. سرانجام پس از مصیبت تعدادی از معتمدین محل، گودرزی را وادار کردند که بابت هر متر مربع، دوهزار تومان دریافت نکند. مردم می گفتند اگر گودرزی نپذیرد، هرکاری از دستش برمی آید، بکنند، ما با خون دل خانه و کاشانه ها ختله ایوی به هر قیمتی که شده آنها را ختگ و دندان حفظ خواهیم کرد.

دین پایدار از... د نباله از صفحه ۲۳

شاید برای مطالبات زیرمتحدانه مبارزه کنید:

- انحلال کلیه نهادهای جنگی و لئوکلیه بر نهادهای آموزشی جنگی در مدارس و دانشگاهها.

- معافیت کامل و بی قید و شرط دانش آموزان و دانشجویان از شرکت در جنگ.

- ممنوعیت هرگونه اخذ از دانش آموزان و دانشجویان برای کمک به جیبه ها.

- قطع سهمیه ارگانهای سرکوب (سپاه و بسیج و غیره) برای دانشگاهها.

- انحلال انجمن های اسلامی، ایسین کانون های پلیسی و جاسوسی در مدارس و دانشگاهها.

- لغو نظام گزینش و هرگونه ممانع یا شرط ایدئولوژیک و سیاسی در ورود به دانشگاهها و مدارس.

- لغو هرگونه محدودیت و تبعیض جنسی برای تحصیلات عالی.

- لغو هرگونه تبعیض و تحمیل آموزشی بر اقلیت های مذهبی.

- آزادی آموزش به زبان مادری برای ملیت های گوناگون ساکن کشور.

- آموزش رایگان، تامین کتب و وسایل تحصیلی، و ممنوعیت هرگونه اخذ از خانواده های دانش آموزان و دانشجویان.

- تبدیل انجمن های خانه و مدرسه به کانون نظارت و مددکاران تیک والدین - در آموزش فرزندان خود، با حق تعویض مسلمین نامطلوب.

مبارزه حول شعار محوری جدائی دین از نظام آموزشی، بدون مبارزه برای جدائی دین از دستگاه دولتی به شمرنی رسد و بدست آمدن این مطالبات درگرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.

بی توجهی حاشیه نشینان

یا بی توجهی رژیم اسلامی به زندگی حاشیه نشینان؟

در مرداد روزنامه رسالت، طی اطلاعیه ای، روابط عمومی راه آهن جمهوری اسلامی اعلام کرد که ۳ ماه اول سال جاری به علت بی توجهی حاشیه نشینان خطوط راه آهن به مقررات راه آهن ۱۲ تن مجروح و ۷ تن کشته شدند.

اطلاعیه تنها میزان مجروحین و کشته شده های سه ماه اول سال جاری را ذکر کرده است حال اگر چند سال گذشته را نیز به حساب آوریم تعداد کشته شدگان بسیار زیاد خواهد بود و اگر سن و سال آنها نیز مطرح شود مشخص خواهد شد که اکثر خردسالانی هستند که به علت فقدان مکان برای بازی و نبود حصارهای حفاظتی در خطوط راه آهن قربانی میشوند مسئول این قربانیان چه کسانی هستند.

آیا علت این فجایع بی توجهی کودکان خردسال است که تنها مکان بازیشان و تفریحگاهشان ریلها هستند یا جمهوری اسلامی که حاضر نیست برای کشیدن حصارهای حفاظتی اقدام کرده و جان کودکان را نجات دهد. همه می دانند که آن چیزی که برای این رژیم جنایتکار اهمیت ندارد جان مردم است. وقتی کودکان را از کلاس های درس بیرون می کشند و به جیبه های خون آتش می فرستند معلوم هست که دیگر حصارهایشان معنی نخواهد داشت و هر سال نیز با افتخار لیست بلندی لائی از جنایت خود را مبنی بر کشته شدن کودکان در خطوط راه آهن، در روزنامه ها اعلام خواهد داشت.

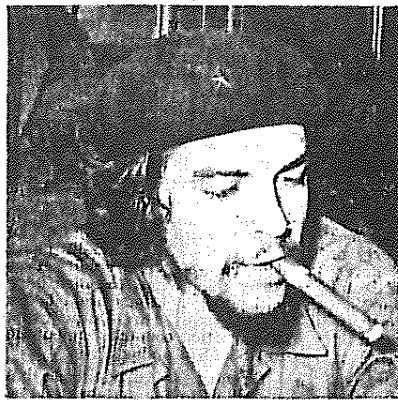
"تا آنجا که دین اقتضا میکند و ضرورت نظام است"

سرجا سوسن اسلامی، محمدی ری شهری طی یک سخنرانی درگروه های مسئولین حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی اعلام نمود: "سیستم های اطلاعاتی دنیا از کشف ترین، مودیانترین، خطرناک ترین و ردیابانه ترین راهها کسب اطلاعات می کنند و این روش مکتبی است که هدف مطلق، وسیله را القسا کند؛ ولی اسلام می گوید تا آنجا که دین اقتضا می کند و ضرورت نظام است."

ترجمه فرمایشات ری شهری به زبان آدمیزاد چنین می شود که: سیستم های اطلاعاتی دنیا تا جایی که هدف وسیله را توجیه می کند از کشف ترین، مودیانترین، خطرناک ترین و ردیابانه ترین راهها کسب اطلاعات می کنند؛ حال آنکه "اسلام" می گوید تا آنجا که دین اقتضا می کند و ضرورت نظام است "باید از کشف ترین، مودیانترین، خطرناکترین و ردیابانه ترین راهها کسب اطلاعات کرد."

چند ویتنام به پا کنیم!

«چه گوارا»



بیست سال پیش در ۱۶ مهرماه ۱۳۴۶ (۸ اکتبر ۱۹۶۷)، انقلابی بزرگ، انترناسیونالیست کبیررفیق ارستو چه گوارا، به ضرب گلوله های مزدوران امپریالیسم در جنگل های بولیوی به خاک افتاد. کمونیست دلاوری کسه پس از یاری رساندن به انجام انقلاب سوسیالیستی در کوبا، قصد کمک به سایر انقلابیون آمریکای لاتین را کرده بود، در حین انجام وظیفه انترناسیونالیستی خود، به جنگ دشمنان دمکراسی و سوسیالیسم افتاد و به شیوه بی رحمانه ای زجر کش شد. اما این همه برای آنکه لیخنه پیروزی را از چهره ناداب "چه" بزدا بد کفایت نکند. او شهیدشده ما منسوب شد. کار او را سایرین ادامه دادند و امروز آمریکای لاتین با انقلاب نیکا را گوشه بسا انقلاب در السالوادور، شیلی و... یاد "چه" و آرمان او را گرامی میدارد. زندگی کوتاه چه گوارا را تلسوری است از آرمان یک انقلابی کمونیست: در آرمانتین به دنیا آمد، در کوبا انقلاب را رهبری کرد، در حین سالهای انقلاب در بولیوی به تاریخ پیوست و در تمام این مدت از تبلیغ و کمک به انقلاب ویتنام ملاحظه ای باز نداشت. چه گوارا با حیات انقلابی خود این کلام مانیفست را معنا کرد: کارگران میهن ندارند!

در صفحات داخلی

علیه رفرمیسم:

در نقد نظرات «اکثریت»

- بخش هفتم: رهبری اکثریت و بحران داخلی
- با یک دست دو هندو اند نه نمی توان برداشت!
- فقها در مبارزه با "بدحجابی" چنین می فرمایند
- خلق ایران رفیق نیوشا فرهی را فراموش نخواهد کرد!

تذکر:

به علت کمبودها، متأسفانه مطالب زیر که عناوین آنها در راه کارگر شماره ۴۳ چاپ شده بود مسروبتند. ما طلب سوزی از خوانندگان عزیز در این شماره به چاپ آنها مبادرت می شود:

- "تا آنجا که دین اقتضا میکند و ضرورت نظام است!"
- بخت آزمائی اسلامی
- پیدا کنید آزادیهای سیاسی را!
- بی توجهی حاشیه نشینان یا بی توجهی رژیم اسلامی به زندگی حاشیه نشینان!

کمک های مالی و بهای نشریات را به حساب زیر واریز کرده و رسیدانکی آن را به آدرس نشریه در فرانس ارسال کنید.

CREDIT LYONNAIS
MERCURE 808
CPT.43956^R HASSAN
PARIS - FRANCE

آدرس در خارج از کشور

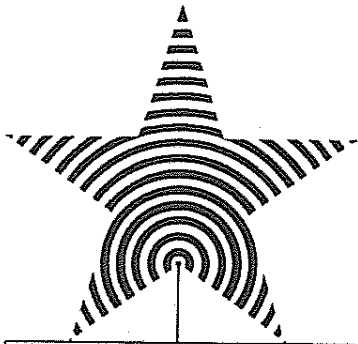
فرانسه

ALIZADI, BP195
75564 PARIS_Cedex12
France

آلمان

Postfach 650226
1 BERLIN 65
w.Germany

برای تماس با سازمان از خارج کشور،
با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۲۰ - ۴۹
در برلین فریب تماس بگیرید. بد لیسل
کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط
رژیم اسلامی، مطلقاً ممنوع است. برای
از داخل کشور با این شماره تلفن تماس
گرفته نشود.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ صدای کارگر هر شب از ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش می گردد.

★ برنامه هر شب، ساعت ۶ و ۳ دقیقه صبح روز بعد تکرار می گردد.

★ برنامه ویژه روزهای جمعه از ساعت ۱۰ صبح پخش می شود.

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحمتمکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

تذکر در مورد ارسال نامه ها به نشریه از داخل ایران

نامه هایی که از داخل ایران مستقیماً به آدرس های علمی "راه کارگر" در خارج از کشور ارسال شوند، توسط پست رژیم ضبط می گردند. برای تماس با راه کارگر، نامه ها و گزارشات خود را به آدرس دوست یا آشنائی در خارج از کشور پست کنید و از او بخواهید آنها را به یکی از آدرس های نشریه در خارج از کشور پست کند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!